

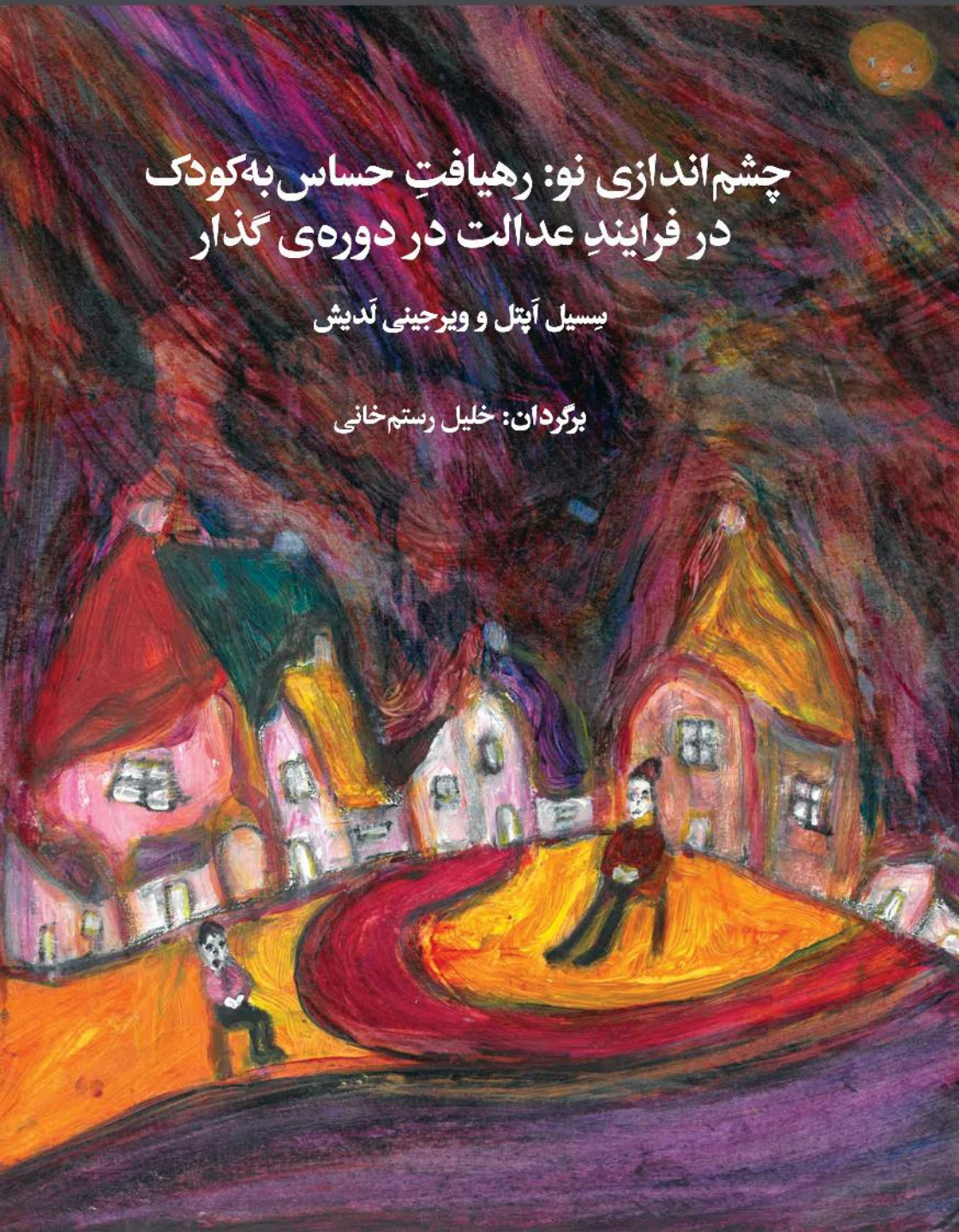


انتشارات آرامان شهر  
سکوت را بشکنیم

# چشم اندازی نو: رهیافتِ حساس به کودک در فرایندِ عدالت در دوره‌ی گذار

سیسیل آپتل و ویرجینی لَدیش

برگردان: خلیل رستم‌خانی



چشم‌اندازی نو: رهیافت حساس به کودک در  
فرایند عدالت در دوره‌ی گذار

سیسیل آپتل و ویرجینی لدیش

نظرات مطرح شده در این کتاب الزاما خواست و مشی آرمان شهر نیست.  
ایمیل: [armanshahrfoundation.openasia@gmail.com](mailto:armanshahrfoundation.openasia@gmail.com)  
وبسایت: <http://openasia.org>



چشم اندازی نو: رهیافت حساس به کودک در فرایند عدالت در دوره‌ی گذار

Through a New Lens: A Child-Sensitive Approach to Transitional Justice

نویسنده‌گان: سسیل آپتل و ویرجینی لدیش

برگردان: خلیل رستم خانی

بازخوانی: شورانگیز داداشی

نقاشی روی جلد: لیونل ریگو

طرح جلد و برگ آرای: روح الامین امینی

انتشارات آرمان شهر

چاپ دوم: ۱۴۰۰ خورشیدی

شماره‌گان: ۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است.

این کتاب با حمایت مالی ICAN منتشر شده است. مسؤلیت انتشار کتاب به عهده‌ی بنیاد آرمان شهر و مسؤلیت محتوای مطالب به عهده‌ی نویسنده یا نویسنده‌گان است و محتوا به هیچ وجه نمی‌تواند بازتاب دیدگاه نهادهای نام برده محسوب شود.

## فهرست

۷.....	خلاصه‌ی اجرایی
۱۱.....	۱. مقدمه
۱۷.....	۲. درک از کودکی
۱۷.....	تعریف‌های حقوقی و فرهنگی کودکی
۱۹.....	جنسیت
۲۱.....	پیوستارِ کودک-جوان
۲۴.....	۳. کودکان و حقیقت‌یابی
۲۶.....	زمان بندی: برنامه‌ریزی پیشاپیش
۲۹.....	منابع و تخصیص مالی
۳۱.....	ترکیب
۳۲.....	مشارکت کودکان و جوانان
۳۵.....	گزارش نهایی
۴۰.....	۴. کودکان و عدالت کیفری
۴۱.....	دسترسی کودکان به عدالت
۴۲.....	توجه به سربازگیری و به‌کارگیری غیرقانونی کودکان در خصومت‌ها
۴۸.....	کودکان در تقابل با قانون
۵۱.....	۵. کودکان و غرامت
۵۲.....	اهمیت غرامت‌های کودک‌محور

۵۳	..... تعیین گیرنده‌گانِ غرامت
۵۶	..... تعیین نوع مزایا
۶۰	..... تأمین بودجه‌ی غرامت‌ها و توزیع آن‌ها
۶۲	..... ۶. اصلاحات نهادی
۶۸	..... ۷. مسایل فراگیر
۶۸	..... دست‌یافتن به کودکان
۷۳	..... هم‌کاری میان‌بخشی
۷۵	..... ۸. ملاحظات پایانی
۷۸	..... پیوست
	درگیری و فرایندهای عدالت در دوره‌ی گذار در کلمبیا،
۷۸	..... جمهوری دمکراتیک کنگو، لیبریا و نپال
۸۰	..... برخی واژه‌ها
۸۳	..... کتاب‌شناسی

## درباره‌ی نویسنده‌گان

سیسیل آپتل که در حال حاضر هم‌کار ارشد برنامه‌ی جنینگز زَندلف در مؤسسه‌ی صلح ایالات متحده است در سال ۲۰۱۱ به دانشکده‌ی حقوق و دیپلماسی فلیچر در دانشگاه نُفتز پیوست. پیش از این، او فعالیت‌های مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی (ICTJ) درباره‌ی کودکان و عدالت در دوره‌ی گذار<sup>۱</sup> را پایه‌گذاری و هدایت کرده است (۲۰۱۰-۲۰۰۸). تجربه و فعالیت نگارشی او به‌گرد عدالت بین‌المللی کیفری، عدالت در دوره‌ی گذار و حقوق کودکان تمرکز یافته است. او برای دادگاه‌های بین‌المللی رواندا و یوگسلاوی سابق کار کرده (۱۹۹۵-۲۰۰۵)، در تحقیقات بین‌المللی مربوط به نقض حقوق بشر و تروریسم، از جمله در کمیسیون تحقیقات مستقل بین‌المللی سازمان ملل که او مدیر بخش خدمات حقوقی بود مشارکت کرده، و در تشکیل دادگاه ویژه‌ی لبنان و شعبه‌ی جنایت‌های جنگی دادگاه کشوری بوسنی - هرزگوین (۲۰۰۶-۲۰۰۵) نقش داشته است. وی در سمت مشاور دفتر مواد مخدر و جرایم سازمان ملل خدمت کرده؛ درباره‌ی حاکمیت قانون و اصلاحات قضایی، به‌ویژه در کلمبیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، کنیا، مراکش و آفریقای جنوبی، نظر مشورتی داده؛ و از فعالیت بشردوستانه‌ی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و اتحادیه اروپا حمایت کرده است. او از سال ۲۰۰۸ یکی از رؤس کمیته‌ی جنایت‌های جنگی کانون بین‌المللی وکلای دادگستری بوده است.

ویرجینی لدیش فعالیت مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی در زمینه‌ی کودکان و عدالت در دوره‌ی گذار و نیز برنامه‌ی کشوری مربوط به قبرس را هدایت می‌کند. ویرجینی از

۱. یا عدالت انتقالی. Transitional justice

سال ۲۰۰۶ که به مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی پیوست تا سال ۲۰۰۹ در واحد عدالت جبرانی و برنامه‌های کشوری کانادا و ترکیه فعالیت کرده است. پیش از پیوستن به مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی، ویرجینی درباره‌ی آشتی و مصالحه در قبرس تحقیق می‌کرد، هماهنگ‌کننده‌ی پروژه‌ی آموزش درباره‌ی جنایت‌های جنگی بود و در گواتمالا به‌عنوان ناظر انتخاباتی خدمت کرده بود. ویرجینی در سال ۲۰۰۰ بورس توماس جی. واتسون برای پژوهش مستقل را دریافت کرد که طی آن کار میدانی گسترده‌ای درباره‌ی کمیسیون‌های حقیقت در آفریقای جنوبی و گواتمالا انجام داد. نتیجه‌ی پژوهش او درباره‌ی مشکلات مصالحه در قبرس در نشریه‌ی امور عامه و بین‌المللی و بررسی قبرس منتشر شده است. ویرجینی دارای دانش‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در امور بین‌المللی از دانشکده‌ی امور عامه و بین‌المللی در دانشگاه کلمبیا و دانش‌نامه‌ی کارشناسی در علوم سیاسی از کالج هیورفورد است.

### درباره‌ی مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی (ICTJ)

مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی در زمینه‌ی جبران و پیش‌گیری از غالب موارد نقض شدید حقوق بشر از طریق مقابله با میراث تعدی‌های گسترده فعالیت می‌کند. این مرکز در پی یافتن راه‌حل‌های همه‌جانبه برای ترویج پاسخ‌گویی و ایجاد جوامع عدالت‌خواه و صلح‌آمیز است. برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به: <https://www.ictj.org>

استفاده از عنوان‌های جغرافیایی در این گزارش را نباید به‌عنوان موضع مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی درباره‌ی موقعیت سیاسی آن مکان‌ها تفسیر کرد.

## خلاصه‌ی اجرایی

این گزارش به بررسی شیوه و میزانی می‌پردازد که رهیافت‌های عدالت در دوره‌ی گذار کودکان را در این فرایند شرکت داده‌اند و نیازها و چشم‌اندازهای آن‌ها را در نظر گرفته‌اند؛ تجربه‌ی سازوکارهای حقیقت‌یابی، عدالت‌کیفری، تأمین‌گرامت و اصلاحات نهادی را تحلیل می‌کند. این بررسی بر نتایج پالایش‌شده‌ی ارزیابی‌ها در کلمبیا، منطقه‌ی ایتوری در جمهوری دموکراتیک کنگو، لیبریا و نپال استوار است.

کودکان در کشورهای مبتلا به جنگ و نقض فاحش حقوق بشر از جمله کسانی هستند که بیش از همه در معرض این مسایل قرار می‌گیرند. کودکان حق دارند نظریاتشان را ابراز کنند و در فرایندهای مربوط به آن‌ها، از جمله عدالت در دوره‌ی گذار، مد نظر قرار گیرند. باوجود این، کودکان و جوانان به صورت نظام‌مند در کانون سازوکارهای عدالت در دوره‌ی گذار قرار نداشته‌اند. ارزیابی از نقش و تأثیر نقض حقوق بشر بر کودکان و جوانان، به‌عنوان بخشی از رهیافت حساس به کودک، باید یکی از روش‌های اصلی نگاه برای درک موضوع، شناسایی نیازها و غنی کردن ماهیت و عملکرد عدالت در دوره‌ی گذار باشد. رهیافت حساس به کودک باید از ابتدا در فرایند تکوین اقدامات عدالت در دوره‌ی گذار گنجانده شود و توجه به نقض حقوق بشر کودکان باید بخش صریحی از هدف این رهیافت باشد. برای این کار باید منابع کارشناسی و اداری در اختیار باشد و از در نظر گرفتن مسایل کودکان در هر موضوع مربوط اطمینان حاصل شود.

حتا در مواردی که کودکان در میان اشخاصی نیستند که قربانی مستقیم یا شدید نقض حقوق بشر باشند، آن‌ها اشخاص ذینفع مهمی هستند - به‌ویژه در کشورهایی که بخش قابل توجهی از کل جمعیت یا حتی اکثریت آن را کودکان تشکیل می‌دهند - و باید به



میزان کافی مطلع شوند و طرف مشورت قرارگیرند. در هنگام مشارکت دادن کودکان در عدالت در دوره‌ی گذار، حداکثر منافع آن‌ها، دغدغه‌های مربوط به حمایت جسمانی و سلامت روانی-اجتماعی آن‌ها و دغدغه‌های مربوط به محرمانه و ناشناس ماندن باید در نظر گرفته شود.

سازوکارهای حقیقت‌یابی (یعنی کمیسیون‌های حقیقت):

• در هنگام ایجاد سازوکار حقیقت‌یابی، بسیار مهم است که چارچوب را با نگاه حساس به کودک تحلیل کنیم و دریابیم نقض حقوق بشر چگونه بر کودکان تأثیر گذاشته و نیازهای مشخص آن‌ها را تعیین کنیم. اگر ارزیابی ما نشان دهد که کودکان تأثیر گرفته‌اند، در این صورت وظایف سازوکار حقیقت‌یابی باید ارجاع آشکاری به موارد نقضی داشته باشد که کودکان از سرگذرانده‌اند. این ارجاع باید راهنمای تصمیم‌های مربوط به انتصاب کارکنان، روش‌شناسی و ساختار باشد. سازوکارهای حقیقت‌یابی باید اظهارات کودکان و کسانی را که در کودکی قربانی بوده‌اند، گردآوری کند، مشروط به این‌که این کار به شکل امنی انجام شود. کودکان باید به کمک روانی-اجتماعی از طریق این فرایند دسترسی داشته باشند و امکاناتی برای سلامت جسمانی آن‌ها و حمایت بلندمدت جامعه از آن‌ها فراهم شود.

عدالت کیفری:

• کودکان اغلب با مشکلات مهمی در زمینه‌ی دسترسی به عدالت و برخورد نظام دادگستری با آن‌ها روبرو هستند. این مشکلات در چارچوب گذار و وضعیت پس‌ادرگیری تشدید می‌شوند.

با وجود این‌که گام‌های اولیه‌ی مثبتی برداشته شده، برای تقویت پیگرد مسؤولان جنایت‌های علیه کودکان، هم در سطح داخلی و هم بین‌المللی، نیاز به اقدامات بیش‌تری است. مجموعه‌ی کامل‌تری از جرایم علیه کودکان باید مورد پیگرد قرارگیرد و روال کار باید کودک‌پسندتر باشد. بنا به این گزارش، در جاهایی مثل جمهوری دموکراتیک کنگو، مردم محلی ممکن است توجه به جرم سربرازگیری غیرقانونی کودکان در نیروها و گروه‌های مسلح و به کارگیری آن‌ها در درگیری‌ها را کامل درک نکنند و این توجه ممکن است در جمهوری

دمکراتیک کنگو و کلمبیا لزوماً تأثیر مثبتی بر ترخیص کودکان از خدمت نداشته باشد.

#### برنامه‌های تأمین غرامت:

- حق دریافت غرامت، همه قربانیان نقض فاحش حقوق بشر از جمله کودکان را در بر می‌گیرد. با وجود این، معدودی از برنامه‌های تأمین غرامت کودکان را به‌عنوان ذینفع پذیرفته‌اند. برنامه‌های دیگر با طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌ی تأمین غرامت مؤثر حساس به کودک در کلنجار بوده‌اند. غرامت‌های مختص کودکان مهم هستند، زیرا حقوق کودکان را نسبت به موارد نقض در گذشته مورد تأیید قرار می‌دهند، می‌کوشند فرصت‌های از دست رفته را جبران و فکری برای آینده کنند.

- هدف از تأمین غرامت باید کمک به کودکان برای گردآوری ابزار، منابع و حمایت مورد نیازشان برای شرکت در زنده‌گی مولد باشد، برای نمونه با کوشش برای جبران سال‌های از دست رفته در مدرسه از طریق برنامه‌های آموزشی شتاب‌یافته.

#### اصلاحات نهادی:

- اصلاح بخش امنیتی و اصلاحات نهادی دیگر باید به دغدغه‌ها و خواسته‌های کودکان و جوانان توجه داشته باشد. این‌گونه اصلاحات به‌طور سنتی نیازهای دخترانی را که فرایندهای رسمی را دور زده و «خود به خدمت نظامی پایان داده‌اند»، نادیده گرفته‌اند. برنامه‌ریزی باید برنامه‌ی توجه جنسیتی مختص به نیازهای کودکان داشته باشد.

- بخش آموزش باید در اقدامات عدالت در دوره‌ی گذار ملحوظ شود. این بخش که اغلب در منشأ خشونت و تبعیض قرار دارد، از امکان مهمی برای کمک به ایجاد هنجارهای تازه‌ی احترام به حقوق بشر برخوردار است.<sup>۱</sup>

۱. عناصر بخش آموزش مثل اصلاح برنامه‌ی درسی را می‌توان به عنوان ابتکارهای مربوط به حقیقت و حافظه دید، اما در اینجا ما اصلاح برنامه‌ی درسی را زیر جریان وسیع‌تر اصلاح نظام آموزشی به‌طور کلی می‌بینیم.

این تحقیق بالاتراز هر چیز به این نتیجه رسیده که در تمام زمینه‌ها ناآگاهی گسترده‌ای در میان کودکان درباره‌ی اقدامات مربوط به عدالت در دوره‌ی گذار وجود دارد. در کلمبیا، نبود اطلاعات درباره‌ی مهلت‌ها و الزام‌های واجد شرایط بودن به این معنا بود که بسیاری از جوانان هرگز غرامت استحقاقی‌شان را دریافت نکردند. بر اساس چند نمونه‌ی مثبتی که در دست است، سازوکارهای عدالت در دوره‌ی گذار باید در زمینه‌ی ایجاد مطالبی سرمایه‌گذاری کنند که به آسانی در دسترس مخاطبان مختلف، از جمله نسل‌های جوان، باشند. این کار شاید به معنای تهیه نسخه‌ای از گزارش نهایی کمیسیون حقیقت و آشتی برای کودکان و جوانان یا گنجاندن یافته‌های اصلی سازوکارهای عدالت در دوره‌ی گذار در برنامه درسی مدارس باشد.

افزایش مشاوره و هماهنگی بین نهادهای حمایت از کودکان و کنش‌گران عدالت در دوره‌ی گذار به‌ویژه به منظور فعالیت مشترک در جهت تبلیغ سازوکارهای حساس به‌کودک در فرایند عدالت در دوره‌ی گذار به شدت ضروری است.

قصور از توجه به دغدغه‌های کودکان و جوانان ممکن است بازیابی جوامع در حال گذار یا پس‌ادگرایی را در بلندمدت به خطر بیناندازد. کودکان و جوانان برای ایفای نقش سازنده در ساختن آینده نیاز به درک گذشته دارند.

## ۱. مقدمه

در مواردی که فجایع و سرکوب عمومی نظام‌مند یا گسترده است، کودکان از جمله کسانی هستند که در معرض تأثیرهای منفی ناشی از پیامدهای عظیم جسمانی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار دارند.

در سال ۲۰۱۰، بیش از یک هزار میلیون<sup>۱</sup> کودک در کشورها یا مناطق در حال جنگ جهان زنده‌گی می‌کردند و بیش از یک چهارم آن‌ها کمتر از پنج سال داشتند.<sup>۲</sup> بسیاری از کشورهای جنگ‌زده دارای هرْم سنی بی‌تناسبی هستند. در نتیجه، بیش از ۴۲ درصد مردم در کشورهای متأثر از جنگ، کودکان یا جوانان (زیر ۱۹ سال) هستند و ۵۱ درصد آن‌ها کمتر از ۲۵ سال دارند.<sup>۳</sup> این بدین معناست که در این کشورها، قربانی غیرنظامی «متوسط» - شخصی که کشته یا زخمی شده یا ناگزیر از خانه اش فرار کرده است - بیش تر احتمال دارد کودک یا جوان باشد تا نباشد.<sup>۴</sup>

---

۱. در جغرافیای زبان فارسی واژه‌های متفاوتی برای این عدد به کار می‌رود. منظور ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ است - مترجم

۲. این محاسبه‌ها بر «درگیری سنچ ۲۰۱۰» هایدلبرگ که ۲۸ درگیری به شدت خشونت‌آمیز سال ۲۰۱۰ را برشمرد و پیش‌بینی‌های بخش جمعیت سازمان ملل برای سال ۲۰۱۰ در «دورنمای جمعیت جهان» استوار است.

۳. بخش جمعیت سازمان ملل، «دورنمای جمعیت جهان»

۴. تعریف سازمان ملل از جوانان اشخاص بین ۱۵ و ۲۴ سال است. (نگاه کنید به پرسش ۱ در «پرسش‌های رایج درباره‌ی برنامه‌ی جوانان سازمان ملل»، در: <http://social.un.org/index/Youth/FAQ.aspx> و دبیرکل سازمان ملل، «جرای برنامه‌ی عمل جهانی» (*World Programme Implementation of the of Action*), که در آن دبیرکل پیوسته جوانان را اشخاص ۱۵-۲۴ سال می‌داند.) یونیسف از این واژه برای اشاره به اشخاص در سن‌های ۱۹-۱۰ استفاده کرده است. (راجانی، در «حقوق مشارکت نوجوانان»

کودکان ممکن است در بحبوحه‌ی خشونت گیر بیفتند و اغلب هم به‌طور مشخص مورد حمله قرار می‌گیرند، به‌ویژه در جنایت‌هایی هم چون تجاوز، شکنجه، برده‌داری یا سربرازگیری غیرقانونی، دقیقاً به خاطر این‌که به‌عنوان کودک آسیب‌پذیر هستند. بی‌عدالتی علیه کودکان تنها در کشورهای در جریان جنگ یا پسا‌جنگ، مثل کلمبیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، لیبیا یا نپال رخ نمی‌دهد؛ بل‌که، برای نمونه، در کانادا و استرالیا نیز رخ می‌دهد که در آن‌ها از طریق نظام مدارس شبانه‌روزی ایجاد شده‌ی بر اساس سیاست دولت، پیوندهای خانوادگی و اجتماعی کودکان بومی به‌عمد کاهش یافته یا قطع شده‌اند.

با همه‌ی این‌ها و با وجود گسترده‌گی نقض حقوق بشر و جنایت‌های علیه کودکان، سازوکارهای عدالت در دوره‌ی گذار - که کمیسیون‌های حقیقت‌یابی، عدالت کیفری، تأمین غرامت و اصلاحات نهادی را دربر می‌گیرند - اغلب منافع و چشم‌اندازهای کودکان را نادیده گرفته‌اند و کنش‌گران محلی فقط به تازگی اهمیت مشارکت کودکان را در این اقدامات پذیرفته‌اند. بخشی از این قصور ناشی از ناتوانمندی‌های کودکان به‌طور کلی و کودکان قربانی به‌طور ویژه است که در اثر نبود نمایندگان آن‌ها در مجموعه‌های سیاسی و سازمان‌های جامعه مدنی پیچیده‌تر شده است.

از دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد که اصطلاح «عدالت در دوره‌ی گذار» اولین بار وضع شد، این موضوع تکامل یافته و با زمینه‌های مختلف وفق یافته است.<sup>۱</sup> این واژه که ابتدا در مورد وضعیت‌های گذار، از حاکمیت اقتدارگرا تا دموکراسی در آمریکای لاتین (به‌ویژه در مخروط جنوبی آن)، اروپای شرقی و آفریقای جنوبی به کار می‌رفت، بیش‌تر و بیش‌تر

(Rajani, "Participation Rights of Adolescents") ۸، از هر سه واژه‌ی «نوجوانان»، «جوانان» و «افراد جوان» برای اشاره به گروه سنی ۱۹-۱۰ استفاده می‌کند؛ برای بحث درباره‌ی این انتخاب، نگاه کنید به «واژه‌ها» در صفحه ۸. یونسکو بین «جوانان» در سن‌های ۱۵ تا ۲۴ و «افراد جوان» در سن‌های ۱۰ تا ۱۹ تفاوت قابل شده است (یونسکو، *توانمندسازی جوانان*, Empowering Youth, ۱۰). هیچ تعریف حقوقی از واژه‌ی «جوانان» وجود ندارد. در این گزارش، نویسندگان مایل به تأکید هستند که کسانی که به عنوان کودک قربانی شده‌اند باید به‌دقت مد نظر قرار گیرند و در فرایندهای عدالت در دوره‌ی گذار شرکت داده شوند.

۱. برای بحث درباره‌ی چارچوبی که عبارت «عدالت در دوره‌ی گذار» اولین بار مورد استفاده قرار گرفت، نگاه کنید به: آرتور، «گذارها چگونه به حقوق بشر دوباره شکل دادند.» (Arthur, "How Transitions" Reshaped Human Rights").

درباره‌ی وضعیت‌های گذار از نوع متفاوت به کار می‌رود، به ویژه در مورد وضعیت‌های پسادرگیری (هم چون سی‌پیرا لیون، تیمور شرقی، لیبیریا، نپال یا پرو) و به تازگی در درگیری‌های جاری (هم چون کلمبیا، افغانستان و جمهوری دموکراتیک کنگو).

عدالت در دوره‌ی گذار به مشکلاتی می‌پردازد که جوامع در حال گذار - از جنگ به صلح یا از حکومت استبدادی به دموکراسی - در طلب پاسخ‌گویی برای نقض گسترده حقوق بشر با آن‌ها روبرو هستند. هدف آن شناسایی رسمی قربانیان و ترویج اعتماد مدنی در راه اهداف بلندمدت تسهیل دموکراسی و آشتی است. فرض بنیادی این است که برای بناکردن آینده‌ای با ثبات، پرداختن به گذشته‌ی ضایعه‌بار ضروری است. یکی از اصول اساسی عدالت در دوره‌ی گذار این است که تلاش برای پرداختن به میراث نقض حقوق بشر باید قربانی‌محور باشد و از طریق استراتژی درهم‌تنیده‌ای شامل محاکمه، فعالیت‌های حقیقت‌یابی، تأمین غرامت و اصلاحات نهادی دنبال شود.

به‌عنوان بخشی از این رهیافت قربانی‌محور، عدالت در دوره‌ی گذار باید اهداف، روش‌ها و رویه‌های اش را با چشم‌اندازی حساس به کودک مورد بازنگری قرار دهد تا نیازهای مشخص و حقوق قربانیان کودک را ارزیابی و تحلیل کند. این کار باید با در نظر داشتن این‌که پسرها و دخترها ممکن است سرگذشت متفاوتی در جنگ داشته باشند و براساس آسیب‌پذیری‌های خاص خود مورد حمله قرارگیرند، انجام شود.

عدالت در دوره‌ی گذار می‌تواند و بایستی نقشی در افزایش آگاهی درباره‌ی قربانی شدن کودکان بازی کند و به پایان دادن به معافیت از مجازات برای این جنایت‌ها کمک کند. با نگاه از این زاویه، کنش‌گران عدالت در دوره‌ی گذار باید قربانی بودن کودکان، نقش آن‌ها به‌عنوان ناظر و مشارکت‌کننده، تأثیر جنایت‌ها بر آن‌ها و توان آن‌ها در پیش‌برد درس‌های گذشته را در نظر بگیرند. به‌کارگیری نگاه حساس به کودک برای تحلیل چارچوب، شناسایی نیازها و تقویت وظایف و ویژه‌گی‌های عدالت در دوره‌ی گذار مهم است. این چشم‌انداز به طرح پرسش‌های تازه کمک می‌کند، از جمله: آیا کودکان در معرض نقض حقوق قرار گرفته‌اند، اگر گرفته‌اند، چگونه؟ آیا کودکان مستقیم یا غیرمستقیم قربانی شده‌اند؟ آیا نقشی در جلوگیری از جنایت بازی کرده‌اند و دیگران را از نقض حقوق‌شان محافظت کرده‌اند؟ آیا کودکان و جوانان در ارتکاب نقض حقوق شرکت داشته‌اند؟

کودکان تأثیر گرفته از نقض گسترده حقوق بشر باید از فرصت مشارکت در فرایند عدالت در دوره‌ی گذار برخوردار باشند. هم‌چنان‌که گراسا ماچل اظهار کرده است: «کودکان نقش مهم و یگانه‌ای در فرایند حقیقت‌یابی، عدالت و آشتی دارند. بزرگسالان می‌توانند از طرف کودکان و با در نظر داشتن منافع عالی آن‌ها اقدام کنند، ولی اگر کودکان طرف مشورت نباشند و در فرایند شرکت نکنند، کار ناقص خواهد بود و امکان پیگیری مناسب‌ترین و پایدارترین راه حل‌ها تضعیف خواهد شد.»<sup>۱</sup>

مشارکت دادن کودکان به خاطر کودکان قربانی و جوامع خود آن‌ها مهم است و می‌تواند به جلوگیری از تکرار نقض حقوق کمک کند. از آنجا که کودکان در سن شکل‌گیری و تأثیرپذیرتر هستند، زمانی که در معرض جنایت قرار می‌گیرند، ممکن است مبنای تشخیص در مورد رفتار قابل‌پذیرش با افراد و سطح اجتماعی را از دست بدهند. بعضی از آن‌ها ممکن است در رویارویی با شرایط ناعادلانه منطبق خشونت را تشخیص دهند. برای نمونه، بعضی از آن‌ها ممکن است سوزاندن در برابر دیده‌گان مردم یا اعدام بدون رعایت موازین قضایی را راه حل‌های مناسبی برای مقابله با خشونت در اجتماع‌شان بدانند و استفاده از آن‌ها را برای رفتار با مجرمان در دوره پس‌امنازعه توصیه کنند.<sup>۲</sup> به این خاطر، چرخه‌های درگیری بین‌نسلی و مرزهای بالقوه‌ی خشونت آینده دغدغه‌ی نسبت به کودکان را به بخش مهمی از تلاش در راه عدالت در دوره‌ی گذار تبدیل می‌کند. این موضوع در گزارش نهایی کمیسیون حقیقت و آشتی لیبیریا تکرار شده است: «این نسل از جوانان، که بسیاری در میان آن‌ها اسلحه برداشته بودند، باید از فرصت مشارکت در اصلاح نظم اجتماعی و نهادی که نسبت به آن‌ها در گذشته قصور کرده، برخوردار باشند. اگر این شرایط گلی برآورده نشود، احتمال بازگشت به خشونت قوی باقی می‌ماند.»<sup>۳</sup>

علاوه بر این، کوتاهی از پرداختن به تجربه‌ی کودکان، از جمله کودکان قربانی، ظرفیت و توانایی جوانان برای عمل به مثابه‌ی واسطه‌ی آشتی و صلح‌سازی در میان مردم خود را به هدر خواهد داد. «در نهایت، صلح واقعی بر روی یک تکه کاغذ دیپلماتیک به دست نمی‌آید، بل که در زنده‌گی امن و سالم دختران و پسران به دست می‌آید.»<sup>۴</sup>

۱. گراچا ماچل Graça Machel، «پیش‌گفتار»، صص xi-x

۲. اولسون، کودکان در فضاهای خاکستری، ۲-۱۶۰ (Olson, Children in the Gray Spaces)

۳. کمیسیون حقیقت و آشتی لیبیریا، گزارش تلفیقی نهایی، ۲۱۳

۴. یونیسف، «آنتونی لیک»

این گزارش بخشی از پروژه‌ی گسترده‌تر مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی (ICTJ) برای بررسی گستره و ویژگی‌های مشارکت و فعالیت کودکان در سازوکارهای عدالت در دوره‌ی گذار است که از سال ۲۰۰۸ آغاز شده است. موازی با تهیه‌ی این گزارش و فعالیت‌های جاری در چند کشور، برنامه‌ی کودکان و عدالت در دوره‌ی گذار مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی در اشتراک با یونیسف کتابچه‌ای درباره‌ی کودکان و کمیسیون‌های حقیقت نوشته است،<sup>۱</sup> در تدوین «اصول اساسی برای کودکان و عدالت در دوره‌ی گذار» در پیوند با یونیسف مشارکت کرده است<sup>۲</sup> و در نشریه‌ای با عنوان کودکان و عدالت در دوره‌ی گذار سهم داشته است.<sup>۳</sup> هدف گزارش حاضر، براساس چهار ارزیابی میدانی که در سال ۲۰۱۰ انجام شد، کمک بیش‌تر به پرده برداشتن از رنج کودکان و فراهم کردن تریبون و فضایی برای آن‌ها برای پذیرش و عدالت است. این گزارش پیشنهادهایی را برای آسان‌تر کردن مشارکت کودکان در سازوکارهای عدالت در دوره‌ی گذار در میان می‌گذارد.

تحقیقات در کلمبیا، منطقه‌ی ایتوری در جمهوری دمکراتیک کنگو،<sup>۴</sup> لیبریا و نپال انجام شده است.<sup>۵</sup> این چهار کشور که هر یک دارای زمینه‌های متمایز و در مراحل مختلف فرایند رسیدگی به جنایت‌های بین‌المللی یا موارد عظیم نقض حقوق بشر هستند، گستره‌ای از چشم‌اندازها و رهیافت‌ها به عدالت در دوره‌ی گذار را پیش رو

۱. مرکز پژوهش اینوچنتی یونیسف و مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی، کودکان و کمیسیون‌های حقیقت

(UNICEF Innocenti Research Centre and ICTJ, *Children and Truth Commissions*)

۲. هدف از این اصول «اطلاع‌رسانی بهتر درباره‌ی حمایت از کودکان و مشارکت آن‌ها در فرایندهای حقیقت، عدالت و آشتی و برقراری شالوده‌ای برای تحلیل بیش‌تر و ایجاد توافق درباره‌ی نقش کودکان در عدالت در دوره‌ی گذار است.» نگاه کنید به: <http://www.unicef-irc.org/files/documents/d-3727-Key-principles-document-f.pdf>.

۳. پارمر و دیگران، کودکان و عدالت در دوره‌ی گذار، ۲۰۱۰ (Parmar et al., *Children and Transitional Justice*)

۴. منطقه‌ی ایتوری در استان اُرنیتال در گوشه‌ی شمال شرقی جمهوری دمکراتیک کنگو واقع شده است. ۵. در هر کشور، مصاحبه‌شوندگان از میان نهادهای خوش‌نام ملی و محلی حمایت از کودکان و نیز سازمان‌های فعال در عدالت در دوره‌ی گذار در آن کشورها انتخاب شدند. تلاش ویژه‌ای برای مصاحبه‌ی محرمانه و ناشناس با کودکان در محیطی ایمن و با واسطه به عمل آمد. با استفاده از شکل‌های مصاحبه‌ی نیمه باز یا باز با ۸۷ تن گفتگو شد. مصاحبه‌ها به‌طور معمول به زبان یا زبان‌های محلی انجام شده است. به علت شرایط بی‌ثبات کشورهای محل تحقیق، چند مصاحبه محرمانه انجام شد و در نتیجه منبع اکثر اظهارات نقل شده در این گزارش ذکر نشده است. تمام یادداشت‌های مربوط به مصاحبه‌ها و اطلاعات این گزارش در بایگانی دفتر مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی موجود هستند.



می‌گذارند که کمیسیون‌های حقیقت، استفاده از سازوکارهای قضایی محلی و بین‌المللی، تأمین غرامت و اصلاحات نهادی را دربر می‌گیرند.<sup>۱</sup> با وجود تفاوت‌های مهم بین این چهار کشور، همه آن‌ها در گذشته دچار درگیری مسلحانه بوده‌اند یا در حال حاضر هستند و کودکان یا به اصطلاح کودکان سرباز نیز در آن‌ها در ارتباط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح بوده‌اند. با وجود این‌که چندین نمونه‌ی مشارکت کودکان در مسایل مربوط به عدالت در دوره‌ی گذار که در این گزارش مورد اشاره قرار گرفته، به «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» مربوط می‌شود، «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» فقط بخش کوچکی از کودکان تأثیرگرفته از درگیری را تشکیل می‌دهند. بسیاری از کودکان در معرض گستره‌ی وسیعی از موارد نقض فاحش حقوق بشر قرار داشته‌اند یا هنوز دارند و هنوز با پیامدهای آن به سر می‌برند.

در طول این تحقیق کوشش‌های آگاهانه‌ای به کار رفت و روش‌شناسی ویژه‌ای برای ارزیابی میدانی طراحی شد تا از نماینده‌گی متناسب براساس گروه‌های سنی، جنسیت و مکان جغرافیایی اطمینان حاصل شود، اما وضعیت در محل، به‌ویژه در زمینه‌ی امنیت و دسترسی دغدغه‌ای همه‌جانبه بوده است. یکی از مشکلات مشترک در هر چهار کشور دست‌یافتن به خود کودکان، به‌ویژه دختران، و مصاحبه با آن‌ها در شرایطی با ایمنی و محافظت کافی بود. در نتیجه، یافته‌های این گزارش مقدماتی است و امیدواریم به تحقیق بیشتر، به‌ویژه درباره‌ی تأثیر عدالت در دوره‌ی گذار بر کودکان و جوامع آن‌ها بیانجامد.

این گزارش نتایج فراوری شده این ارزیابی‌ها را با آغاز از بحثی درباره‌ی درک از کودکی ارائه می‌کند. سپس به بررسی شیوه و میزانی می‌پردازد که رهیافت‌های عدالت در دوره‌ی گذار کودکان را در این فرایند مشارکت داده‌اند، و پیش از بررسی مسایل فراگیر از جمله اهمیت دسترسی به کودکان و ضرورت افزایش هم‌کاری بین نهادهای حمایت از کودک و کارورزان عدالت در دوره‌ی گذار، به تحلیل سازوکارهای حقیقت‌یابی، عدالت کیفری، تأمین غرامت و اصلاحات نهادی می‌پردازد.

۱. ارائه‌ی پس‌زمینه‌ی کامل درگیری در هر کشور از گستره‌ی این گزارش خارج است. جدول پیوست اشاره‌های محدودی به روند کلی درگیری و موقعیت عدالت در دوره‌ی گذار دربر دارد. برای اطلاعات بیش‌تر درباره‌ی این وضعیت‌ها، به صفحه‌های مربوط به هر کشور در [www.ictj.org](http://www.ictj.org) نگاه کنید.

## ۲. درک از کودکی

حقوق ملی و بین‌المللی، کودکی را براساس ترتیب تاریخی تعریف می‌کنند و به‌طور معمول اشخاص زیر ۱۸ سال را کودک می‌دانند، اما درک از این‌که کودک کیست در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. چندین عامل، از جمله جنسیت، بر این درک تأثیر می‌گذارند. این بخش نمایی کلی از ملاحظه‌های فرهنگی و حقوقی مربوط به تعیین کودکی را ارائه می‌کند و بر ملاحظه‌های مشخص مربوط به جنسیت تأکید و به مشکلات عملی تعریف محدوده‌ی کودکی اشاره می‌کند. درک از این پویایی برای بنا کردن رهیافت عدالت در دوره‌ی گذار که حساس به کودک هم باشد مهم است. با وجود این‌که این گزارش درباره‌ی مشارکت دادن کودکان در فرایند عدالت در دوره‌ی گذار است، این تأکید مهم است که بسیاری از یافته‌ها و توصیه‌های آن برای جوانان نیز کاربرد دارد. بسیاری از کسانی که در کودکی قربانی شده‌اند، ممکن است، زمانی که فرایند عدالت در دوره‌ی گذار به جریان می‌افتد، جوان یا حتی بزرگ‌سال باشند.

### تعریف‌های حقوقی و فرهنگی کودکی

کنوانسیون حقوق کودک (CRC)، کودک را «هر انسان زیر سن هجده سال می‌داند مگر این‌که کودک بر اساس قانون مربوط زودتر به سن بلوغ برسد.» این کنوانسیون در سطح بسیار گسترده‌ای مورد تأیید قرار گرفته است، از جمله در هر چهار کشوری که به منظور این تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.<sup>۱</sup> با وجود این، نظام حقوقی هر یک از این چهار

۱. کنوانسیون حقوق کودک، ماده‌ی ۱. در آوریل ۲۰۱۱، ۱۹۳ کشور عضو این کنوانسیون بودند که همه‌ی آن‌ها این کنوانسیون را تصویب کرده‌اند، به جز یک کشور امضا کننده: ایالات متحد آمریکا.

کشور سن‌های متفاوتی را برای ازدواج، رأی دادن و مسئولیت‌گیری اشخاص تعیین کرده است. هم‌چنین اغلب تفاوت‌هایی بین متن قانون و اجرای آن در عمل وجود دارد. در نتیجه، مفهوم کودکی به دلیل فاصله بین قانون‌های ملی و رسم‌های محلی مبهم است.

نگاهی دقیق‌تر به درک از کودکی در جمهوری دموکراتیک کنگو این پیچیده‌گی را به نمایش می‌گذارد. ماده‌ی ۴۸ قانون حمایت از کودکان در جمهوری دموکراتیک کنگو ازدواج کودکان را پیش از سن ۱۸ ممنوع کرده است،<sup>۱</sup> اما این ماده با ماده (۱) ۳۵۲ قانون خانواده که سن ازدواج را برای پسران ۱۸ و برای دختران ۱۵ تعیین کرده مغایر است.<sup>۲</sup> ازدواج زود هنگام و اجباری در جمهوری دموکراتیک کنگو که به طور کلی مورد تأیید رسوم است، دغدغه‌ای جدی است که ممکن است در اثر جنگ تشدید شود.<sup>۳</sup>

در منطقه‌ی ایتوری جمهوری دموکراتیک کنگو، بعضی از افراد طرف مصاحبه گفتند مفهوم کودکی به تازه‌گی وارد شده و «خارجی» است: «مفهوم کودکی به همراه هیأت سازمان ملل برای ایجاد ثبات در جمهوری دموکراتیک کنگو و برنامه‌ی «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» آن‌ها آمد.»<sup>۴</sup> به علاوه، فهم از این‌که چه کسی کودک است بر اساس سنت‌های قومی مختلف تفاوت می‌کند. یکی از پاسخ‌دهندگان گفت از نقطه نظر مردم لِنْدو،<sup>۵</sup> «کودک زمانی بزرگ‌سال می‌شود که دیگر به بزرگ‌ترها احترام نگذارد» و به طور معمول این اتفاق از حدود سن ۱۲ سال آغاز می‌شود، اما مردم هِمَا<sup>۶</sup> انتظار دارند کودک تا زمان فوت پدر مطیع باشد.<sup>۷</sup> در ایتوری، پسرها به طور کلی در حدود سن ۱۴ یا ۱۵ بزرگ‌سال به حساب می‌آیند؛ در این سن، ازدواج آن‌ها مورد پذیرش است. دخترانی که به بلوغ رسیده‌اند حتا گاهی در سن ۱۲ ازدواج می‌کنند، چه راضی باشند

۱. جمهوری دموکراتیک کنگو، قانون حمایت از کودکان، ماده‌ی ۴۸.

۲. شورای حقوق بشر، «گزارش مشترک دوم»، ۱۱.

۳. کمیته‌ی حقوق کودک، «سند خلاصه»، ۵.

۴. مصاحبه با کمیسر بخش، بونیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، ۲۳ آپریل ۲۰۱۰، اشاره به مأموریت حفظ صلح سازمان ملل در کشور و برنامه‌ی «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» آن. در اصل: "Le concept d'enfance est venu avec la MONUSCO et leur DCR."

5. Lendo

6. Hema

۷. مصاحبه با انجمن ترویج آموزش اطلاعات، بونیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، ۲۵ آپریل ۲۰۱۰.

چه نباشند.<sup>۱</sup> بر اساس حقوق عرفی، دختران هرگز به عنوان بزرگسالان دارای مسؤلیت پذیرفته نمی‌شوند، بل که همیشه وابسته به پدر یا شوهرشان محسوب می‌شوند.

### جنسیت

همان‌گونه که در نمونه‌های بالا تأکید شد، بعضی از بزرگ‌ترین اختلاف‌ها بین مقررات حقوقی و حمایت از کودکان در عمل به تفاوت‌های جنسیتی مربوط هستند. تفسیرهای فرهنگی از نقش جنسیت و رسم‌ها بر اجرای حقوق کودکان در محل تأثیر می‌گذارند. کسانی که مسؤول اجرای قانون هستند ممکن است تفسیر کنند که قانون‌های حمایت از کودکان که به زبان بدون جنسیت نوشته شده‌اند و به‌طور مشخص حمایت از دختران را مقرر نکرده‌اند، فقط به پسران مربوط هستند.<sup>۲</sup> این فاصله بین حمایت‌های حقوقی از دختران و واقعیت در عمل آسیب‌پذیری ویژه‌ی دختران را به نمایش می‌گذارد. نیازهای آن‌ها در بسیاری از جوامع مردسالار اغلب کم اهمیت تلقی می‌شوند یا مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند.

برای نمونه، در نپال، بخش ۵ قانون حقوق کودک مقرر می‌دارد: «بین فرزند پسر و دختر و بین پسران و دختران در مسایل مربوط به تربیت، آموزش و مراقبت بهداشتی هیچ تبعیضی نخواهد بود.»<sup>۳</sup> اما، در عمل، بین دختران و پسران در زمینه‌ی دسترسی به آموزش (دختران بار کارخانه را به دوش دارند) و ازدواج زود هنگام دختران تبعیض وجود دارد. قانون کشور سن ازدواج را برای مردان و زنان ۱۸ سال، در صورت ازدواج با اجازه‌ی ولی، و در صورت ازدواج بدون اجازه‌ی آن‌ها ۲۰ سال تعیین کرده است.<sup>۴</sup> با وجود این، ازدواج زود هنگام، به‌ویژه برای دختران، بسیار رایج است و به‌لحاظ فرهنگی قابل‌پذیرش. به علاوه، نظام دیرپای کاست در نپال هنوز برگزینه‌های پیش روی کودکان اثر می‌گذارد.<sup>۵</sup> یکی از دلایلی که بسیاری از دختران، به‌ویژه دختران دالیت یا بومی،

۱. یونیسف گزارش داده است که روستاییان نمی‌پذیرند که دختری در سن ۱۳ سال نمی‌تواند ازدواج کند. مصاحبه با یونیسف، کینشازا، جمهوری دمکراتیک کنگو، ۲۰ آوریل ۲۰۱۰.

۲. لایبیگ، «کودک‌سربازان دختر» (Leibig, "Girl Child Soldiers")

۳. نپال، قانون کودکان ۱۹۹۳، فصل ۲، بخش ۵.

۴. نپال، قانون تکی ۲۰۲۰ (MulukiAin 2020)، فصل ۱۷، بخش ۲.

۵. تائی/نیدین نیوز (Thaindian News)، «درخواست سازمان ملل از نپال».

به شورش مائوئیستی پیوستند و در جنگ شرکت کردند فرار از تبعیض اجتماعی یا جنسیتی بود. در نتیجه، ۲۵ درصد جنگنده‌گان ثبت و مشخص شده زن بودند<sup>۱</sup> و برآورد می‌شود که درصد واقعی زنان جنگنده در حقیقت بیش‌تر بوده است.<sup>۲</sup>

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، در ایتوری، قیمت عروس در میان تمام گروه‌های قومی ثابت است و رعایت می‌شود؛ هر دختری که به دنیا می‌آید دارای خانواده‌ی دیگری محسوب می‌شود. در صورت کمبود منابع، آموزش فرزند پسر بر آموزش دختر اولویت دارد.<sup>۳</sup> این بدان معنا نیز هست که دخترانی که به علت جنگ یا خشونت سیاسی خانه را ترک می‌کنند ممکن است از ساختارهای اجتماعی «حامی» آن‌ها بیرون بیفتند و بدین ترتیب از جامعه کنار گذاشته شوند که باعث می‌شود امکان بازپذیری موفق آن‌ها در جوامع‌شان تضعیف شود.<sup>۴</sup>

با در نظر گرفتن زمینه‌های فرهنگی، رسم‌ها و ارزش‌های محلی، دختران ممکن است به حمایت و کمک اضافی برای آسان شدن مشارکت نیاز داشته باشند. قرار دادن دختران در مقوله‌ی کودکان یا مقوله‌ی زنان برای رسیدگی مناسب به نیازهای‌شان کافی نیست. شرکت دادن دختران در فرایند عدالت در دوره‌ی گذار توجه مشخصی به چشم‌اندازها و نیازهای آن‌ها می‌طلبد: آن‌ها هم کودک هستند و هم زن، اما نیازهای آن‌ها را تنها زمانی می‌توان برآورد که آن‌ها را دختر در نظر بگیریم و براین اساس به آن‌ها توجه کنیم.

سازوکارهای عدالت در دوره‌ی گذار امکان تأکید بر روندهای اجتماعی یا ساختاری تبعیض منجر به نقض حقوق بشر دختران و پسران طی درگیری و توجه به آن‌ها و اصلاح آن‌ها را فراهم می‌آورد. برای نمونه، همان‌گونه که در «اعلامیه‌ی ناپروبی درباره‌ی حق جبران و تأمین غرامت برای زنان و دختران» اعلام شد: «غرامت باید بیش و فراتر از دلایل و پیامدهای فوری جنایت‌ها و موارد نقض برود؛ هدف از تأمین غرامت باید توجه به نابرابری‌های سیاسی و ساختاری باشد که به زنده‌گی زنان و دختران شکل منفی می‌دهد.»<sup>۵</sup> برای نمونه، برنامه‌های عرضه‌ی کارآموزی نباید فرصت‌های موجود برای

۱. هیأت سازمان ملل در نپال، «نظارت بر سلاح».

۲. مصاحبه با منبع ناشناس C، نپال، ۲۶ مه ۲۰۱۰.

۳. مصاحبه با نماینده‌ی جامعه‌ی انگیتی (Ngiti) در ایتوری، جمهوری دمکراتیک کنگو، ۲۵ آپریل ۲۰۱۰.

۴. همان.

۵. اعلامیه‌ی ناپروبی درباره‌ی حق جبران و غرامت زنان و دختران. این اعلامیه در پی نشست بین‌المللی

دختران و زنان را به نقش‌های سنتی محدود کنند بل که باید با نظر به گشودن فضاهاى حرفه‌ای تازه طراحی شوند.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، ابتکارهای هدف‌مند برای دختران امکان توجه به روندهای تبعیض ساختاری و مقابله با آنها را فراهم می‌کنند.

### پیوستار کودک - جوان

ابهامی که در چندین تعریف حقوقی و مفهوم فرهنگی بازتاب یافته، انعکاسی از مشکل موجود در کشیدن خط روشنی بین کودکان و بزرگسالان و بین کودکان و جوانان است. واژه «جوان» هیچ مرزبندی حقوقی ندارد و تعریف آن اشخاصی به سن ۱۵-۲۴ یا حتا تا ۳۰ ساله را دربر می‌گیرد. تعریف‌های دیگر به جوان بر اساس مرحله‌ی زنده‌گی، بین کودکی و بزرگسالی توجه دارند.<sup>۲</sup> بخشی از این تمایز به زمینه، فرهنگ، موضوع مطرح و نیز فرد بستگی دارد. از چشم‌انداز حقوقی و حمایتی تعیین تمایز روشنی بین کودکان و جوانان و نشان کردن ترتیب تاریخی آن در سن ۱۸ حیاتی است، اما در عمل در پیش گرفتن رهیافتی در چارچوب مشخص در فعالیت با کودکان و جوانان مهم است.

این موضوع به‌ویژه مهم است، زیرا در مدتی که سازوکار عدالت در دوره‌ی گذار برقرار و اجرایی می‌شود، بسیاری از کسانی که در زمان وقوع نقض حقوق، کودک بودند جوان یا بزرگسال می‌شوند. این وضع، پرسشی را درباره‌ی سازوکار عدالت در دوره‌ی گذار مطرح می‌کند: آیا باید با این افراد به‌عنوان بزرگسال رفتار کرد چون اکنون بزرگسال هستند، یا به‌عنوان کودک چون در زمانی که قربانی شدند آسیب‌پذیر بودند؟ پیامد نقض حقوق در کودکی ممکن است بر این افراد تأثیر جسمانی یا روانی گذاشته باشد. ممکن است حتا از بخشی از نیازهای اساسی محروم مانده باشند، از جمله دسترسی به آموزش و کارآموزی، که پیامدهای بلندمدت - یا دائمی - داشته باشد. بنابراین، تأکید بر این امر حیاتی است که برنامه‌ریزی و فعالیت‌های فرایند عدالت در دوره‌ی گذار نه

---

حق جبران و غرامت زنان و دختران منتشر شد که فعالان و دادخواهان حقوق زنان و بازمانده‌گان خشونت جنسی در درگیری‌هایی در آفریقا، آسیا، اروپا، آمریکای مرکزی، شمالی و جنوبی در نایروبی، ۲۱-۱۹ مارچ ۲۰۰۷، برگزار کردند. این اعلامیه تأثیر حقوقی ندارد، اما نظریات سازمان‌های غیردولتی را درباره‌ی جهت قانون و عمل نشان می‌دهد.

۱. نگاه کنید به آندرلینی و کانوی، «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» (Anderlini and Conaway, "Disarmament, Demobilisation and Reintegration"). ۴.

۲. نگاه کنید به یادداشت ۴ در بالا و سامرز، جوانان (Sommers, Youth)، ۳.

فقط نیازهای اشخاص زیر ۱۸ سال در زمان اجرای عدالت در دوره‌ی گذار بل که بایستی همه‌ی کسانی را که در کودکی قربانی شدند، دربربگیرد و به سن آن‌ها در زمان وقوع نقض حقوق توجه کند.

شرایط لیبریا بعضی از مشکلات ناشی از فاصله‌ی بین زمان ارتکاب جنایت تا برقراری عدالت در دوره‌ی گذار را نشان می‌دهد. وظایف مشخص کمیسیون حقیقت و آشتی لیبریا آن را ملزم به توجه به کودکان کرده بود ولی مشخص نکرده بود چگونه باید با اشخاصی رفتار کند که در زمان درگیری (در سال‌های اولیه‌ی درگیری، ۹۶-۱۹۸۹) کودک بودند ولی در زمان فعالیت کمیسیون حقیقت و آشتی پیش از ۱۸ سال داشتند. چند تن از اعضای نهادهای حمایت از کودکان که با آن‌ها مصاحبه شد احساس می‌کردند که ردّ کسانی را که در این مقوله می‌گنجد «گم کرده‌اند». در پایان، کمیسیون تصمیم گرفت که فعالیت‌اش در مورد کودکان فقط کسانی را دربربگیرد که در زمان کار کمیسیون حقیقت و آشتی ۱۸ سال یا کمتر دارند و نه در زمان جنگ. کمیسیون حقیقت و آشتی «برنامه‌ی توجه ویژه‌ای» درباره‌ی «جوانان» تدوین کرد، اما فعالیت آن محدود و بی‌تداوم بود و گزارش نهایی کمیسیون بخش مشخصی درباره‌ی این گروه مهم نداشت. بسیاری از طرف‌های ذینفع اکنون در نگاهی به‌گذشته احساس می‌کنند به مشارکت دادن جوانانی که می‌توانستند در مورد تجربه‌ی خود از زمان درگیری به‌عنوان کودک تأمل کنند، و نیز به‌طور کلی تریه کاوش درباره‌ی ارتباط‌های بین دغدغه‌های کودکان و جوانان بایستی توجه خیلی بیش‌تری می‌شد. نباید به این گروه سنی بی‌توجهی می‌شد، زیرا جوانان از این توانایی برخوردارند که نیروی هدایت‌کننده‌ی مثبتی در عدالت در دوره‌ی گذار باشند.<sup>۱</sup>

یک نقطه‌ی مشترک در تمام وضعیت‌ها این است که کودکان در گروه‌های دادخواهی نیرومندی که نماینده‌ی آن‌ها باشند سازمان‌دهی نشده‌اند و دارای موقعیت‌ها، مهارت‌ها

۱. این مسأله، برای نمونه، در مورد پرو صحت دارد که جوانان و داوطلبان برنامه PROVER، با پیش‌گرفتن نقشی فعال در بحث‌های جامعه مدنی که در واکنش به فعالیت کمیسیون حقیقت و آشتی پرو (CVR) بروز کرد، نقشی اساسی در حمایت از فعالیت این کمیسیون و ترویج و دفاع از فعالیت آن در جامعه بازی کردند. آپریس خاو پی‌ندو (Iris Jave Pinedo) که مدیریت برنامه PROVER را به عهده داشت، این نکته را در کنفرانس مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی درباره‌ی «کودکان و عدالت در دوره‌ی گذار» در نیویورک، ۲۳-۲۲ مارچ ۲۰۱۱، بیان کرد.

یا منابع لازم برای دادخواهی موفق و کسب نیازهای شان نیستند. آن‌ها به طور معمول برای حمایت و نمایندگی به پدر و مادر یا بزرگسالان دیگر وابسته هستند. این وضع مشکلات خاصی در ایجاد فضا برای شنیدن نیازها و خواست‌های آن‌ها و گنجاندن آن‌ها در چارچوب عدالت در دوره‌ی گذار پیش پا می‌گذارد. هر یک از بخش‌های بعدی به رهیافت‌های اساسی عدالت در دوره‌ی گذار و روش‌هایی توجه خواهند کرد که با آن‌ها می‌توان و بایستی به کودکان توجه کرد.



«من فکرمی کنم حق ماست که به حرف‌های مان گوش دهند.»

-- بونیا، دختر دانش‌آموز، جمهوری دموکراتیک کنگو

### ۳. کودکان و حقیقت‌یابی

سازوکارهای حقیقت‌یابی شکل‌های مختلفی دارند و گستره‌ی وسیعی از اقدامات را دربر می‌گیرند، از جمله: خارج کردن بایگانی‌ها از طبقه‌بندی محرمانه، تحقیقات مشخص، فرایندهای قضایی محلی و سنتی و تشکیل کمیسیون‌های غیرقضایی تحقیق از جمله کمیسیون‌های حقیقت‌یابی. توجه این بخش به سازوکارهای ویژه‌ی حقیقت‌یابی، از جمله کمیسیون‌های حقیقت‌یابی در لیبیا و ابتکار حقیقت‌یابی در کلمبیاست، اما یافته‌های اساسی آن را می‌توان در گستره‌ی وسیعتری از رهیافت‌های حقیقت‌یابی به کار گرفت.<sup>۱</sup> هدف کمیسیون حقیقت به‌طور کلی، تحقیق درباره‌ی نقض فاحش حقوق بشر در گذشته و اذعان به آن است. بیش از ۳۰ کمیسیون حقیقت که در سراسر جهان تشکیل شده، اهداف گوناگونی را در وظایف خود داشته‌اند که بیش‌تر بر اساس ماهیت مشخص نقض حقوق در گذشته و نیز فضای سیاسی زمان بوده است. اما به‌طور کلی، کمیسیون حقیقت ترکیبی از پنج هدف اساسی را دربر می‌گیرد: «کشف، توضیح و پذیرش رسمی تعدی‌های گذشته؛ واکنش به نیازهای مشخص قربانیان؛ کمک به اجرای عدالت و پاسخ‌گویی؛ مشخص کردن مسوولیت نهادها و توصیه به اصلاحات؛ و ترویج آشتی و کاهش درگیری درباره‌ی گذشته.»<sup>۲</sup> علاوه بر این، چند کمیسیون حقیقت

۱. گروه توجه به کودکان در بونیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، ۲۷ آوریل ۲۰۱۰.

۲. هاینر، حقیقت ناگفتنی، ۲۴ (Hayner, Unspeakable Truths, 24).

(هم‌چون آفریقایی جنوبی و گواتمالا) هدف پیش‌گیری از تعدی‌های آتی را هدف فعالیت خود قرار داده‌اند.

با وجود این‌که کودکان، هم‌چنان‌که در ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک ذکر شده، از حق رسمی اظهارنظر و توجه در فرایندهای مربوط به آن‌ها برخوردارند، کمتر ابتکار حقیقت‌یابی به‌طور نظام‌مند توجه به کودکان را در سراسر فعالیت خود در نظر داشته است.<sup>۱</sup> برای روشن کردن تعدی‌های گذشته و کمک به پیش‌گیری از تکرار آن‌ها، ضروری است که قربانی شدن کودکان را در هر جا که رخ می‌دهد آشکار کنیم و از آگاه شدن کودکان و مشارکت آن‌ها در فرایند اطمینان حاصل کنیم.

آن‌ها نه تنها از این حق برخوردارند، بل‌که تحقیقات ما نشان می‌دهد که کودکان تمایل زیادی دارند که حرف‌های‌شان در فرایندهای عدالت در دوره‌ی گذار شنیده شود. طی ارزیابی ما در کلمبیا، روانشناسی که با قربانیان کودک سروکار دارد گفت که کودکان اغلب نیاز به بیان روایت خودشان و بلندکردن صدایشان در سپهر عمومی را تشخیص می‌دهند.<sup>۲</sup> دادستانی در کلمبیا اظهار کرد که «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» اغلب مشتاق هستند اطلاعات خود درباره‌ی گورهای دسته جمعی که گروهی مسلح دوستان و اعضای خانواده‌شان را دفن کرده فاش کنند؛ کودکان احساس مسوولیت می‌کنند که «آن‌ها را در گورها تنها نگذارند.»<sup>۳</sup> به این منظور، کودکان قربانی در کلمبیا درباره‌ی نوشتن کتاب و اجرای نمایش سخن گفته‌اند. هشدار دادن درباره‌ی واقعیت درگیری مسلحانه و زنده‌گی در میان گروه‌های مسلح راهی برای کودکان برای پذیرش مسوولیت به خاطر تصمیم‌های قبلی‌شان است. به گفته‌ی روانشناسی که با قربانیان کودک سروکار دارد، بُردن صدای خود به سپهر عمومی اقدامی شفادهنده نیز هست.<sup>۴</sup>

۱. تا به امروز، حقوق و نقض حقوق کودکان به‌طور مشخص فقط در وظایف کمیسیون‌های حقیقت‌یابی، سی‌پرایون و کانادا ذکر شده است. برای اطلاعات بیشتر، نگاه کنید به کودکان و کمیسیون‌های حقیقت، مرکز پژوهش اینوچنتی یونیسِف و مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی.

۲. استلا ماریا دوک، مدیر تالر د ویدا (Taller de Vida)، یکی از سازمان‌های غیردولتی در کلمبیا که مستقیم با کودکان ترخیص شده از نیروها و گروه‌های مسلح فعالیت می‌کند، ۲۶ آپریل ۲۰۱۰.

۳. مصاحبه با پاتریشیا هرناوندز، دادستان عدالت و صلح، کلمبیا، ۵ مه ۲۰۱۰.

۴. مصاحبه با استلا ماریا دوک، مدیر تالر د ویدا، کلمبیا، ۲۶ آپریل ۲۰۱۰.

برای اجرای حقوق کودکان و فراهم کردن امکان مشارکت آن‌ها در سازوکارهای حقیقت‌یابی، توصیه ما این است که در هر شرایطی ابتدا ارزیابی مقدماتی انجام و تأثیر وضعیت مستلزم حقیقت‌یابی بر کودکان و جوانان بررسی شود. در مواردی که ارزیابی آشکار کند که کودکان و جوانان بایستی در فعالیت کمیسیون حقیقت‌مورد بررسی قرارگیرند، برنامه‌ی توجه به کودکان باید در ابتدای فرایند تنظیم شود و در تصمیم‌های مربوط به تخصیص منابع، ترکیب کارکنان، مشارکت کودکان و گزارش‌نهایی گنجانده شود.

علاوه بر این، پژوهش درباره‌ی تأثیر - هم مثبت و هم منفی - مشارکت کودکان در ابتکارهای حقیقت‌یابی - و نیز اقدامات دیگر مربوط به پاسخ‌گویی - بر کودکان و جوانان ضروری است. کمیسیون‌های حقیقت‌پیشین، هم‌چون کمیسیون حقیقت و آشتی آفرینای جنوبی، با دغدغه نسبت به تأثیر احتمالی منفی، در دادن اجازه‌ی ادای شهادت به کودکان تردید داشتند، چون می‌ترسیدند کودکان از پیامدهای بلندمدت ادای شهادت در جلوی عموم به‌طور کامل آگاه نباشند. به‌همین ترتیب، کمیسرهای کمیسیون حقیقت پرو درباره‌ی دادن اجازه‌ی ادای شهادت در جلوی عموم به یک قربانی تجاوز و دختر او که نتیجه‌ی تجاوز بود به بحث پرداختند. آن‌ها از این نگران بودند که بیان این روایت در برابر مردم برای دختر آسیب‌های روانی داشته باشد. با وجود این، از آنجا که هم مادر و هم دختر اصرار داشتند که با هم شهادت بدهند، کمیسر با درخواست آن‌ها موافقت کردند، ولی حمایت روانی - اجتماعی کافی برای آن‌ها تأمین کردند. جلسه‌های محرمانه‌ی دریافت اظهارات اغلب مورد ترجیح است. بیش‌تر اظهاراتی که کمیسیون‌های حقیقت از کودکان دریافت کرده‌اند تا به امروز برای عموم منتشر نشده است.

### زمان‌بندی: برنامه‌ریزی پیشاپیش

رمز موفقیت در تشکیل کمیسیون حقیقت حساس به‌کودک در توجه به حقوق و نیازهای کودکان در اوایل فرایند نهفته است تا منافع آن‌ها در زمان تصمیم‌گیری در نظر گرفته شود. اشاره‌ی صریح به نقض حقوق کودکان در وظایف کمیسیون حقیقت بهترین راه برای اطمینان از توجه به کودکان و گذاشتن تأثیر مثبت بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به انتخاب

کارکنان، سیاست‌گذاری و تخصیص منابع به منظور میسر کردن این توجه است. برای دست یافتن به اختیارات روشن، مدافعان حقوق کودکان می‌توانند، مثل نمونه‌ی لیبریا، آگاهی درباره‌ی نیازهای کودکان را از طریق آموزش، نشریات و رسانه‌ها بالا ببرند. کمیسیون حقیقت و آشتی در لیبریا یکی از معدود کمیسیون‌های حقیقت‌داری وظیفه‌ی ثبت تجربه‌ی کودکان، پذیرش این تجربه طی درگیری و نقش آن‌ها در تحول آتی کشور است.<sup>۱</sup> با وجود این، برقراری ارتباط بین ملاحظات کودکان با مسایل سیاسی و عدالت در لیبریا هنوز «بسیار تازه» و به نوعی مبارزه بود. یکی از کارکنان پیشین نهاد حمایت از کودک که در تهیه‌ی پیش‌نویس این وظایف شرکت داشت توضیح داد که گنجاندن توجه به این مسایل «تقریباً یک نبرد بود» که غفلت گسترده از حقوق کودکان و تأثیر قوی ارزش‌های سنتی را نشان می‌داد.<sup>۲</sup> با وجود این، کمیسیون حقیقت و آشتی لیبریا، با الهام از فعالیت کمیسیون حقیقت و آشتی سی‌پیرالیون و در نتیجه‌ی فشار در سطح ملی و حمایت بین‌المللی به‌ویژه از نهادهای حمایت از کودکان، در وظایف خود به صراحت حقوق کودکان را به رسمیت شناخت، اقدامات حمایتی برای مشارکت آن‌ها مقرر و اعلام کرد که کودکان باید از امکان «ادای شهادت در برابر کمیسیون حقیقت و آشتی» برخوردار باشند.<sup>۳</sup> این موضوع پایه‌ای برای نیروی ویژه‌ی شبکه‌ی ملی حمایت از کودکان کمیسیون حقیقت و آشتی فراهم کرد تا راه‌بردهای نوآورانه‌ای برای اظهار نظر کودکان به شیوه‌ی امن و مناسب در نشست‌های منطقه‌ای و ملی تدوین کند.<sup>۴</sup>

با آموزش از این درس‌ها، دادخواهان حقوق کودکان و دادخواهان عدالت در دوره‌ی گذار در نپال تلاش‌های هماهنگی را برای مشورت با کودکان درباره‌ی پیش‌نویس لایحه

۱. کمیسیون حقیقت و آشتی لیبریا، کودکان، ۸. به‌ویژه نگاه کنید به جمهوری لیبریا، قانون تشکیل کمیسیون حقیقت و آشتی، دیباچه؛ ماده‌ی ۴، بخش ۴؛ ماده‌ی ۴، بخش ۴؛ ماده‌ی ۷، بخش ۲۶ (n)؛ و ماده‌ی ۷، بخش ۲۶ (o).

۲. مصاحبه با تونیا وایلز، آکسفام، لیبریا، ۲۲ مارچ ۲۰۱۰.

۳. جمهوری لیبریا، قانون تشکیل کمیسیون حقیقت و آشتی.

۴. برای جزئیات بیشتر، نگاه کنید به سوا، «کودکان» (Sowa, "Children"). نیروی ویژه‌ی مشترک شبکه‌ی حمایت از کودکان (CPN) و کمیسیون حقیقت و آشتی، همکاری بین شبکه‌ی حمایت از کودکان را که متشکل از نهادهای حمایت از کودکان فعال در لیبریا بود با کمیسیون حقیقت و آشتی رسمیت بخشید. از طریق این نیروی ویژه، گروهی مرکزی از نهادهای حمایت از کودکان کارشان را روی مشارکت کودکان در کمیسیون حقیقت و آشتی متمرکز کردند و به کمیسیون حقیقت و آشتی کمک کردند تا روش‌های مؤثری برای شرکت دادن کودکان در فرایند تدوین کند.

کمیسیون حقیقت و آشتی انجام داده‌اند. اما با وجود این که مشورت با کودکان در نوامبر ۲۰۰۹ انجام شد، نتایج این مشورت‌ها در نسخه‌های بعدی پیش‌نویس لایحه‌ی کمیسیون حقیقت و آشتی بازتاب نیافته است. نهادهای حمایت از کودکان مشارکت‌کننده درک چندانی از عدالت در دوره‌ی گذار نداشتند و کنش‌گران عدالت در دوره‌ی گذار با دغدغه‌های مربوط به حمایت از کودکان آشنا نبودند و این وضع هماهنگی و به‌حداکثر رساندن ارزش مشورت‌ها را سخت می‌کرد. در نتیجه، دادخواهان احساس می‌کنند که اطلاعاتی که کودکان دادند در نهایت به‌طور جدی مد نظر قرار نگرفت و مشورت‌ها بیش‌تر ضروری بودند تا تلاش جدی برای شنیدن دغدغه‌های کودکان و گنجاندن آن‌ها در پیش‌نویس لایحه کمیسیون حقیقت و آشتی. آخرین نسخه‌ی پیش‌نویس لایحه‌ی کمیسیون حقیقت و آشتی نپال تنها یک بار (در بخش ۱۸) از کودکان یاد کرده و به قرارهای مربوط به حمایت از امنیت «زنان و کودکان» احضار شده اشاره کرده، ولی هیچ مقرراتی درباره‌ی نقض حقوق مختص کودکان ندارد. با وجود این، در پیامد فعالیت هدف‌مند دادخواهی، دو عضو پارلمان مقررات دیگری را درباره‌ی کودکان پیشنهاد کرده‌اند که در آن‌ها خواهان تعریف «کودکان سرباز» و ضرورت تشخیص آن‌ها در درجه‌ی اول به‌عنوان قربانی شده‌اند. (با وجود این که عبارت مورد استفاده‌ی کارورزان حمایت از کودکان «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» است، زبان مورد استفاده در اصلاحیه «کودکان سرباز» است.)

نبود مقررات مشخص مربوط به کودکان در وظایف کمیسیون حقیقت، تصویب برنامه‌ی توجه به کودکان و جوانان را نفی نمی‌کند بل که توجه به تعدی مشخص علیه کودکان را سخت‌تر می‌کند. مطلوب این است که نهادهای حمایت از کودکان و فعالان عدالت در دوره‌ی گذار تلاش‌های خود را برای گنجاندن نقض حقوق مربوط به کودکان در وظایف کمیسیون حقیقت هماهنگ کنند. اگر - مثل نمونه‌ی نپال - نهادهای حمایت از کودکان اسناد مشروحه‌ی از نقض حقوق کودکان دارند می‌توانند این اطلاعات را با قانون‌گذاران و دیگر مسؤولان تشکیل کمیسیون حقیقت در میان بگذارند، به شرط این که از این کودکان محافظت شود.

علاوه بر توجه به افزودن کودکان در وظایف کمیسیون حقیقت، حفظ توجه حساس به‌کودک در زمان تشکیل کمیسیون حقیقت نیز مهم است، برای مثال در زمان

تدوین پرسش‌های مربوط به تحقیق و سیستم‌های پایگاه اطلاعاتی. در لیبریا، یونیسف به همراه نهادهای محلی حمایت از کودکان به تهیه‌ی فرم حساس به‌کودک دریافت اظهارات برای کمیسیون حقیقت و آشتی کمک کرد. با وجود این، این فرم‌ها با سیستم گدگذاری پایگاه اطلاعاتی کمیسیون حقیقت و آشتی ناسازگار و غیرقابل استفاده بودند، چون پس از تکمیل پایگاه آماده شده بودند. در نتیجه، اطلاعات زیادی درباره‌ی مسایل کودکان در پایگاه اطلاعاتی ذخیره نشد و کمیسیون حقیقت و آشتی هیچ اطلاعات آماری درباره‌ی کودکان تولید نکرد. این نمونه، تأکیدی بر ضرورت توجه کارشناسی به کودکان و اهمیت گنجاندن رهیافت حساس به‌کودک به عنوان بخشی از روش کار در آغاز فرایند کمیسیون حقیقت است.

## منابع و تخصیص مالی

در شرایطی که منابع مالی محدود است، اغلب ممکن است اولویتی به حقوق و نیازهای کودکان در فرایند عدالت در دوره‌ی گذار تعلق نگیرد. برای نمونه، در کلمبیا، کمیسیون غرامت و آشتی ملی<sup>۲</sup> و کارگروه «حافظه‌ی تاریخی»<sup>۳</sup> آن اعلام کردند که با وجود تمایل به ارائه‌ی چشم‌انداز کودکان (که در برنامه‌ی عمل تأکید شده)، بدون حمایت یا منابع مالی بیش‌تر، همه‌ی اعضای گروه از زمینه یا منابع لازم برای توجه نظام‌مند به این موضوع برخوردار نیستند.<sup>۴</sup> کارگروه «حافظه‌ی تاریخی» به منابع مالی، منافع و اولویت‌های

۱. نویسنده‌ی فصل کودکان مشخص کرده که اظهارات دریافتی از کودکان از طریق پایگاه اطلاعاتی فرآوری نشده و آماری تولید نشده است. مصاحبه، مونرویا، مارچ ۲۰۱۰.

۲. جمهوری کلمبیا، قانون ۹۷۵/۲۰۰۵، ماده‌ی ۲-۵۱. کمیسیون غرامت و آشتی ملی (CNRR) وظیفه یافته گزارشی درباره‌ی «دلایل پیدایش و توسعه‌ی گروه‌های مسلح غیرقانونی» تهیه کند. کار کارگروه «حافظه‌ی تاریخی» کمیسیون غرامت و آشتی ملی به این هدف کمک می‌کند.

۳. «حافظه‌ی تاریخی»، «روایت‌ها و صداهای جنگ» (Memoria Histórica, "Narrativas y Voces del Conflicto")، ۳، بخش ۲. هدف کلی «حافظه‌ی تاریخی» طراحی، تدوین و پخش پژوهشی تحلیلی است با تحقیق عمیق درباره‌ی دلایل ایجاد و توسعه‌ی گروه‌های مسلح غیرقانونی، با تأکید بر دغدغه‌های قربانیان و خاطراتی که به خاموشی کشانده شدند یا بر آن‌ها سرپوش گذاشته شد (۳). این نهاد مرجعی رسمی است و با وجود این که خود را به عنوان کمیسیون حقیقت تعریف نکرده، در چارچوب مقوله‌ی سازوکارهای حقیقت‌یابی قرار می‌گیرد.

۴. اهمیت چشم‌انداز کودکان در برنامه‌ی عملی جولای ۲۰۱۰ برای تحقیق در دو سال اخیر کارکرد گروه تشخیص داده شد («Memoria Histórica, "Ruta del trabajo de investigación»). در این سند، تحقیق درباره‌ی «خاطره از خشونت شهری و مشارکت کودکان و نوجوانان در درگیری با توجه به اهمیت

تمویل‌کننده‌گان وابسته است و منابع مالی برای فعالیت در زمینه‌ی چشم‌انداز کودکان تأمین نشده است. این وضع، برای نمونه، در مغایرت با علاقه‌ی زیاد به تضمین گنجاندن نظام‌مند و تخصصی چشم‌انداز جنسیتی است؛ تأمین مالی برای گروه‌های پژوهشی و کارشناسان جنسیت توجه برانگیز است. با وجود تلاش کارگروه «حافظه‌ی تاریخی» برای دریافت منابع مالی از بیرون برای داشتن یک کارشناس مسایل کودکان در فعالیت‌های گروه، تا به امروز موفقیتی به دست نیامده است.

یکی از اعضای کارگروه «حافظه‌ی تاریخی» می‌پذیرد که مسأله کودکان و جوانان «موضوعی نیست که به ساده‌گی بتوان از آن آگاه شد. بعضی موضوع‌ها هستند که می‌دانیم باید در دست بگیریم، هم‌چون آواره‌گی اجباری، اما این موضوع در مورد کودکان صدق نمی‌کند.»<sup>۱</sup> هیچ یک از اعضای آن به‌عنوان مسؤل مرکزی موضوع منصوب نشدند، بنابراین مسایل کودکان به‌طور نظام‌مند در برنامه‌ی تحقیق قرار نگرفت.<sup>۲</sup> پروتکل‌های داخلی درباره‌ی روش‌شناسی وجود دارد و حمایت روان‌شناختی در پروژه‌های مختلف پژوهشی گنجانده شده است. باوجوداین، کارگروه «حافظه‌ی تاریخی» فراتر از حساسیت‌های فردی مأموران تحقیق، هیچ قیدی برای رفتار متفاوت با کودکان و نوجوانان ندارد.<sup>۳</sup>

در لیبریا که کودکان به‌صراحت جزو وظایف کمیسیون حقیقت و آشتی قرار گرفته‌اند، نبود تخصیص مالی مشخص و حمایت از فعالیت درباره‌ی مسایل کودکان، در کنار رقابت برای منابع کمیاب، مشکلاتی را برای تحقیق این بخش از وظایف ایجاد کرده

و علاقه‌ی عمومی و ضرورت آن برای درک پویایی درگیری مسلحانه داخلی، ویژه‌گی‌های گروه‌های مسلح غیرقانونی، جماعت‌گوناگون متأثر از آن و تاثیرهای چندگانه‌ی خشونت» به عنوان یکی از رشته‌های پیشنهادی تحقیق شناسایی شده است. این خطوط پیشنهادی برای تحقیق به‌طور صریح وابسته به وجود بودجه‌ی مشخص است.

۱. مصاحبه با تاتیانا رینکن کاولی، عضو کارگروه «حافظه‌ی تاریخی»، کلمبیا، ۱۶ آوریل ۲۰۱۰.
۲. همان. تلقی تاتیانا رینکن به‌طور کامل با تلقی پائولا گاویریا، رئیس بخش صلح و حقوق بشر در بنیاد اجتماعی - بنیاد جامعه‌ی یسوعی‌ها در کلمبیا - تقارن دارد. با وجود ابتکارهای منفردی که «حافظه‌ی تاریخی» در دست گرفته، مثل اقدام به ترسیم نقشه‌ی کودکان و حافظه که بنیاد اجتماعی در سال ۲۰۰۸ انجام داد، «حافظه‌ی تاریخی» به شخصی نیاز دارد که این کار را انجام دهد، چون تاکنون کسی وجود نداشته که بتواند این کار را انجام دهد؛ برنامه پژوهش اعضای «حافظه‌ی تاریخی» پُر است و آن‌ها هیچ اولویتی به کودکان نمی‌دهند؛ مصاحبه با گاویریا، ۲۷ آوریل ۲۰۱۰.
۳. مصاحبه با تاتیانا رینکن کاولی، عضو کارگروه «حافظه‌ی تاریخی»، کلمبیا، ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱.

است. این وضعیت بر نکته‌ای آشکار ولی حیاتی تأکید می‌گذارد: در جاهایی که درگیری بر کودکان اثر گذاشته، تخصیص منابع برای فعالیت کارشناسی و حمایت اجرایی و گنجاندن مشخص آن در بودجه کمیسیون حقیقت ضروری است.

## ترکیب

با پذیرش این‌که چشم‌انداز کودکان و جوانان یکی از چشم‌اندازهایی است که کارکنان باید راهنمای کار و به حداکثر رساندن دامنه‌ی کارشان قرار دهند، مهم است که پذیرای نظریات کودکان بودن و درک حقوق کودکان در میان اعضا و یا کارکنان کمیسیون حقیقت تا حد امکان گسترده و اساسی باشد. هم‌چنان‌که در بالا اشاره شد، تجربه‌ی کارگروه «حافظه‌ی تاریخی» در کلمبیا اهمیت وجود اشخاص دارای تجربه در حقوق کودکان را نشان می‌دهد. این کار در لیبریا انجام شد که وظایف کمیسیون حقیقت و آشتی به صراحت آن را ملزم به «استخدام متخصصان حقوق کودکان و حقوق زنان» می‌کند تا کودکان را قادر به «ادای شهادت نزد کمیسیون حقیقت و آشتی و در عین حال از امنیت آن‌ها محافظت کند و بازپذیری اجتماعی یا بازپروری روان‌شناختی آن‌ها را به خطریا به تعویق نیاندازد.»<sup>۱</sup> با وجود این، در عین حال که تخصصی شدن مهم است، ایرادی احتمالی هم در «کارشناس» دانستن یکی دو تن از اعضا وجود دارد، چون خطر به حاشیه راندن تلاش‌های مربوط به مشارکت کودکان در جریان اصلی را افزایش می‌دهد. ایجاد تعادل بین تخصصی شدن و احترام کلی‌تر به چشم‌انداز کودکان در سراسر فعالیت کمیسیون حقیقت ضروری است. واقع‌گرایانه نیست که از تمام کارکنان انتظار داشته باشیم در این زمینه کارشناس باشند، اما روش کلی کمیسیون حقیقت را می‌توان به نحوی توسعه بخشید که تمام کارکنان بتوانند با کودکان و جوانان، به‌عنوان یکی از چند نوع نگاه مورد استفاده برای تحلیل چارچوب و راهنمای فعالیت‌شان، سروکار داشته باشند.

تجربه در لیبریا این نکته را نشان می‌دهد: هر یک از نه کمیسردارای مسوولیت نظارت بر موضوع ویژه‌ای بود و مسوولیت نظارت بر مسایل کودکان را به خانمی داده بودند که از پیشینه‌ی مددکاری برخوردار بود. وظیفه‌ی او این بود که از انجام وظیفه‌ی کمیسیون

۱. جمهوری لیبریا، قانون تشکیل کمیسیون حقیقت و آشتی.



حقیقت و آشتی نسبت به کودکان اطمینان حاصل کند. بر اساس آنچه چند تن از مصاحبه‌شونده‌گان در این تحقیق گفته‌اند، میزان تحقق این هدف مورد اختلاف است. در نگاهی به گذشته، بسیاری از کارشناسان حمایت از کودکان که فعالیت‌های کمیسیون حقیقت و آشتی را دنبال کرده‌اند، توصیه می‌کنند که کمیسرهای بیش‌تری بایستی، در کنار مسایل ویژه‌ی دیگر، در فعالیت مربوط به مسایل کودکان شرکت می‌کردند.

### مشارکت کودکان و جوانان

از طریق دریافت اظهارات و نشست‌های علنی می‌توان کودکان و جوانان را در مشارکت فعال در فرایند کمیسیون حقیقت وارد کرد. ثبت روایت‌های دست اول اغلب وسیله‌ی مؤثری برای ثبت تجربه به روشی است که می‌تواند آگاهی را بالا ببرد و مردم را نسبت به تأثیر فاجعه بار و بلندمدت تأثیر تعدی‌ها حساس کند. گردآوری اظهارات کودکان و کسانی که در کودکی قربانی شده‌اند، مهم است، البته تا زمانی که بتوان با حفظ امنیت کودکان از لحاظ محافظت جسمانی و روانی این کار را انجام داد. از اظهارات آن‌ها می‌توان برای کمک به ثبت شدت تعدی‌ها علیه کودکان، با در نظر داشتن تأمین جبران و جلوگیری از تکرار آن‌ها، استفاده کرد.

برای این‌که مشارکت کودکان امن باشد، آن‌ها باید در سراسر فرایند (پیش، طی و پس از اظهارات یا ادای شهادت) از کمک روانی - اجتماعی برخوردار باشند و تدارکاتی برای امنیت جسمانی و حمایت بلندمدت اجتماعی از آن‌ها در نظر گرفته شود. تجربه‌ی ثبت شده در تمام نقاط در تحقیق ما حیاتی ولی مشکل بودن تأمین حمایت روانی - اجتماعی از کودکان طی ادای شهادت و پس از آن را نشان می‌دهد. در صورتی که تأمین حمایت روانی - اجتماعی عملی نباشد، کارورزان با مشکل تصمیم‌گیری در مورد مصاحبه با کودکان روبرو خواهند بود. پاسخ به این مشکل به چارچوب کلی و نیز وضعیت مشخص هر کودک (با در نظر گرفتن عواملی هم چون سن، خطرهای احتمالی امنیتی و توانایی روانی) بستگی دارد. در نهایت، کمیسیون حقیقت باید بر اساس حداکثر منافع کودک خاص، بر مبنای موردی، و پس از مشورت با کارشناسان تصمیم بگیرد.

کمیسیون حقیقت و آشتی لیبریا کودکان را در فرایند دریافت اظهارات شرکت داد: در

حدود ۳۰۰ اظهاریه از کودکان در سراسر کشور دریافت شد. آن‌ها از حمایت نهادهای محلی حمایت از کودکان برخوردار بودند و مددکاران اجتماعی این نهادها اغلب در کار کارکنان دریافت اظهارات مداخله می‌کردند تا از پرسش‌های نامناسب جلوگیری کنند. هم‌چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، فرم ویژه‌ای برای اظهارات کودکان تهیه شده بود که پرسش‌های جهت‌دهنده را حذف کرده بود، بر ضرورت محیط کودک‌پسند و حمایت‌روانی - اجتماعی تأکید کرده بود و در نظر داشتن گستره‌ی وسیعی از تعدی‌ها از جمله تعدی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مدنی و سیاسی را تشویق می‌کرد. با وجود این، از آنجا که طبقه‌بندی‌های آن فرم با فرم استاندارد و سیستم کُدگذاری اطلاعاتی سازگاری نداشت، مورد استفاده قرار نگرفت. سرانجام، فرم اظهارات بزرگ‌سالان به همراه مجموعه‌ای از اصول راهنما با تأکید بر روش‌های مصاحبه کودک‌پسند و ضرورت رازداری مورد استفاده قرار گرفت.<sup>۱</sup> بر اساس تجربه‌ای که در سی‌پیرا لیون و لیبریا به دست آمد، الگویی برای فهرست بازبینی در مورد دریافت اظهارات از کودکان تدوین شد.<sup>۲</sup> کمیسیون‌های حقیقت اغلب چند اظهاریه را برای ارائه در نشست‌های عمومی انتخاب می‌کنند تا از آن‌ها به‌عنوان روشی برای تبدیل جستجوی حقیقت به گفتگوی ملی استفاده کنند. نشست‌های عمومی را می‌توان به مجمعی برای ادای شهادت قربانیان، شاهدان و مجرمان درآورد. در این چارچوب، می‌توان به تعدی‌ها اذعان کرد و آن‌ها را در سطح علنی مورد بحث قرار داد. کودکان را برای ادای شهادت می‌توان یا به نشست‌های عمومی دعوت کرد یا به نشست‌های موضوعی ویژه که به بررسی مسایل کودکان می‌پردازند. برای رعایت اصول بین‌المللی حقوق کودکان و عملکردهای خوب، باید از افشای نام کودکان پرهیز کرد و رویه‌ها و روش‌های محافظتی را به کار گرفت تا کودکان در صورت تمایل بتوانند در برابر عموم سخن بگویند.<sup>۳</sup> کمیسیون حقیقت

۱. سوا Sowa، «کودکان»، ۲۱۴.

۲. مرکز پژوهش اینوچنتی یونیسیف و مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی، کودکان و کمیسیون‌های حقیقت، ۸۱-۳.

۳. هم‌چنان‌که در کودکان و کمیسیون‌های حقیقت، مرکز پژوهش اینوچنتی یونیسیف و مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی، ملاحظه شده، ترجیح بر این است که شهادت کودکان، با حفظ هویت آن‌ها، با دوربین (به‌طور خصوصی) ادا و ضبط شود. در صورت استفاده از ضبط صدا، صدای کودکان را باید تغییر داد تا شناخته نشوند. کودکانی که مایل هستند مشارکت کنند بایستی به‌دقت بررسی شوند و پیشاپیش توضیح کامل در اختیار آن‌ها قرارگیرد تا به‌یقین نقش خود، عواقب و پیامدهای احتمالی ادای شهادت را درک کنند. آن‌ها را بایستی به‌طور کامل آماده کرد و به آن‌ها فرصت داد سؤال بپرسند.

و آشتی لیبریا تصمیم گرفت نشست‌های موضوعی برگزار کند که در آن‌ها به کودکان امکان ادای شهادت داد و نیز نشستی برای نهادها برگزار کرد که کانون توجه آن تجربه‌ی کودکان از چشم‌انداز سازمان‌ها و نهادهای فعال با آن‌ها (هم‌چون نهادهای حمایت از کودکان و وزارت خانه‌های مربوط) بود.

برای محافظت از هویت آن‌ها، کودکان شاهد شهادت خود را از طریق دوربین تلویزیونی ادا کردند. آن‌ها در کابینی نشسته بودند و کمیسرها و حضار می‌توانستند صدای‌شان را بشنوند ولی خود آن‌ها را نمی‌دیدند. در ورودی کابین دیده نمی‌شد و مددکاران اجتماعی به دقت در رفت‌وآمد کودکان کمک می‌کردند به نحوی که بقیه اعضای گروه متوجه غیبت آن‌ها نشوند.<sup>۱</sup> کمیسیون حقیقت و آشتی لیبریا اقدامات محافظتی آشکاری را برای کودکان مشخص کرده بود، اما در عمل نهادهای حمایت از کودکان نقشی حیاتی در اجرای این اقدامات بازی کردند. با وجود این‌که کمیسیون حقیقت و آشتی موافقت کرده بود که طی نشست‌ها از هیچ‌یک از کودکان عکسی گرفته نشود، در اولین نشست منطقه‌ای در گبارنگا، کارکنان واحد رسانه‌ای کمیسیون حقیقت و آشتی سعی کردند برای گرفتن عکس از یکی از کودکان شاهد به کابین ویژه‌ی شاهدان نزدیک شوند. مددکاران اجتماعی نهاد حمایت از کودکان مداخله کردند و به این اقدام خاتمه دادند، ولی بعضی از کمیسرها معتقد بودند که کمیسیون به منظور ثبت اسناد حق دارد عکس بگیرد. رئیس کمیسیون در نهایت به نفع نهاد حمایت از کودکان حکم داد و گرفتن هرگونه عکسی را از کودکان ممنوع کرد، اما این اختلاف چشم‌اندازهای متفاوت و گاهی منافع متناقض کمیسیون حقیقت و آشتی و نهادهای حمایت از کودکان را برجسته کرد.<sup>۲</sup>

در لیبریا تلاش شد مجموعه‌ای از تجربیات برای عرضه در نشست‌ها انتخاب شود، ولی در نهایت، اکثر کودکانی که انتخاب شده بودند درباره‌ی آدم‌ربایی و خدمت اجباری سربازی شهادت دادند.<sup>۳</sup> کمیسیون حقیقت برای انتخاب کودکان جهت شرکت در نشست‌های عمومی باید دقت ویژه به خرج دهد تا به مجموعه‌ی کامل نقض حقوق کودکان، از جمله نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست یابد و از تبعیض احتمالی نسبت به کودکانی که مستقیم در درگیری‌ها شرکت داشته‌اند پرهیز کند.

۱. سُوا، «کودکان»، ۲۱۷.

۲. مصاحبه با آنیک گودینگ فریمَن Onike Gooding Freeman، لیبریا، ۱۲ جون ۲۰۱۰.

۳. سُوا، «کودکان»، ۲۱۹.

نشست موضوعی کودک محور از این امتیاز برخوردار است که برای کمیسیون حقیقت و جامعه‌ی محل فعالیت آن فرصت توجه به روندهای خشونت علیه کودکان و ارتباط‌های بین تعدی‌های گذشته و زمان حال را فراهم می‌کند. اما بدون دسترسی به مخاطبان کافی، این خطر وجود دارد که نشست خاص کودکان به حاشیه برود یا کم‌اهمیت‌تر دیده شود. در لیبریا، شهادت مجرمان بزرگ‌سال توجه شدید عموم را جلب کرد، اما به نشست‌های کودکان توجه کمتری شد و در آن‌ها بیش‌تر کودکان شرکت کردند. با وجود پوشش رسانه‌ای، این نشست‌ها به اندازه‌ی نشست‌های دیگر توجه جلب نکردند.<sup>۱</sup> یکی از نماینده‌گان پارلمان کودکان در نشست موضوعی کودکان به‌طور مشخص، نبود توجه بزرگ‌سالان به این مسایل را مطرح کرد و بدین ترتیب، توجه کلی‌تر به توجه محدود جامعه‌ی لیبریا به این مسایل را خاطر نشان کرد.<sup>۲</sup> یکی از افراد طرف مصاحبه خاطر نشان کرد که نگرش به کودکان و زنان در فرایندهای کمیسیون حقیقت و آشتی در رهیافت به تلاش‌های آشتی و صلح‌سازی در لیبریا ریشه دارد که دارای تاریخ شکست و کم‌رویی، «بی‌علاقگی قربانیان» و تمایل به «عادی کردن وضعیت قربانیان» است.<sup>۳</sup>

## گزارش نهایی

به‌طور کلی، کمیسیون‌های حقیقت کارشان را با انتشار گزارش نهایی و ارائه‌ی توصیه‌ها به پایان می‌رسانند که میراث آن‌ها و پایه‌ی دادخواهی بعدی قربانیان را تشکیل می‌دهد. گنجاندن کودکان در سراسر فرایند کمیسیون حقیقت و آشتی در لیبریا در گزارش نهایی آن بازتاب یافته است. کودکان و جوانان در سراسر گزارش تلفیقی نهایی مطرح شده‌اند و نحوه‌ی قربانی شدن کودکان و نیز نقش احتمالی آن‌ها در حرکت به جلو در این گزارش مورد تأکید است. به علاوه، «گزارش کودکان» اختصاصی در ۱۱۷ صفحه به گزارش نهایی پیوست شده است. این گزارش نمای کلی وظایف کمیسیون حقیقت و آشتی و جنبه‌های عملیاتی آن را نسبت به کودکان ارائه می‌کند و بر انتظارات کودکان

۱. در لیبریا امکان نظارت رسانه‌ای وجود ندارد و به این ترتیب ارزیابی تجربی از واقعی بودن پوشش رسانه‌ای فعالیت‌های کمیسیون وجود نداشته است.

۲. پارلمان کودکان لیبریا در مه ۲۰۰۲ از طریق ابتکاری با حمایت یونیسف لیبریا در هم‌کاری با وزارت جوانان و ورزش و کودکان لیبریا تشکیل شد تا حقوق کودکان را ترویج و تبلیغ و مشارکت کودکان را در تصمیم‌هایی که بر رشد و توسعه‌ی آن‌ها تأثیر می‌گذارد تشویق کند.

۳. آرون وپه، بحث گروه توجه کانونی، مَنرُویا، لیبریا، ۲۳ مارچ ۲۰۱۰.

از کمیسیون حقیقت و آشتی و پیامدهای پایدار درگیری برای کودکان تأکید می‌گذارد. مجموعه‌ای از توصیه‌های مشروح نیز در این گزارش وجود دارد که در آن‌ها از دولت لیبریا درخواست می‌شود سرمایه‌گذاری برای کودکان را به صراحت در اولویت ملی قرار دهد.

مباحثه‌های عمومی درباره‌ی گزارش نهایی تحت تأثیر اختلاف بر سر توصیه‌ی کمیسیون حقیقت و آشتی برای تظهِیر چهره‌های مهم دولتی، از جمله رئیس جمهوری اِلن جانسون سیرلیف، قرار گرفت و بر توصیه‌های دیگر، مثل توصیه‌های مربوط به کودکان، سایه افکند.<sup>۱</sup> با وجود این، توجه به کودکان در گزارش کمیسیون حقیقت و آشتی لیبریا گویا بر سیاست بعدی دولت تأثیر گذاشته است. برای نمونه، راه‌برد کاهش فقر دولت لیبریا پیوستی پنج صفحه‌ای درباره‌ی کودکان و جوانان دارد که بعضی از جنبه‌های آن به برخی توصیه‌های اصلی کمیسیون حقیقت و آشتی مربوط است و نقطه‌ی ورودی برای مشارکت پس از فعالیت کمیسیون حقیقت و آشتی فراهم می‌کند. برنامه‌ی اقدام ملی مربوط به خشونت جنسیتی در لیبریا به‌طور مشخص کودکان و تعهد به پیگیری و نظارت بر اجرای توصیه‌های کمیسیون حقیقت و آشتی را مطرح می‌کند، اما در این چارچوب، موضوع کودکان در زیرموضوع اصلی زنان قرار گرفته است. با وجود این، توجه به کودکان در گزارش کمیسیون حقیقت و آشتی ابزار مفیدی را برای دادخواهی آتی کودکان و جوانان در لیبریا فراهم کرده است.

در کلمبیا، با وجود این‌که کارگروه «حافظه‌ی تاریخی» منابع محدودی داشت و به کودکان توجه نظام‌مندی نمی‌کرد، در نتیجه‌ی فعالیت انفرادی پژوهشگران، سه گزارش از شش گزارش آن که تاکنون منتشر شده‌اند، به تحلیل بدبختی‌های کودکان و پیامدهای درگیری برای آن‌ها پرداخته‌اند.

یکی از گزارش‌ها با عنوان «*ال سالادو: این جنگ ما نبود*»، اشاره‌هایی به «تأثیر متمایز» بر کودکان و جوانان دارد و پیامدهای خشونت را بر کودکان بر اساس ترس، اضطراب و آسیب‌های روانی شرح می‌دهد.<sup>۲</sup> این گزارش شرح می‌دهد که کودکان چگونه پس

۱. برای بحث درباره‌ی پیگیری پس از کار کمیسیون حقیقت و آشتی، نگاه کنید به جیمز آلن، وبه و گودفرد، *فرای کمیسیون حقیقت و آشتی* (James-Allen, Weah, and Goodfriend, Beyond the Truth and Reconciliation Commission).

۲. کمیسیون غرامت و آشتی کلمبیا، «حافظه‌ی تاریخی»، *کشتار ال سالادو*، بخش (f) ۴-۳، ۱۶۵ La (Masacre de el Salado).

از کشتار نشانه‌های آسیب‌های جدی روانی را بروز داده‌اند. برای نمونه، بسیاری از کودکان در ترس از مردان اونیفورم‌پوش زنده‌گی می‌کردند (و نمی‌توانستند تفاوت نیروهای رسمی با جنگ‌جویان شبه نظامی را تشخیص دهند)؛ در خوابیدن مشکل داشتند؛ نمی‌خواستند پیش از رفتن به رخت‌خواب، کفش‌شان را در بیاورند (چون نگران بودند که نیمه شب ناچار به فرار از تهاجم شبه نظامیان در جنگل باشند)؛ و از هرصدایی که یادآور بالگرد بود می‌ترسیدند. بنا به شهادت اعضای خانواده‌ها، خاطره‌های کودکان درباره‌ی واقعیت‌ها و مرتکبان جنایت مغشوش شده است و برای آن‌ها درک موضوع و دلیل آن را دشوار کرده است. کودکان در پیامد کشتار دچار ترس و حس شدید ناامنی می‌شدند. کودکان کمی مسن‌تر از تحقیر، ناتوانی و خشم سخن می‌گفتند.<sup>۱</sup>

گزارش دوم با عنوان «باهیا پورته: زنان وایوو» قربانیان کودک و نوجوان را ذکر می‌کند و نوع خشونت‌هایی را که از سرگذرانده‌اند، مثل شکنجه برای دادن اطلاعات درباره‌ی محل پدرومادرشان، شرح می‌دهد. این گزارش هم‌چنین تأثیر آواره‌گی بر کودکان و بازپذیری آن‌ها در شهرهای بزرگ و قطع ارتباط‌شان با فرهنگ بومی و هویت محلی‌شان را به اختصار بررسی می‌کند.<sup>۲</sup>

گزارش سوم با عنوان «بُجایا: جنگ بدون محدوده» با توجه به کشتاری که در آن ۴۵ تن از ۷۹ قربانی کودک بودند و جنین‌های سه زن باردار از دست رفت، بیش‌ترین بررسی را درباره‌ی کودکان را دربردارد. پژوهش‌گران با کودکان و جوانان از طریق کارگاهی درباره‌ی «حافظه‌ی تاریخی» مشورت کرده‌اند و شهادت‌های افرادی را که در زمان کشتار کودک بودند در گزارش گنجانده‌اند. این گزارش هم‌چنین بخش کوتاهی درباره‌ی نقش کودکان و جوانان در مقاومت از طریق فعالیت‌های تئاتری و موسیقی دارد.<sup>۳</sup> تأثیر این گزارش‌ها بر

۱. مصاحبه با تاتیانا رینگن کاولی، عضو کارگروه «حافظه‌ی تاریخی»، کلمبیا، ۱۶ آپریل ۲۰۱۰. یکی از چند روشی که کودکان به‌طور مشخص در سیر فعالیت اولیه‌ی «حافظه‌ی تاریخی» مد نظر قرار گرفتند از طریق دعوت آن‌ها برای تهیه‌ی موسیقی سرود سالادو بود. «حافظه‌ی تاریخی»، سزار لوبز یکی از موسیقی‌دانان مشهور کلمبیا را دعوت کرد در پخش گزارش هم‌کاری کند. او تصمیم گرفت سرودی برای سالادوی جدید بسراید و برای این منظور از شماری از کودکان دهکده دعوت به مشارکت کرد با این هدف که این سرود نماینده‌ی آینده و امید دهکده باشد. شعر آن را یکی از شاعران سنتی همان جامعه نوشت. تجربه‌ی گنجاندن کودکان در ساختن موسیقی سرود تازه ضبط و جزو مستند رسمی «حافظه‌ی تاریخی» درباره‌ی سالادو شد.

۲. کمیسون گرامت و آشتی کلمبیا، «حافظه‌ی تاریخی»، باهیا پورته (Bahía Portete).

۳. کمیسون گرامت و آشتی کلمبیا، «حافظه‌ی تاریخی»، بُجایا (Bojaya).

کودکان و جوانان مربوطه زمانی مورد تأکید قرار گرفت که گروهی از جوانان به ابتکار خود گروه مطالعه‌ای را برای بحث درباره‌ی گزارش کشتار ال سالادو تشکیل دادند.<sup>۱</sup>

با تکیه بر گام‌های مثبت افراد عضو کارگروه «حافظه‌ی تاریخی»، در گزارش‌هایی که قرار است در ۲۰۱۲-۲۰۱۱ منتشر شود، فرصتی برای گنجاندن چشم‌انداز کودکان به‌ویژه در گزارش‌های مربوط به آواره‌گی و طرف‌های مسلح وجود دارد. با وجود این، هرگونه گنجاندن چشم‌انداز کودکان باز هم به ابتکار فردی اعضای گروه بستگی دارد، مگر این‌که بودجه‌ی اضافی برای افزایش دانش تخصصی درباره‌ی حقوق کودکان و اولویت افزوده به مسایل کودکان تخصیص یابد. این محدودیت بر اهمیت تخصیص بودجه و تأثیر آن بر اولویت گروه‌های مختلف قربانی تأکید می‌گذارد. به علاوه، نقش احتمالی فعالان عدالت در دوره‌ی گذار و نهادهای حمایت از کودکان را در فشار برای دریافت منابع مالی بیش‌تر و اولویت بیش‌تر به رهیافت حساس به‌کودک در دوره‌ی عدالت در دوره‌ی گذار را نشان می‌دهد. ایجاد فرصت‌هایی برای کودکان و جوانان که بتوانند در فرایند کمیسیون حقیقت‌مشارکت پرمحتوا و امنی داشته باشند، به یافته‌های آن غنا می‌بخشد و به افزایش تأثیر فعالیت آن برگسترش حوزه‌ی آن کمک می‌کند.

\*\*\*

به‌طور خلاصه، در هنگام برقراری سازوکار حقیقت‌یابی، تحلیل چارچوب از نگاه کودکان و جوانان برای درک این‌که آیا تعدی‌ها بر آن‌ها تأثیر داشته و چگونه تأثیر داشته و تعیین نیازهای مشخص آن‌ها بسیار حیاتی است. اگر ارزیابی‌ها نشان دهد که کودکان قربانی بوده‌اند، اولین گام، گنجاندن رسیدگی به تعدی‌های علیه کودکان در وظایف است. سپس باید در تعیین کارکنان، روش‌شناسی و ساختار لازم برای برقراری تعادل بین دانش تخصصی و وارد کردن مسایل در جریان اصلی تصمیم‌گرفت. در هر حال، چه کودکان مستقیم مورد تعدی قرار گرفته باشند چه نباشند، آن‌ها در تلاش‌های حقیقت‌یابی طرف‌های ذینفع مهمی هستند، به‌ویژه در کشورهایی که آن‌ها بخش مهمی از جمعیت یا حتی اکثریت را تشکیل می‌دهند و بنابراین، باید به میزان کافی

۱. بعضی از جوانان در کلمبیا رابطه‌ی نزدیک‌تری با «حافظه‌ی تاریخی» پیدا کرده‌اند، زیرا در نتیجه‌ی رفتار و تعهد عمیق پژوهش‌گران و کمک‌پژوهش‌گران - که بعضی از آن‌ها خود بسیار جوان هستند - حس می‌کنند «حافظه‌ی تاریخی» آن‌ها را پذیرفته است. این پژوهش‌گران طی چند ماه تحقیق عمیق میدانی با جوانان جامعه همدلی پیدا کرده‌اند.

مطلع شوند و طرف مشاوره قرارگیرند. یکی از کارشناسان حمایت از کودکان، با تأمل درباره‌ی مشارکت دادن کودکان در کار کمیسیون حقیقت و آشتی لیبریا، تأیید کرد: «ما به فعالیت‌های کمیسیون حقیقت و آشتی براساس رویدادها (کارگاه‌ها، نشست‌ها و غیره) نگاه می‌کردیم و فرایند (و پیگیری آن) را به میزان کافی در نظر نداشتیم.» برای این‌که فعالیت کمیسیون حقیقت، حساس به کودک باشد، بایستی این چشم‌انداز را در سراسر فرایند گنجانند؛ نمی‌توان آن را فقط یک فعالیت جنبی یا افزوده به فعالیت بزرگ‌تری دانست.



## ۴. کودکان و عدالت کیفری

قربانی شدن کودکان هم چشم‌گیر است و هم ناکافی ثبت شده است. نتیجه‌ی مستقیم آن این است که مسؤولان ارتکاب جرایم فاحش علیه کودکان به ندرت مورد پیگرد قرار گرفته‌اند. براساس ارزیابی‌هایی که در کلمبیا و جمهوری دمکراتیک کنگوانجام شده، به‌ویژه درباره‌ی تأثیر دادگاه بین‌المللی جزایی در آن شرایط، در این بخش بعضی از فرصت‌ها و مشکلات مربوط به پیگرد و محاکمه مسؤولان آن جرایم، تأثیر خط‌مشی پیگرد اتهام سربرازگیری غیرقانونی کودکان و به‌کارگیری آن‌ها در درگیری‌ها و معمای کودکان در تقابل با قانون مورد بررسی قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

در منطقه‌ی ایتوری در جمهوری دمکراتیک کنگو، تمام کسانی که طرف مصاحبه‌ی ما بودند موافق بودند که کودکان حتا اگر اکثریت قربانیان نقض فاحش حقوق بشر در دوره‌ی ۲۰۰۵-۱۹۹۹ نباشند، به‌احتمالی شمار قابل توجهی از آن‌ها را تشکیل می‌دهند و تأثیر درگیری‌ها بر آن‌ها نامتناسب بوده است.<sup>۲</sup> کشتار و مثله کردن غیرنظامیان بی‌سلاح،

---

۱. دادگاه بین‌المللی جزایی در جمهوری دمکراتیک کنگو به‌طور مستقیم حضور دارد. این دادگاه هم‌چنین بر وضعیت کلمبیا نظارت دارد و رئیس جمهوری کلمبیا، خوان مانوئل سانتوز، در دیدار اخیر خود با رئیس دادگاه بین‌المللی جزایی قاضی سانگ - هیون سانگ، در ۶ دسامبر ۲۰۱۰ این موضوع را تأیید کرد. رئیس جمهوری سانتوز تکرار کرد که دادگاه بین‌المللی جزایی بر اساس اصل مکمل بودن یکی از شرکای فرایند صلح و عدالت کلمبیا است. هم‌چنین نگاه کنید به: بگ، «دادگاه بین‌المللی جزایی نظارت می‌کند.» (Begg, "ICC to Monitor")

۲. برای اسناد بیش‌تر درباره‌ی درگیری در ایتوری، به‌ویژه نگاه کنید به دیده‌بان حقوق بشر، ایتوری، ۱. برای نمونه، اتحادیه‌ی میهن‌پرستان کنگویی طی کارزار خود برای به دست گرفتن کنترل در ایتوری در آگوست ۲۰۰۲ که سرانجام توماس لوبانگا را به قدرت رساند، مرتکب کشتار و مثله کردن کودکان در مقیاس گسترده شد؛ همان‌جا، ۱۹. هم‌چنین نگاه کنید به پزشکان بدون مرز، ایتوری، ۴. شورای حقوق بشر، «گزارش ترکیبی»، ۱۴، بند ۳۸. برای گزارشی مشروح درباره‌ی فجایع دیگر، از جمله کشتار، مثله

از جمله کودکان، در مدتی طولانی انجام شده است.<sup>۱</sup> در جامعه‌ای که به طور عمده جوان است،<sup>۲</sup> کودکان نسبت قابل توجهی از قربانیان آواره‌گی، خشونت جنسی، تجاوز، قتل، شکنجه، آدم‌ربایی و استثمار به عنوان جنگ‌جو و دیگر مشاغل خطرناک را تشکیل می‌دهند.<sup>۳</sup>

در کلمبیا هم گروه‌های شبه نظامی (گروه‌های دست راستی که به طور کلی مرتبط با ارتش و دولت تلقی یا مورد پشتیبانی آن‌ها محسوب می‌شوند) و هم نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (فارک، گروه شورشی که با دولت می‌جنگد) به طور غیرقانونی کودکان را به سربازی گرفته‌اند و در درگیری‌ها مورد استفاده قرار داده‌اند. به علاوه، کودکان قربانی پیامدهای خشونت از طریق آواره‌گی، از دست دادن خانواده و آسیب‌های روانی بوده‌اند. در سال ۲۰۰۳، قاضی دادگاه هشتم ویژه‌ی کیفری در کلمبیا اعضای دبیرخانه‌ی فرماندهی عالی مرکزی فارک را به طور غیابی به خاطر سربازگیری نوجوانان محکوم کرد.<sup>۴</sup> از آن پس، چندین مسؤول پایین‌رتبه‌ی فارک به جرم سربازگیری کودکان محاکمه و محکوم شده‌اند.<sup>۵</sup> با وجود این، هیچ یک از فرماندهان گروه‌های شبه نظامی تا به امروز با این اتهام روبرو نبوده‌اند.

بنابراین، هم در کلمبیا و هم در جمهوری دموکراتیک کنگو، پیگرد مؤثر مسؤولان جرایم علیه کودکان مشکل‌ساز مانده و عدالت کیفری تأثیر کوچک و دلسردکننده‌ای بر موضوع بدبختی‌های کودکان داشته است.

## دسترسی کودکان به عدالت

یکی از مشکلات اساسی به پیش‌بردن پیگرد مسؤولان جرایم علیه کودکان از مشکل کودکان در دسترسی به عدالت کیفری ناشی می‌شود. تحقیق ما در جمهوری دموکراتیک

کردن و خشونت جنسی، نگاه کنید به/یتوری، دیده‌بان حقوق بشر.  
۱. همان.

۲. امید به زندگی در کشور در حال حاضر ۴۶ سال برای مردان است، سازمان بهداشت جهانی، «جمهوری دموکراتیک کنگو». در سال ۲۰۱۰، ۵۷ درصد جمعیت کمتر از ۲۰ سال داشت. بخش جمعیت سازمان ملل، «دورنمای جمعیت در جهان».

۳. نگاه کنید به/یتوری، دیده‌بان حقوق بشر.

۴. «محکومیت تیروفیخو به خاطر سربازگیری کودکان»، *ال-تیمپو* (Condena a Tirofijo por Menores), *El Tiempo*.

۵. «با سربازگیری نوجوانان»، *ال-تیمپو* (Por reclutar menores), *El Tiempo*.

کنگو نشان می‌دهد که موانع دسترسی به عدالت برای «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» و برای کودکانی که قربانی تعدی‌های فاحش بوده‌اند، به‌ویژه تعدی‌های شامل خشونت جنسی، بدتر است. پدران و مادران ممکن است از رفتن به دادگاه پرهیز کنند، چون به آن‌ها اعتماد ندارند، یا برای این‌که از رسوایی عمومی پرهیزند یا به خاطر این‌که دغدغه‌های به‌حق امنیتی دارند، به‌ویژه به خاطر این‌که متهمان اغلب از مجازات فرار می‌کنند.

رویه‌های قضایی کودک‌پسند کلید دسترسی پذیر کردن عدالت برای کودکان و به حداقل رساندن فشار، آسیب‌های روانی و زیان‌های احتمالی دیگر مرتبط با ادای شهادت طی تحقیقات یا محاکمه است. درحقیقت، ممکن است از کودکان در زمان ادای شهادت سؤال شود تا وقایع آسیب‌زا را به یاد آورند یا شرح دهند و ممکن است آنها به‌طور مستقیم با افراد آسیب‌رسان روبرو شوند. این تجربه، بستگی به کودک، می‌تواند یا توان‌بخش باشد یا آسیب‌رسان و احتمال دارد آسیب موجود در آن‌ها را تشدید کند. رویه‌های قضایی کودک‌پسند بایستی با تمام موازین مرتبط بین‌المللی و اصول فراگیر کنوانسیون حقوق کودک، از جمله حداکثر منافع کودک، حق زنده‌گی، بقا و توسعه، عدم تبعیض و حق مشارکت سازگار باشند.<sup>۱</sup> مشارکت کودکان همیشه باید داوطلبانه باشد و به اصل توافق آگاهانه<sup>۲</sup> معنای کامل ببخشد و کودکان باید همیشه به صورت ناشناس و با حفظ هویت‌شان شهادت بدهند.<sup>۳</sup>

### توجه به سربازگیری و به‌کارگیری غیرقانونی کودکان در خصومت‌ها

چندین گروه در کلمبیا به‌طور غیرقانونی از کودکان سربازگیری کرده و آن‌ها را در درگیری‌ها به کار گرفته‌اند که بر اساس حقوق بین‌المللی اقدامات مجرمانه است.<sup>۴</sup> با وجود این،

۱. در موازین بین‌المللی به‌ویژه به رهنمودهای سازمان ملل در مورد اقدام درباره‌ی کودکان در نظام عدالت کیفری و راه‌بردهای نمونه و اقدامات عملی برای رفع خشونت اشاره می‌شود.

۲. در میان مقررات بسیار دیگر مقررات آیین و مدارک دادرسی دادگاه بین‌المللی جزایی، مقرره‌ی شماره ۱۹۰، «رهنمود درباره‌ی اتهام‌زنی به خود به همراه درخواست احضار شاهد» اهمیت ویژه‌ای در این زمینه دارد.

۳. ماده‌ی (ب) (۲) ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک و ماده‌ی شماره ۸ مقررات حداقل استاندارد سازمان ملل برای اجرای عدالت درباره‌ی نوجوانان.

۴. جمهوری کلمبیا، قانون ۵۹۹/۲۰۰۰.

در سال ۲۰۰۸، بنا به گزارش‌ها، میزان موفقیت در پیگردهای مربوط به سرپازگیری و به‌کارگیری غیرقانونی کودکان در درگیری‌ها کمتر از ۲ درصد بود و از آن پس وضعیت بهبود اساسی نیافته است.<sup>۱</sup> دفتر کمیسر عالی صلح در کلمبیا در فوریه ۲۰۱۰ گزارش داد که ۷۳۷ کیفرخواست مرتبط به سرپازگیری غیرقانونی در چارچوب رویه‌های کیفی قضایی و صلح در دست است، اما هیچ یک از آن‌ها به حکم رسمی مجرمیت منجر نشده است.<sup>۲</sup> یک نمونه «ال آلمان»<sup>۳</sup> است، یکی از رهبران بلندپایه شبه نظامی که گویا اعتراف اصلی خود درباره‌ی اتهام سرپازگیری غیرقانونی را پس گرفت،<sup>۴</sup> چون از پیامدهای منفی در پیگردهای بین‌المللی در آینده می‌ترسید. با توجه به این مشکلات، دادستانی کل و واحد عدالت و صلح آن به تازه‌گی برنامه‌ای را برای اولویت دادن به پیگرد اتهام سرپازگیری غیرقانونی را در کنار جرایم دیگر در پیش گرفته‌اند.<sup>۵</sup>

۱. به گفته‌ی دبیرکل سازمان ملل، تا سال ۲۰۰۸، واحد ویژه‌ی دادستانی کل در مورد ۱۴۱ پرونده شامل ۶۳۴ کودک قربانی (۴۸۵ پسر و ۱۴۹ دختر) تحقیق کرده بود که به سه مورد رأی محکومیت انجامیده بود (شورای امنیت سازمان ملل، «گزارش»، ۱۲). بنا به اعلام ائتلاف ضد مشارکت کودکان و جوانان در درگیری مسلحانه در کلمبیا و کمیسیون حقوقدانان کلمبیا، در جنایت نامرئی (El delito invisible)، تا اکتبر ۲۰۰۸، ۶۶۵ پرونده‌ی مربوط به سرپازگیری غیرقانونی کودکان وجود داشت؛ از این تعداد، فقط ۲۹۲ پرونده در جریان فعال بودند و فقط در دو مورد حکم صادر شده بود.

۲. قانون جنجالی عدالت و صلح، یا قانون ۹۷۵/۲۰۰۵، که در جولای ۲۰۰۵ به تصویب رسید برای اعضای گروه‌های مسلح غیرقانونی، به‌ویژه گروه‌های شبه نظامی، که مایل به پایان دادن به بسیج نظامی بودند، راه‌پرد خروجی فراهم کرد. این اعضا می‌توانند در عوض «ادای سهم به دست‌یابی به صلح ملی، هم‌کاری با نظام عدالت، غرامت برای قربانیان و ورود دوباره به اجتماع» حکم‌های به‌شدت کاهش یافته‌ی زندان بین ۵ تا ۸ سال دریافت کنند. «هم‌کاری با نظام عدالت» به‌طور عمده از طریق ادای گواهی شامل افشای جرایم ارتكابی انجام می‌شود. این قانون به ظاهر برای آسان‌تر کردن فرایند صلح، آشتی ملی و حقوق قربانیان نسبت به غرامت، عدالت و حقیقت‌طراحی شده است. در نگارش قانون، کودکان به‌طور مشخص مد نظر قرار گرفتند چون دست‌کم یکی از معیارهای شایستگی بهره‌مندی از حکم‌های کاهش یافته ترخیص تمام نیروهای نوجوان سرپاز بود. اما مدافعان حقوق بشر از این قانون و نظام ناشی از آن، به‌ویژه به‌خاطر قصور آن از ترویج کافی پاسخ‌گویی و حمایت از قربانیان، انتقاد کردند. برای اطلاعات بیشتر، نگاه کنید به: تاپیاز، «فرمول‌های دولت کلمبیا» (Tapias, "Colombian Government's Formulas") و دفتر کمیساری عالی صلح، عدالت و صلح، ۱۹. Oficina Alto Comisionado para la Paz, Ley de Justicia y Paz

### 3. El Alemán

۴. منبع ناشناس G، کلمبیا، ۵ مه ۲۰۱۰.

۵. به تازگی، رئیس واحد یادداشتی با رهنمودهایی برای ادامه‌ی پیگردهای مربوط به سرپازگیری غیرقانونی صادر کرده است. گویا دادستان‌ها از سه منبع مختلف اطلاعات برای انجام تحقیقات استفاده می‌کنند: «نسخه‌های آزاد» مربوط به فرایند پایان‌دهی به بسیج نظامی شبه نظامیان در مجموعه‌ی

ارزیابی ما آشکار کرد که طی مرحله‌ی پایان بسیج عمومی در ۲۰۰۶-۲۰۰۳، دفتر کمیسر عالی صلح گویا به فرماندهان شبه نظامی توصیه کرده از ترخیص رسمی کودکان مرتبط با گروه‌های شان پرهیز کنند.<sup>۱</sup> بر اساس منابع تأیید شده که از طریق شماری مصاحبه به دست آمده، یکی از مشاوران کمیسر عالی صلح توصیه کرده که این فرماندهان کودکان را پنهانی ترخیص کنند و از فرایند رسمی پایان بسیج عمومی بپرهیزند تا «مسایل را پیچیده نکنند».<sup>۲</sup> چندین طرف مصاحبه این گونه تلاش‌ها برای پرهیز از ترخیص رسمی کودکان را به این هراس نسبت دادند که ترخیص کودکان جنگنده مدرکی محسوب می‌شود که می‌تواند سپس مورد استفاده‌ی دادستان‌های داخلی یا دادگاه بین‌المللی جزایی برای طرح اتهام جنایت جنگی سربازگیری غیرقانونی علیه آن‌ها قرارگیرد.<sup>۳</sup> در تلاش‌هایی که آشکارا برای پرهیز از به‌جا گذاشتن مدارک روشن جرم بود، پیش از این که مؤسسه‌ی رفاه خانواده کلمبیا فرایند پایان بسیج عمومی را آغاز کند، بسیاری از کودکان در کلمبیا درحقیقت «به خانه اعزام شدند». مقایسه بین شمار کودکانی که مرتبط با گروه‌های مسلح برآورد می‌شدند - از ۸۰۰۰ کودک به اعلام وزارت دفاع تا ۱۱۰۰۰ کودک به اعلام منابع غیردولتی<sup>۴</sup> - و کودکانی که در واقع در پایان رسمی بسیج عمومی مطرح شدند - فقط ۳۰۷ کودک - نشان می‌دهد که اکثر کودکان از فرایند پایان بسیج عمومی عبور نکردند.<sup>۵</sup> این موضوع مانعی آشکار بر سر راه پیگرد جنایت جنگی سربازگیری غیرقانونی ایجاد کرده و تأثیر منفی جدی بر این کودکان گذاشته است. مستثنا شدن از فرایند رسمی پایان بسیج عمومی، دسترسی آن‌ها به برنامه‌های بازپذیری و تأمین گرامت را محدود می‌کند.<sup>۶</sup>

---

عدالت و صلح؛ فهرست‌های رسمی پایان‌دهی جمعی به بسیج نظامی، از جمله ۸۰۰ کودک جنگ‌جو؛ و اطلاعات مربوط به سن جنگ‌جویان پیشین بزرگ‌سال و شمار سال‌هایی که آن‌ها در گروه‌های مسلح گذرانده‌اند. دادستان‌ها همچنین از لیست‌های رسمی ترک تحصیل استفاده می‌کنند. مقایسه اطلاعات از منابع مختلف به آن‌ها کمک می‌کند پرونده را بازسازی کنند.

۱. مصاحبه‌های محرمانه در کلمبیا، مه ۲۰۱۰.
۲. مصاحبه‌های محرمانه در کلمبیا، آوریل ۲۰۱۰.
۳. مصاحبه‌های محرمانه در کلمبیا، آوریل ۲۰۱۰.
۴. شورای امنیت سازمان ملل، «گزارش»، ۴. منابع سازمان‌های غیردولتی از جمله دیده‌بان حقوق بشر، برداشتن قیدوبند؟ (*Breaking the Grip*)، ۷۲.
۵. ائتلاف ضد مشارکت کودکان و جوانان در درگیری مسلحانه در کلمبیا، جنایت نامرئی، ۲۵.
۶. بر اساس مصاحبه با یکی از نمایندگان مؤسسه‌ی رفاه خانواده کلمبیا، ۲۷ آوریل ۲۰۱۰، فقط ۳۰۷ «کودک مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» موفق شدند وارد برنامه‌ی این مؤسسه شوند.

ترس از پیگرد در کلمبیا ممکن است تا حدودی ناشی از توجه دادگاه بین‌المللی جزایی به این موضوع باشد. اولین شخصی که در دادگاه بین‌المللی جزایی محاکمه شد، توماس لوبانگا دی‌یلو، رهبر پیشین اتحادیه میهن‌پرستان کنگو، به‌طور مشخص به جنایت جنگی سربازگیری غیرقانونی و به‌کارگیری کودکان در درگیری متهم شد. بسیاری از کسانی که در منطقه‌ی ایتوری طرف مصاحبه ما بودند، این توجه را مورد انتقاد قرار دادند و به کودکان قربانی دیگر اشاره کردند: کودکانی که به قتل رسیده بودند، کودکانی که قربانی خشونت جنسی بودند و آن‌هایی که یتیم شده یا از غذا، سرپناه و مراقبت پرشکی طی جنگ محروم شده بودند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان این جرایم را «خیلی جدی‌تر» می‌دانستند.<sup>۱</sup>

به گفته‌ی بسیاری از مصاحبه‌شونده‌گان، تأثیر این پیگردها در محل در ابتدا چندان مثبت نبود؛ فعالان مختلف حمایت از کودکان می‌گفتند که نتیجه‌ی فوری دستگیری لوبانگا به اتهام سربازگیری کودکان کاهش شمار کودکانی بود که به مراکز پایان بسیج عمومی تحویل می‌شدند. در عوض، گروه‌های مسلح، گویا از ترس متهم شدن، کودکان را در جنگل‌ها می‌کردند. منابع محرمانه‌ای که در آپریل ۲۰۱۰ در جمهوری دمکراتیک کنگو مورد مصاحبه قرار گرفتند، گفتند که گروه‌های مسلح از آغاز محاکمه‌ی لوبانگا تا آن زمان ترخیص کودکان جنگنده را به‌طور کامل متوقف کرده بودند. بنا به گزارش‌ها، یکی از فرماندهان پیشین گفته بود، «در جنگل، جنگ جویان به رادیو گوش می‌دهند و اکنون می‌فهمند که استفاده از کودکان برای شان خطرناک است. بنابراین، سربازگیری کودکان اکنون مخفیانه انجام می‌شود و کودکان جنگنده از نظرها پنهان نگه داشته می‌شوند.»<sup>۲</sup> فعالان حمایت از کودکان گفتند که پوشش پرسروصدای پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی کار پس گرفتن کودکان را از گروه‌های مسلح در محل برای آن‌ها بسیار مشکل کرده است، زیرا فرماندهان کودکان را پنهان می‌کنند و هرگونه ترخیص کودکان از

هم‌چنان که کارشناسی به نام رُسیو روبیو توضیح داده است که بخش عمده‌ی کودکان جنگ‌جوی پیشین که به مزایای بازپذیری دست یافتند فراریان چریک هستند؛ مصاحبه با رُسیو روبیو، بوگوتا، کلمبیا، ۲۶ آپریل ۲۰۱۰.

۱. مصاحبه‌های محرمانه در جمهوری دمکراتیک کنگو، آپریل ۲۰۱۰.  
 ۲. مصاحبه با جنگ‌جوی پیشین بزرگ‌سال، جبهه‌ی انقلابی صلح در ایتوری، بونیا، جمهوری دمکراتیک کنگو، ۲۴ آپریل ۲۰۱۰، اشاره به برنامه‌ای در رادیو رولیشن.

خدمت اکنون غیررسمی انجام می‌شود،<sup>۱</sup> به ویژه در کیووی شمالی.<sup>۲</sup>

با وجود این، در طرف دولت، چند تن از مصاحبه‌شونده‌گان گفتند که توجه دادگاه بین‌المللی جزایی به سر بازگیری و به کارگیری کودکان در درگیری‌ها به طور آشکار به کاهش حضور کودکان سرباز در اردوگاه‌های نظامی نیروهای امنیتی دولت انجامیده است. به گفته‌ی بعضی از فعالان حمایت از کودکان، در نتیجه‌ی مستقیم افزایش آگاهی از جرم بودن سر بازگیری کودکان در پی محاکمه‌ی لوبانگا، کودکان سرباز در بعضی از مناطق جغرافیایی به طور کامل از واحدهای ارتشی دولت کنار گذاشته شده‌اند.<sup>۳</sup>

با توجه دوباره به تأثیر پیگرد دادگاه بین‌المللی جزایی بر هنجارها و درک محلی، ارزیابی ما نشان داد که اکثر مردم در ایتوری، از جمله هم‌ماها و لندوها، هنوز درک درستی از جرم بودن به کارگیری کودکان به عنوان جنگ‌جو ندارند.<sup>۴</sup> در بسیاری از بخش‌های متفاوت ایتوری، بزرگ‌سالان و کودکانی که طرف مصاحبه بودند، گفتند این جوامع «هیچ چاره‌ای» در مورد استفاده از جنگ‌جویان زیر ۱۸ سال ندارند. این تصمیم مسأله‌ای برای دفاع و بقای جامعه به حساب می‌آید. یکی از کارکنان حمایت از کودکان موضوع را این طور توضیح داد: «جوامع قومی کودکان را در زمان حمله خط اول دفاع محسوب می‌کنند. کودکانی که از گروه‌های مسلح بگریزند خائن به قبیله تلقی می‌شوند.»<sup>۵</sup>

تصمیم دادگاه بین‌المللی جزایی برای طرح اتهام علیه لوبانگا فقط بر اساس جرم سر بازگیری و به کارگیری کودکان سرباز به علت هویت قومی قربانیان نیز آثار زیانباری داشت. لوبانگا و نیز کودکانی که او سر بازگیری کرده بود از قوم هما هستند یا بودند.

۱. مصاحبه با واحد حمایت از کودک هیأت سازمان ملل برای ایجاد ثبات در جمهوری دموکراتیک کنگو، بونیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، ۲۸ آوریل ۲۰۱۰.

## 2. North Kivu

۳. اردوگاه‌های ارتش کنگو بر اساس مأموریت هیأت سازمان ملل برای ایجاد ثبات در جمهوری دموکراتیک کنگو برای کمک به برنامه‌ی «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» به روی این هیأت باز است و به کارکنان حمایت از کودکان امکان می‌دهد نیروهای نظامی را کنترل و کودکان را از صفوف آن‌ها خارج کنند. به گزارش هیأت سازمان ملل برای ایجاد ثبات در جمهوری دموکراتیک کنگو، محاکمه‌ی لوبانگا باعث شده که حضور کودکان در اردوگاه‌های نظامی تقریباً به صفر برسد.

۴. اما، به گفته‌ی یکی از رهبران لندو، وقتی خارجی‌ها، مثل اوگاندایی‌ها، کودکان را می‌دزدیدند، استثناً در کار بود. در این صورت، سر بازگیری کودکان جرم جدی تلقی می‌شد. مصاحبه با نماینده‌ی جامعه‌ی لندو در ایتوری، جمهوری دموکراتیک کنگو، ۲۳ آوریل ۲۰۱۰.

۵. مصاحبه با کارکنان حمایتی مؤسسه‌ی سیو یو ک (SAVE UK)، بونیا، ۲۳ آوریل ۲۰۱۰.

جامعه‌ی هما، از جمله «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح»، لوبانگا را قهرمانی می‌دانند که از این جامعه دفاع کرده است. اما قربانیان لندو در حمله‌های اتحادیه‌ی میهن‌پرستان کنگویی به رهبری لوبانگا، قتل، تجاوز، شکنجه، غارت و تخریب اموال را «جنایت‌های واقعی» می‌دانند که اتحادیه‌ی میهن‌پرستان کنگویی مرتکب شده است. این گروه از این‌که این اتهام‌ها علیه لوبانگا مطرح نشده بسیار سرخورده‌اند. «لندوها هرگز جنایت سربازگیری را درک نکرده‌اند. این‌ها جرایم واقعی لوبانگا نیستند. از او در برابر جنایت‌های واقعی‌اش حمایت شده است.»<sup>۱</sup> در زمینه‌ی به شدت قطبی شده بر اساس جدایی‌های قومی، بسیاری از لندوها در حیرت هستند که تنها قربانیان مطرح در کیفرخواست دادگاه بین‌المللی جزایی و محاکمه، «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» از قوم هما - یعنی اعضای گروه قومی لوبانگا - هستند و قربانیان لندو، از جمله کودکان، فراموش شده‌اند. یکی از افرادی که طرف مصاحبه بود، احساسی را که در سطحی گسترده وجود دارد، به این ترتیب بیان کرد: «اگر کودکی را ببینم که برای جنگیدن می‌رود، او را بازخواهم داشت. من هیچ وقت چیزی درباره‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی ننشیده‌ام، اما در مورد لوبانگا، به نظر من او باید برای کشتن مردم دستگیر شود نه برای سربازگیری کودکان.»<sup>۲</sup> درحقیقت، توجه پیگرد دادگاه بین‌المللی جزایی در این پرونده به سربازگیری و به‌کارگیری کودکان سرباز شکاف بزرگی در پاسخ‌گویی به خاطر جرایم دیگر علیه کودکان به جا گذاشته است.

این ارزیابی اولیه از تأثیر پیگردهای دادگاه بین‌المللی جزایی در جمهوری دموکراتیک کنگو نشان می‌دهد که این پیگردها باعث ترخیص رسمی کودکان مرتبط به نیروهای امنیتی دولت و جلوگیری از سربازگیری بیش‌تر آن‌ها شده‌اند، اما پایان دادن به بسیج کودکان مرتبط با گروه‌های مسلح غیردولتی را پیچیده‌تر کرده‌اند. به همین ترتیب، در کلمبیا، شبخ پیگرد کیفری داخلی و بین‌المللی به اتهام جنایت‌های جنگی به خاطر سربازگیری و استفاده غیرقانونی از کودکان در درگیری‌ها گویا باعث شده که فرماندهان کودکان را از فرایند رسمی پایان دادن به بسیج عمومی و فرایند دریافت غرامت کنار بگذارند و این موضوع پیامدهای منفی جدی برای کودکان داشته است. تناقضی است که از یک سو سربازگیری و به‌کارگیری کودکان سرباز جرم است و از سوی دیگر، افزایش

۱. مصاحبه با نماینده‌ی جامعه‌ی لندو در ایتوری، جمهوری دموکراتیک کنگو، ۲۳ آوریل ۲۰۱۰.

۲. مصاحبه با جنگ‌جو-کودک پیشین (FPRI)، بونیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، ۲۵ آوریل ۲۰۱۰.



دیدپذیری این جرایم - دست‌کم به‌طور موقت - به ترخیص رسمی یا به پایان دادن به بسیج آن‌ها آسیب رسانده است و به این ترتیب، از دسترسی کودکان به مزایا و حمایت در کوتاه‌مدت کاسته است. امید بر این است که این تأثیر موقت باشد و - اگر پیگردهای بین‌المللی و محکومیت‌های ناشی از آن‌ها نقش مثبتی در بازداشتن از این جرایم بازی کنند - طی زمان برطرف شود.

### کودکان در تقابل با قانون

در بعضی وضعیت‌ها که نقض حقوق بشر گسترده یا نظام‌مند است، زنده‌گی کودکان ممکن است آن‌چنان شدید مختل شود که بعضی از کودکان خود در ارتکاب جرایم فاحش مشارکت کنند. این موضوع ممکن است در مورد «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» درست باشد، گرچه تمامی این کودکان مرتکب جنایت نمی‌شوند.<sup>۱</sup> مشکلات بسیار و پیچیده‌ای درباره‌ی کودکان در تقابل با قانون مطرح است، چون اگر آن‌ها از جمله‌ی «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» باشند، هم قربانی هستند و هم مجرم و هیچ پاسخ آسان یا روشنی درباره‌ی روش رسیدگی به کودکان مجرم وجود ندارد.

بین پژوهش‌های ما، کلمبیا نمونه‌ی مفیدی در زمینه‌ی تأمل نسبت به روش توجه به کودکان مجرم به دست می‌دهد. دادگاه قانون اساسی کلمبیا گفته است که موقعیت قانونی «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» به‌عنوان قربانیان سربازگیری غیرقانونی، خود به‌خود آن‌ها را از مسؤلیت کیفری مستثنی نمی‌کند.<sup>۲</sup> این دادگاه حقوق این کودکان را با حقوق قربانیان آن‌ها «نسبت به حقیقت، عدالت و غرامت» مقایسه و اظهار کرد که موقعیت قربانی سربازگیری اجباری مسؤلیت کیفری همان شخص در مورد جرایم فجیع را رفع نمی‌کند. دادگاه نتیجه‌گیری کرد که «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» را می‌توان هم‌زمان قربانی جرم سربازگیری غیرقانونی و نیز مجرم در نظر گرفت. با وجود این که دادگاه قانون اساسی تأیید کرده که «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» را می‌توان در چارچوب نظام عدالت نوجوانان مورد

۱. نگاه کنید به آپتل، «کودکان و پاسخ‌گویی» (Aptel, "Children and Accountability"), ۲۰ و صفحات بعد.

۲. دادگاه قانون اساسی کلمبیا، حکم C-۲۰۳-۲۰۰۵ سال ۲۰۰۵.

پیگرد قرار داد، در عمل تاکنون چنین پیگردی حتا در یک مورد هم رخ نداده است. به علاوه، شناسایی موقعیت قربانی بودن این کودکان در دادگاه قانون اساسی باعث شده که دادگاه پایین‌تری به این تصمیم برسد که قانون عدالت و صلح برای جرایم ارتكابی کودکان جنگ جو صلاحیت کیفری ندارد.<sup>۱</sup> به گفته‌ی یک دادستان کلمبیایی، تأثیر مستقیم و مثبت این رأی این است که دادستان‌ها اکنون می‌توانند فعالانه «کودکان مرتب با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» را با دادن این اطمینان که مورد پیگرد قرار نخواهند گرفت برای شرکت در محاکمه به‌عنوان قربانی دعوت کنند.<sup>۲</sup>

با این‌که گروه‌ها و نیروهای مسلح کودکان را در بسیاری موارد، از جمله در چهار کشور مورد بررسی در این گزارش، به‌طور غیرقانونی به سربازی یا به‌کار می‌گیرند، نباید نتیجه گرفت که آن‌ها به‌طور نظام‌مند در ارتكاب جرایم شرکت داشته‌اند. برای نمونه، در نپال، بحثی درباره‌ی روش رفتار با کودکان متهم به ارتكاب جرم انجام گرفته و برنامه‌ی اقدام ملی برای کودکان و درگیری مسلحانه در ماده‌ی مشخصی می‌گوید: «درباره‌ی تخلف‌های نوجوانان که در زمان مشارکت آن‌ها در نیروها یا گروه‌های مسلح رخ داده، رویه‌های کودک‌پسندی که در کنوانسیون حقوق کودک و دیگر عهدنامه‌های حقوقی بین‌المللی مطرح شده، در پیش گرفته خواهد شد.<sup>۳</sup> باوجوداین، منابع زیادی خاطر نشان کرده‌اند که تا به امروز، با وجود بعضی ادعاها، هیچ مدرکی به دست نیامده که نشان دهد که «کودکان مرتب با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» در ارتكاب نقض حقوق بشر در نپال مشارکت داشته‌اند. این امر ضرورت احتیاط و پرهیز از کلی‌گویی درباره‌ی شرکت «کودکان مرتب با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» در فجایع را نشان

۱. دیوان عالی دادگستری، شعبه‌ی استیناف کیفری، رأی ۲۴ فوریه ۲۰۱۰. این دادگاه رأی داد که شعبه‌ی عدالت و صلح دیوان عالی باراکلی یا در مورد جرایم ارتكابی یکی از اعضای ۳۲ ساله نیروهای دفاع از خود کلمبیا (AUC) - جنگ‌جوی پیشینی که به‌خاطر جرایم ارتكابی پیش از رسیدن به سن قانونی تحت موازین کیفری عدالت و صلح محاکمه می‌شد - صلاحیت ندارد. جنگ‌جوی پیشین به ۶۶ رسته از رویدادهای ناظر بر جنایات‌های جدی (به‌طور عمده اعدام و مشارکت در کشتار بزرگ) اعتراف کرده بود و بعضی از این جرایم را پیش از رسیدن به سن ۱۸ مرتکب شده بود. او در سن ۱۰ سالگی با چند تن از اعضای خانواده اش به بلوک مقاومت تاپرونیای نیروهای دفاع از خود کلمبیا پیوسته بود. دادگاه به این نتیجه رسید که دیوان عدالت و صلح صلاحیت ندارد و نمی‌تواند این پرونده را به نظام عدالت نوجوانان ارجاع کند، چون جنگ‌جوی پیشین دیگر بیش از ۲۱ سال داشت و از حدّ سنی برای صلاحیت نظام عدالت نوجوانان گذشته بود.

۲. مصاحبه با پاتریشیا هراندز، دادستان عدالت و صلح، کلمبیا، ۵ مه ۲۰۱۰.

۳. نپال، «برنامه اقدام ملی» («National Plan of Action»)، بخش ۱-۳.

می‌دهد؛ این کلی‌گویی ننگی را که هم‌اینک گریبان‌شان را گرفته، به‌ویژه در زمینه‌ی بازپذیری، تقویت می‌کند.

پژوهش‌های ما آشکار کرده که در کلمبیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، لیبیا یا نپال، «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» خود از موقعیت مبهم‌شان آگاه هستند و ترس از پیگرد آن‌ها را از به‌پیش آمدن و بیان روایت‌شان نگران کرده است. سازوکارهای عدالت در دوره‌ی گذار، به‌ویژه کمیسیون‌های حقیقت، می‌توانند ابزار مفیدی در رفتار با کودکانی باشد که - گاهی در شرایط اجباری - در ارتکاب جرم شرکت داشته‌اند. این گونه سازوکارها می‌توانند فضایی را برای پذیرش عمیق‌تر فراهم کنند و نه تنها به مسوولیت این کودکان بل که مسوولیت خانواده‌ها و جوامع‌شان و شرایط منجر به ارتباط آن‌ها با گروه‌های مسلح در وهله‌ی اول بپردازند.

\*\*\*

پیگرد جرایمی که کودکان در آن‌ها قربانی بوده‌اند - از جمله کودکانی که نیروها یا گروه‌های مسلح سربازگیری کرده‌اند ولی نه فقط آن‌ها - در بهترین شرایط گاهی رخ می‌دهد. توجه دادگاه بین‌المللی جزایی در محاکمه توماس لوبانگا از نظر جلب توجه به مسأله‌ی سربازگیری و به‌کارگیری کودکان در درگیری‌ها مهم و تحول‌خوبی است. باوجوداین، به مشکلات مربوط به پیگرد موارد مربوط به قربانیان کودک نباید کم بها داد. دغدغه‌های تدارکاتی و امنیتی در رفتار با شاهدان و قربانیان جوان‌تر چندین برابر می‌شود و به‌طور معمول مشارکت پدران و مادران و اولیاء را در فرایند ضروری می‌کند. دادستان‌ها گاهی تمایلی به پذیرش این پرونده‌ها ندارند، زیرا نگران هستند که اعتبار شهادت کودکان به‌اندازه‌ی شاهدان دیگر نباشد. این عوامل به کاهش اولویت چنین پرونده‌هایی کمک می‌کند. بنابراین، مهم است که مسوولان پیگرد و اداره‌های دادگستری، هم در سطح ملی و هم بین‌المللی، اولویت لازم را به پرونده‌های مربوط به قربانیان کودک بدهند و آن‌ها را به خاطر مشکلات متصور نادیده نگیرند.

باوجوداین، محاکمه‌های کبفری نمی‌توانند تمام پاسخ‌ها را ارائه کنند و تمام نیازهای قربانیان کودک، خانواده‌ها و جوامع آن‌ها را تأمین کنند. هم‌چنان‌که تحقیق ما درباره‌ی پیامدهای پرونده لوبانگا نشان می‌دهد، محاکمه‌های کبفری همیشه به پیروزی‌های ناب نخواهد انجامید.

## ۵. کودکان و غرامت

بر اساس حق قربانیان نقض فاحش حقوق بشر و جنایت‌های جنگی برای دریافت غرامت، که در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، غرامت به معنای گام‌هایی است که برای شناسایی حقوق، زیان‌ها و مسوولیت به نفع مستقیم قربانیان نقض فاحش حقوق بشر برداشته می‌شود.<sup>۱</sup> ترکیبی از اقدامات مادی و نمادین که به قربانیان نقض حقوق بشر در ظرفیت فردی و جمعی آن‌ها عرضه می‌شود، هم‌زمان روشی برای رسیدگی به نیازهای قربانیان و نیز پذیرش مسوولیت دولت برای جبران خسارت و زیان آن‌هاست.<sup>۲</sup> با تشخیص این‌که عرضه‌ی غرامت به دستور دادگاه نقش مهمی در بعضی وضعیت‌ها هم‌چون جمهوری دموکراتیک کنگو، بازی می‌کند، در این بخش به طراحی و اجرای برنامه‌های اداری تأمین غرامت برای توجه به نقض حقوق بشر گسترده می‌پردازیم.

«رهنمودهای سال ۲۰۰۵ درباره‌ی عدالت در مسایل شامل کودکان قربانی و شاهد جنایت»<sup>۳</sup> مشخص می‌کنند که کودکان قربانی از حق دریافت غرامت برخوردارند. این حق که در ماده‌ی ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک بیان شده، از طرف‌های دولتی عضو می‌خواهد تمام اقدامات مناسب را برای پیشبرد بهبود جسمانی و روانی و بازپذیری اجتماعی قربانیان کودک را در محیطی که بهداشت، احترام به خود و کرامت کودک

---

۱. مجمع عمومی سازمان ملل، «اصول و رهنمودهای پایه‌ای» ("Basic Principles and Guidelines").  
برای بحث کامل‌تر درباره‌ی غرامت، نگاه کنید به: ماگارل، «غرامت در تئوری و عمل»، (Magarrell, De Greiff, "Reparations in Theory and Practice") و دِ گرایف، *دست‌نامه‌ی غرامت‌ها* (Handbook of Reparations).

۲. ماگارل، «غرامت در تئوری و عمل».

3. Guidelines on Justice in Matters Involving Child Victims and Witnesses of Crime

را پرورش می‌دهد، به عمل آورند.<sup>۱</sup> با وجود این، برنامه‌های تأمین غرامت تا به امروز در پذیرش موارد نقض حقوق بشر علیه کودکان ناهماهنگ عمل کرده‌اند؛ بعضی از این برنامه‌ها فقط به نقض حقوق پدران و مادران آن‌ها که تأثیر غیرمستقیم بر کودکان دارد توجه داشته‌اند، و بعضی دیگر به ردیفی از موارد نقض حقوق بشر که کودکان از سر گذرانده‌اند. بیش‌ترین برنامه‌های تأمین غرامت تنها نسبت کوچکی از نقض فاحش حقوق بشر را که پسران و دختران مستقیم تحمل کرده‌اند، در نظر می‌گیرند.<sup>۲</sup> «قصور از پذیرش جنایت‌هایی که مستقیم بر جسم و روان آن‌ها انجام شده می‌تواند بازتاب برداشت‌های نادرست از کودکان به‌عنوان عاملان سیاسی و دازنده‌گان حق باشد.»<sup>۳</sup> در راه به سوی جلو، مهم است که برنامه‌های تأمین غرامت کودکان را به‌عنوان دارنده‌گان حق که به خاطر آسیب‌پذیری‌شان قربانی نقض مشخص حقوق بشر بوده‌اند بپذیرند و در عین حال از آن‌ها حمایت ویژه به عمل آورند. براساس نتیجه‌ی ارزیابی ما، این بخش به بررسی بعضی از عناصر کلیدی برنامه‌ی تأمین غرامت حساس به کودک می‌پردازد.

### اهمیت غرامت‌های کودک محور

غرامت‌ها برای دادن این پیام به قربانیان - و به جامعه بزرگتر - حیاتی هستند که زیان‌های آن‌ها نقض فاحش حقوق آن‌ها بوده و دولت تعهد می‌کند در حرکت به جلو این حقوق را حفظ کند.<sup>۴</sup> در مواردی که کودکان هدف حمله قرار داشته‌اند، غرامت‌ها به‌ویژه به‌عنوان روشی برای دادن این علامت که روش‌های گذشته دیگر تحمل نخواهد شد مهم هستند و به این ترتیب به کودکان و جوانان کمک می‌کنند که درکی از نقش و جایگاه آینده‌ی خود را در جامعه براساس حقوق و نه خشونت برگزینند.

در بسیاری از موارد، درگیری یا نقض حقوق بشر، آموزش کودک را مختل و ساختار حمایتی خانواده او را از بین می‌برند و به این ترتیب، شرایطی را ایجاد می‌کنند که کودکان به سن حتی هشت سال مجبور به مراقبت و نگه‌داری از خواهران و برادران کوچک‌ترشان

۱. کنوانسیون حقوق کودک.

۲. نگاه کنید به جدول مشروح نقض حقوق مد نظر کمیسیون‌های حقیقت و برنامه‌های تأمین غرامت، مازورانا و کارلسون، «غرامت‌ها»، (Mazurana and Carlson, "Reparations") ۱۸۰.

۳. همان، ۱۸۵.

۴. ماگاریل، «غرامت در تئوری و عمل»، و نیز دِ گرایف، دست‌نامه‌ی غرامت‌ها

می‌شوند. ممکن است بزرگ‌سالان پیش از آغاز درگیری از آموزش و کارآموزی بهره‌مند شده باشند و در وضعیت بهتری برای دست یافتن به معیشت پایدار برخوردار باشند. در مقایسه، کودکان در بسیاری موارد چیزی برای بازگشت به آن ندارند؛ بنابراین، یکی از پیامدهای جدی نقض فاحش حقوق بشر فرصت‌های ازدست‌رفته است. این پدیده در ایتوری در شمار افزوده‌ی کودکان کارگردر معادن پس از جنگ بازتاب دارد. آن‌ها که به‌عنوان «کودکان سرپرست خانواده» شناخته می‌شوند، در تقیای حمایت از خانواده‌شان هستند.<sup>۱</sup> آن‌ها ساعت‌های طولانی کار می‌کنند، در معرض بیماری و مواد سمی هستند و هیچ وقت و نیرویی برای رفتن به مدرسه یا کارآموزی برای فراهم شدن امکانات بیش‌تر کاری در آینده ندارند.

خشونت جنسی مثال دیگری از خشونتی است که می‌تواند تأثیر متفاوت و بلندمدت بر قربانیان جوان بگذارد. پسران و دختران قربانی خشونت جنسی در مقایسه با قربانیان مسن‌تر از پیامدهای متفاوتی رنج می‌برند. در جوامع مردسالار دختران به‌ویژه با گرفتاری بیش‌تری روبرو هستند، زیرا ازدست‌دادن بکارت برای دختر ممکن است مانع ازدواج او و محرومیت از همسریا مادر شدن و به دست آوردن موقعیت اجتماعی همراه با آن، از جمله دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و مالکیت، شود.<sup>۲</sup>

بنابراین، بررسی خشونت و پیامدهای آن برای فراهم کردن مجموعه‌ای از غرامت‌ها ضروری است تا در بیش‌ترین حد تأمین جبران برای پیامدهای فوری و بلندمدت خشونت علیه کودکان را فراهم کند.

### تعیین گیرنده‌گان غرامت

در شرایط پس‌ادگرایی و پس‌استبدادی که شمار قربانیان نقض فاحش حقوق بشر به هزاران یا صدها هزار تن بالغ می‌شود، یکی از مشکلات برنامه‌های تأمین غرامت شناسایی افراد واجد شرایط دریافت غرامت است. کودکان و جوانان به‌طور معمول در میان قربانیان شدید درگیری‌های مسلحانه یا خشونت سیاسی هستند، از جمله - ولی نه فقط - آن‌هایی که به‌عنوان جنگ‌جویان مسلح در درگیری شرکت دارند. دادخواهان

۱. مصاحبه با روزنامه نگار، فورسه و بو مُنگوالو، بونیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، ۲۷ آپریل ۲۰۱۰.

۲. مازورانا و کارلسون، «غرامت‌ها»، ۱۷۱.

عدالت در دوره‌ی گذار و حقوق کودکان به‌طور معمول می‌توانند در هم‌کاری مفیدی از پوشش برنامه‌ی تأمین‌گرامت به تعدی‌های علیه کودکان اطمینان حاصل کنند. این کار را می‌توان با پرسیدن سؤال‌های درست (درباره‌ی ماهیت و پیامدهای تعدی‌های مربوط به کودکان و جوانان)، ارائه‌ی اسناد تعدی‌ها (از طریق نهادهای حمایت از کودکان که این‌گونه اسناد را ثبت می‌کنند) و پیشنهاد شکل‌های احتمالی غرامت انجام داد.

«مشکل این‌جاست که در ایتوری همه قربانی هستند»

-- نماینده دادگاه بین‌المللی جزایی، جمهوری دموکراتیک کنگو، ۲۸ آپریل ۲۰۱۰

تعدی‌های مشابه ممکن است بر کودکان تأثیر متفاوتی از بزرگ‌سالان بگذارند. بعضی از تعدی‌هایی که برنامه‌ی تأمین‌گرامت برای بزرگ‌سالان حساس نمی‌داند باید در فهرست تعدی‌های علیه کودکان گنجانده شوند. برای نمونه، حبس به تنهایی ممکن است به عرضه‌ی غرامت به بزرگ‌سالان نیانجامد، اما حبس کودکی به همراه پدر یا مادری یا ولی او می‌تواند به آسیب جدی روانی و ازدست‌رفتن فرصت‌هایی مثل دسترسی به آموزش بیانجامد. از کنوانسیون حقوق کودک باید به همراه موازین دیگر حقوق بشر به‌عنوان راهنمای تعیین نقض حقوق و براساس آن برای تعیین غرامت برای کودکان استفاده کرد. باوجوداین، در اشاره به کودکان به‌عنوان قربانی مهم است که از کلی‌گویی یا نفی حس پویایی آن‌ها پرهیز شود و توانایی آن‌ها برای رهبری اجتماعی، به‌ویژه زمانی که جوانان بالغی شده‌اند، مورد تأیید قرارگیرد.

از میان چهار کشور در این ارزیابی، تنها کلمبیا دارای برنامه‌ی تأمین‌گرامت‌های اداری است که به‌طور مشخص کودکان را به خاطر تعدی ناشی از «سربازگیری غیرقانونی کودکان» به‌عنوان قربانیان اصلی به حساب می‌آورد.<sup>۱</sup> این دستاورد نتیجه‌ی مداخله‌ی مؤثر فعالان حمایت از کودکان در کمیسیون غرامت‌ها و آشتی است (CNRR). بنابراین، فشار موفق کارشناسان حمایت از کودکان و عدالت در دوره‌ی گذار می‌تواند تأثیر مهمی بر تنظیم برنامه‌ی تأمین‌گرامت بگذارد.

برخلاف کلمبیا، که تلاش‌های دادخواهی به گنجاندن کودکان به‌عنوان قربانیان اصلی انجامیده، برنامه‌ی امداد در نپال هیچ خشونت مشخصی را که باعث حق دریافت مزایا

۱. وزارت کشور و دادگستری، فرمان شماره ۱۲۹۰.

برای کودکان بشود عنوان نکرده است. کودکان تنها در صورتی واجد شرایط دریافت مزایا هستند که پدر و مادران‌شان قربانی محسوب شوند.<sup>۱</sup> برنامه‌ی کنونی در نپال به‌عنوان امداد توصیف می‌شود و نه به‌عنوان غرامت، در اصل به این دلیل که این برنامه هیچ تأیید رسمی در مورد آسیب وارد شده دربرندارد، بل که به‌عنوان کمک بشردوستانه عرضه می‌شود. باوجوداین، درس‌های متناسبی را می‌توان از این تجربه گرفت که می‌تواند در زمان اجرای برنامه‌ی غرامت در نپال، به آن کمک کنند، هم‌چون ضرورت رسمی‌کردن و در دسترس قرار دادن فرایند ثبت نام قربانیان.

کمسیون حقیقت و آشتی لیبریا برنامه‌ی غرامتی پیشنهاد کرد که هنوز به اجرا درنیامده است.<sup>۲</sup> این برنامه خواهان تعیین مقررات ویژه‌ای برای بعضی گروه‌ها شد، مثل گروه‌هایی که در برنامه‌های پسادرگیری خاص کودکان «از میان شکاف‌های آن» بیرون افتاده‌اند.<sup>۳</sup> برای نمونه، این مقررات شامل کسانی می‌شود که در فرایند «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» شرکت نکردند، و نیز دخترانی که قربانی خشونت جنسی بودند، کودکانی که از پدر و مادرشان جدا شدند، کودکانی که دچار آسیب شدید روانی شده‌اند و کودکانی که با مشکلات مربوط به بازپذیری اجتماعی روبرو هستند.<sup>۴</sup>

بحث درباره‌ی غرامت‌ها در جمهوری دموکراتیک کنگو هنوز راه زیادی در پیش دارد، اما نیازهای زیادی وجود دارد. کودکانی که نتیجه‌ی تجاوز هستند، به‌ویژه آن‌هایی که پدران‌شان گویا از اعضای ارتش‌های اوگاندا و رواندا هستند ولی نه فقط آن‌ها، دسته‌ی دیگری از قربانیان به‌ویژه آسیب‌پذیر هستند. این کودکان که مادران‌شان اغلب به

۱. آن گونه که در سند‌های سیاست‌گذاری دولت اظهار شده است: «اقدامات حمایت مالی و امداد به قربانیان درگیری» بر اساس تصمیم کابینه به تاریخ ۲۵ آوریل ۲۰۰۸؛ «رهنمودهایی برای تأمین امداد به اشخاص ذینفع و درگذشته بر اساس تصمیم کابینه به تاریخ ۵ اکتبر ۲۰۰۸؛ «رهنمودهایی برای تأمین امداد به اشخاص ذینفع و درگذشته بر اساس تصمیم کابینه به تاریخ ۱۲ ژانویه ۲۰۰۹.

۲. در زمان نگارش، بحث‌های اولیه درباره‌ی اشخاص واجد شرایط به‌عنوان قربانی برای دریافت غرامت در لیبریا در جریان است. رئیس جمهوری ایلن جانسون سیرلیف در نامه‌ای رسمی به تاریخ ۲۷ آگوست ۲۰۱۰ به رئیس مجلس نماینده‌گان درباره‌ی پیشرفت توصیه‌های کمسیون حقیقت و آشتی اظهار کرد که همه می‌توانند قربانی به‌شمار روند و «تأمین غرامت به افراد، با توجه به هزینه‌ی گزاف غیرممکن است.» او نوعی «غرامت اجتماعی» را پیشنهاد کرد.

۳. کمسیون حقیقت و آشتی لیبریا، کودکان، ۱۰۸.

۴. همان.



حاشیه‌رانده شده‌اند، گویا در تبعیض و فقرزنده‌گی می‌کنند.<sup>۱</sup>

در تعیین این‌که کدام کودکان واجد شرایط دریافت غرامت هستند، شکاف بین کودکان و جوانان مشکلات اضافی ایجاد می‌کند. تحقیق در کلمبیا به این نتیجه رسید که کودکان و کسانی که با آن‌ها فعالیت می‌کنند به زمان نیاز دارند تا درک کنند که واجد شرایط دریافت غرامت هستند و برای درخواست آن بسیج شوند. مهلت درخواست‌ها باید به میزان کافی طولانی باشد تا کودکان قربانی وقت اطلاع از حق دسترسی به مزایا را داشته باشند و درخواست‌شان را ارائه کنند.

علاوه بر این، برای توجه به پیامدهای مشخص و پایدار تعدی‌های علیه کودکان، واجد شرایط بودن باید بر اساس موقعیت شخص به‌عنوان کودک در زمان وقوع تعدی باشد نه بر اساس سن در زمان ارائه‌ی غرامت‌ها. کسانی که در زمان وقوع تعدی‌ها مسن‌تر هستند گاهی ممکن است بیش از همه نیازمند باشند. باوجوداین، آن‌ها اغلب در خطر حذف شدن از برنامه‌ی تأمین غرامت قرار دارند. «پژوهش‌هایی که آثار جرایم فاحش و نقض حقوق را طی درگیری مسلحانه بر جوانان در سن‌های مختلف مقایسه می‌کنند، به این نتیجه می‌رسند که کودکان بازمانده‌ی مسن‌تر از لحاظ سلامت جسمانی، سلامت روانی، توانایی بازستاندن فرصت‌های لازم اقتصادی برای زیست و توانایی بازستاندن فرصت‌های ازدست‌رفته‌ی آموزشی، اغلب در وضعیت بدتری از کودکان کم‌سن‌وسال‌تر هستند.»<sup>۲</sup>

## تعیین نوع مزایا

گستره‌ی غرامت‌ها از انواع مادی -- مقرری، پرداخت نقدی، شرایط ویژه برای دسترسی به آموزش یا خدمات مراقبت درمانی، امکانات معیشتی، کارآموزی، ساختن مراکز اجتماعی در محله -- تا انواع نمادین آن -- عذرخواهی عمومی، یادبود -- و از فردی تا جمعی را دربرمی‌گیرد.<sup>۳</sup> در عمل دیده شده که مؤثرترین برنامه‌ها آن‌هایی هستند که مخلوطی از مزایا را برمی‌گزینند. تأمین غرامت برای کودکان، در وضعیت مطلوب، باید از

۱. کارپنتر، متولد در جنگ (Carpenter, Born of War).

۲. مازورانا و کارلسون، «غرامت‌ها»، ۱۸۶.

۳. نگاه کنید به: ماگارل، «غرامت در تئوری و عمل».

طریق ترکیبی از حمایت روانی- اجتماعی، خدمات بهداشتی و آموزش یا کارآموزی «به کلیت شخص (ذهن، بدن، دست)» بپردازد.<sup>۱</sup>

هم در کلمبیا و هم در نپال که برنامه‌های کمک یا امداد دولتی در جریان هستند، مزایا به شکل پرداخت‌های یک‌جای نقدی است. در کلمبیا، برنامه‌ی تأمین غرامت برای پرداخت مبالغ یک‌جا، از ۵۰۰۰ دلار تا ۹۰۰۰ دلار، به قربانیان بازمانده و اعضای خانواده‌های اشخاص کشته و ناپدیدشده طراحی شده است. پرداختی برای شکنجه، جراحات جسمانی و روانی بدون نقص دائمی عضو، جرایم علیه آزادی و سلامت جنسی و سربرازگیری غیرقانونی نوجوانان در حدود ۶۷۵۰ دلار است. پرداختی بابت ترور، ناپدیدشدن قهری و جراحات منجر به نقص دائمی عضو ۹۰۰۰ دلار است. کودکان قربانی سربرازگیری غیرقانونی پس از رسیدن به سن ۱۸ غرامت را دریافت خواهند کرد. از پیچیده‌گی‌های مربوط به معمای کودکان مجرم این است که پرداخت غرامت به کودکان قربانی سربرازگیری اجباری مشکل‌ساز و برای کودک و کسانی که قربانی او بوده‌اند اغتشاش‌آور است. به گفته‌ی روانشناسی کلمبیایی که مدیر سازمان غیردولتی فعال با کودکان ترخیص شده است، این کار «پیامی متناقض می‌دهد: توبه جنگ رفتی، جنگ راترک کردی و حالا من به تو پول می‌دهم.»<sup>۲</sup> او این نکته‌ی خود را با بیان مثال دختری توضیح داد که از او پرسیده بود، چرا او برای آسیب رساندن به دیگران، ۱۱ میلیون پزو (۵۵۰۰ دلار) دریافت می‌کند.<sup>۳</sup>

شاید پرداخت‌های نقدی، به‌ویژه وقتی مبالغ یک‌جا پرداخت می‌شود، از لحاظ اداری آسان‌ترین کار باشد، اما ممکن است مطلوب‌ترین شکل ارائه‌ی غرامت به کودکان و جوانان نباشد. شکل‌های دیگر ارائه‌ی غرامت، به‌ویژه دسترسی به برنامه‌های آموزشی یا کارآموزی سریع‌تر، به همراه حمایت روانی- اجتماعی، را باید به‌عنوان جایگزینی نیروبخش‌تر مورد بررسی قرار داد. اقدامات امدادی در نپال، علاوه بر مبلغ یک‌جا، بورس برای کودکان اشخاص کشته یا ناپدیدشده در درگیری را نیز دربرمی‌گیرند. تحت این برنامه، حداکثر سه فرزند اشخاص کشته‌شده، ازکارافتاده و ناپدیدشده تا سن ۱۸ سال واجد شرایط دریافت بورسی از ۱۰۰۰۰ تا ۱۴۰۰۰ روپیه نپال (۱۳۶ تا ۱۹۱ دلار) در سال

۱. تینک، «غرامت با نظر به کودکان» (THINK, "Reparation in the Context of Children").

۲. مصاحبه با استلا ماریا دوک، مدیر تالر د ویدا، ۲۶ آپریل ۲۰۱۰.

۳. همان.

هستند.<sup>۱</sup>

بعضی از پژوهش‌ها درباره‌ی برنامه‌های تأمین غرامت نشان می‌دهند که مبالغ یک‌جا تأثیر جبرانی کمتری از شکل‌های مزایای ادامه‌دار دیگر، مثل مقرری یا دسترسی به خدمات بهداشتی، دارند.<sup>۲</sup> خطر پرداخت مبالغ یک‌جا این است که به‌عنوان قیمت درد و رنج به حساب آیند و به این مفهوم همیشه کمتر از انتظار هستند. در بعضی از موارد، پرداخت مبالغ یک‌جا ممکن است باعث پرخرجی یا سوءاستفاده شود و مشکلاتی در خانواده یا جامعه به‌بار آورد. این تأثیر، به‌ویژه در جوامع فقیرروستایی که ورود ناگهانی پول نقد برای همه آشکار است، ممکن است تفرقه‌آمیز باشد. در کانادا که «پرداختی تجربه مشترک»<sup>۳</sup> به‌عنوان شکلی از غرامت به افراد ثبت شده در مدارس مسکونی سرخ‌پوستان پرداخت شد، ارزیابی از تأثیر پرداخت‌ها پیامدهای منفی پرداخت یک‌جا را نشان می‌دهد. به‌گفته‌ی یکی از بازمانده‌گان، دریافت این مبلغ به اختلاف‌هایی در خانواده‌ی او انجامید، زیرا همه سهمی از پول می‌خواستند. «وقتی من سهم غرامتم را دریافت کردم، تأثیر آن به‌واقع بر خانواده‌ام منفی بود؛ گرچه می‌توانستم برای خودم چیزهایی بخرم. از فقر بیرون آمدم. احساس کردم که این وضع باعث جدایی و حسادت بیش‌تر و احساسات منفی در خانواده‌ام و مردم محلی شده است.»<sup>۴</sup>

در مورد کودکان، آثار منفی احتمالی پرداخت مبالغ یک‌جا بزرگ می‌شود. پول اغلب به دست پدران و مادران می‌رسد که آن را برای خودشان و نه کودک استفاده می‌کنند.<sup>۵</sup> در نپال که خواهان، کودک شخصی ناپدیدشده یا مرحوم است، سرمأمور بخش این پول را به نام کودک در اختیار ولایت قانونی یکی از خویشان نزدیک او قرار می‌دهد. کودک

۱. این کمک شامل ۱۰۰۰۰ روپیه‌ی نپال (۱۳۶ دلار) در سال برای سطح مقدماتی و ابتدایی، ۱۲۰۰۰ روپیه‌ی نپال (۱۳۶ دلار) در سال برای سطح پایینی متوسطه، ۱۴۰۰۰ روپیه‌ی نپال در سال (۱۹۱ دلار) برای سطح متوسطه، و ۱۶۰۰۰ روپیه‌ی نپال (۲۱۸ دلار) در سال برای سطح بالایی متوسطه و آموزش عالی است. به همین ترتیب، بر اساس رهنمودهای ملی برای آواره‌گان ۲۴۰۰ روپیه‌ی نپال (۳۳۰ دلار) در سال کمک آموزشی به کودکان اشخاص آواره‌ی داخلی تعلق می‌گیرد.

۲. برای نمونه، *ابزار حاکمیت قانون برای کشورهای پیسادگریری: برنامه‌های غرامت (Rule of Law Tools for Post-Conflict States: Reparations Programmes)*، ۳۱.

### 3. Common Experience Payments

۴. بنیاد بهداشت بومیان، *مدارس مسکونی سرخ‌پوستان (Indian Residential Schools)*، ۵۴.

۵. هم‌چنین نگاه کنید به: گلدبلات، «ارزیابی محتوای جنسیتی غرامت‌ها» (Goldblatt, "Evaluating the Gender Content of Reparations").

می‌تواند پس از رسیدن به سن ۱۶ به پول دست پیدا کند. اما در شرایط اضطراری، کودک می‌تواند پول را با تأیید سرمأمور بخش زودتر دریافت کند. یکی از مشکلات این روش این است که بیش‌تر کودکان از دانش مالی - آگاهی از برنامه‌ریزی و مدیریت پول - بی‌بهره‌اند و در بسیاری از نقاط به حساب بانکی یا مکان امنی برای نگه‌داری پول دسترسی ندارند. پژوهش‌های مربوط به تأثیر دادن مبلغ نقد به کودکان در برنامه‌های «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» نشان می‌دهد که اعضای خانواده یا فرماندهان ممکن است به کودکان برخلاف میل آن‌ها برای شرکت در این گونه برنامه‌ها فشار وارد آورند تا بزرگ‌سالان بتوانند از پول استفاده کنند.<sup>۱</sup> ممکن است بین کودک و پدر و مادرش در مورد روش استفاده از پول اختلاف رخ دهد. این موضوع به‌ویژه برای دختران در هنگام بازگشت از نبرد مشکل‌ساز است، چون آن‌ها نظر خود را درباره‌ی روش استفاده از پول دارند و برخلاف انتظار سنتی حاضر به اطاعت از پدر و مادرشان نیستند. این اختلاف در لیبریا دیده شده که دختران به‌عنوان بخشی از برنامه‌ی پایان بسیج ۳۰۰ دلار دریافت کرده‌اند که تأثیر منفی بر بازپذیری آن‌ها در خانواده داشته است.<sup>۲</sup> از بعضی از این مشکلات می‌توان با توزیع پول در مبالغ کمتر و طی زمانی طولانی‌تر پرهیز کرد. روش جایگزین می‌تواند به این شکل باشد که در موارد اضطراری ابتدا مبلغی به‌عنوان حرکتی مشخص برای تأیید قربانیان پرداخت شود و سپس برنامه با مقرری یا روش بلندمدت دیگری ادامه پیدا کند. هدف از عرضه‌ی غرامت باید کمک به کودکان تأثیرگرفته از درگیری برای گردآوری لوازم، منابع و حمایت مورد نیاز برای زنده‌گی مولد آتی و، برای مثال، جبران سال‌های ازدست‌رفته‌ی مدرسه برای نمونه از طریق برنامه‌های شتاب‌یافته‌ی آموزشی باشد. در این زمینه، پرداخت‌های پولی ممکن است مؤثرترین روش کمک به کودک قربانی نباشد. برنامه‌ی تأمین غرامت برای کودکان قربانی به‌طور مطلوب باید هدف تأثیر درازمدت بر رفاه شخص را دنبال کند.

مشارکت در فرایند مشورت با کودکان قربانی و جوامع آن‌ها با پس‌زمینه‌های گوناگون برای درک بهتر از پیامدهای تعدی‌های وارد بر آن‌ها، به اطمینان یافتن از برنامه‌ی مؤثرتر کمک می‌کند. این مشورت‌ها را می‌توان از طریق نهادهای حمایت از کودکان و سازمان‌های

۱. یونیسف، خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری (UNICEF, Disarmament, Demobilization and Reintegration)

۲. مک‌کی و دیگران، «دختران» (McKay et al., "Girls"). ۴.

غیردولتی که با کودکان در سطح ملی و محلی فعالیت می‌کنند، ترتیب داد و از جمله به نوع مزایای مناسب برای کودکان قربانی در چارچوب فرهنگی مشخص توجه نشان داد.<sup>۱</sup> یکی دیگر از مشکلات اصلی شناسایی نوع درست مزایا برای شخصی است که در کودکی دچار نقض حقوق بوده ولی در زمان عرضه‌ی غرامت‌ها بزرگ‌سال است.<sup>۲</sup>

### تأمین بودجه‌ی غرامت‌ها و توزیع آن‌ها

تأمین مالی یکی دیگر از مشکلات مهم در راه اجرای برنامه‌های تأمین غرامت است. در جاهایی که درخواست‌هایی برای تأمین مالی به منظور ساختن یا بازسازی عناصر اساسی کشور در رقابت هستند، گرایش دولت‌ها به این بحث است که منابع کم‌یاب مالی آن‌ها باید در پروژه‌های آینده‌نگر مورد استفاده قرار گیرد و نه در پروژه‌های گذشته‌نگر. اما، غرامت‌های مؤثر که به فرصت‌های ازدست‌رفته (به‌ویژه آموزش و کارآموزی) می‌پردازند، به‌ویژه در مورد کودکان قربانی، برای حمایت از تحول کودکان و جوانان به اعضای مولد و متعهد جامعه حیاتی است. با وجود این، مشکل تأمین مالی ترکیبی است، زیرا هم‌چنان‌که در بالا گفته شد، برنامه‌ی مؤثر تأمین غرامت برای کودکان و جوانان مخلوطی از مزایای بلندمدت را لازم می‌سازد که به‌احتمالی نیازمند منابع اساسی و نظارت هستند. بنابراین، کلید کار در دریافت و تخصیص مبالغ کافی (از طریق فعالیت‌های دادخواهی) و یافتن روش‌های مقرون به صرفه برای پرداخت غرامت به کودکان، شاید از طریق مشارکت با نهادها یا سازمان‌های حمایت از کودکان، نهفته است.

### سطح و نوع مدارک لازم برای درخواست مزایای غرامت باید در تناسب با مشکلات ویژه‌ی

۱. بعضی از مشکلات ناشی از پیشینه‌ی فرهنگی حتا با مشورت به آسانی قابل بررسی نیست. هم‌چنان‌که در کلمبیا مشاهده شد، با وجود مشورت‌ها، برنامه‌ی تأمین غرامت در توجه به انتظارات گوناگون بعضی از مردمان بومی کشور شکست خورد. کودکی بومی که به او غرامت تعلق می‌گرفت، درخواست کرد که وقتی ۱۸ ساله شد پول را به او بدهند. جامعه‌ی او با پرداخت پول به کودک به جای جامعه مخالف بود و اعلام کرد که سربازگیری کودک توهین به تمامی جامعه بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که بدون مشورت درست و طرحی شامل مزایای مناسب فرهنگی و حساس به‌کودک، خطر بروز دشمنی‌های بیش‌تر در نتیجه‌ی برنامه‌ی تأمین غرامت وجود دارد.

۲. برای نمونه، دادن بورس به فردی ۲۵ ساله برای این‌که با کودکان به مدرسه برود درست نیست. به جای آن، باید برنامه‌های ویژه و سریع آموزشی یا نوع دیگری از عدالت جبرانی برقرار باشد که به لحاظ محتوایی و نیز زمانی و مکانی به نیازهای مردم پوشش دهد. اگر گیرنده‌ی غرامت طی روز کار می‌کند، مدرسه‌ی شبانه بهترین گزینه است.

رویاروی کودکان قربانی باشد تا بر آن‌ها فشار زیاد نگذارد یا مزایا را از دسترس آن‌ها خارج نکند. یکی از مشکلات در این حوزه این است که اسناد اثبات نقض حقوق ممکن است وجود نداشته باشد یا به علت فاصله‌ی زمانی بین وقوع آن و زمان درخواست مزایا از بین رفته باشد. در کلمبیا، با توجه به مشکلاتی که «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» ممکن است برای اثبات ارتباط خود با گروه‌های مسلح یا تعدی‌های دیگر داشته باشند، فرایند این کار ساده شده است. درخواست‌کننده‌گان می‌توانند هر شکل از مدرکی را که دارند، مثل مقاله‌ی روزنامه، گزارش سازمان‌های غیردولتی، گواهی دفتر بازرسی یا اسناد کیفری را ارائه کنند. در صورتی که آن‌ها مدرکی نداشته باشند، کمیته‌ی تأمین غرامت می‌تواند مصاحبه‌ی فردی انجام دهد.

روش توزیع غرامت نیز توجه دقیق را الزامی می‌کند. قربانیانی که در زمان تعدی کودک بوده‌اند، در صورتی که موقعیت‌شان، برای مثال به عنوان «کودک سرباز» یا «همسراجباری»، طی برنامه‌ی تأمین غرامت آشکار شود، ممکن است با داغ ننگ روبرو شوند یا به حاشیه رانده شوند. افراد جامعه ممکن است، به‌ویژه در مورد کودک‌سربازان پیشین، احساس حسادت یا انزجار کنند و حتا فکر کنند که این کودکان به خاطر شرکت در درگیری تشویق می‌شوند. هماهنگی بین برنامه‌ی «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» و برنامه‌های تأمین غرامت می‌تواند به اطمینان از رسیدن برنامه‌های بازپذیری و تأمین غرامت به هدف خود بدون ایجاد تفرقه‌ی بیش‌تر در جامعه کمک کند. <sup>۱</sup> در لیبریا، کمیسیون حقیقت و آشتی این مشکل را تشخیص داد و پذیرفت که راه آسانی برای دادن غرامت با رعایت عدالت نسبت به انتظار قربانیان بدون تمایز بین گروه‌های مختلف کودکان و در نتیجه ایجاد تفرقه بین آن‌ها وجود ندارد. <sup>۲</sup> کمیسیون حقیقت و آشتی توصیه کرد که هرتلاش تأمین غرامت در سطح ملی «نیازهای پسادرگیری تمام کودکان را در نظر بگیرد» و «مطلوب آن است که هر برنامه‌ی تأمین غرامت به جای جداکردن کودکان به صورت فردی، کلیت جوامع و کودکان را به عنوان یک گروه هدف خود قرار دهد». <sup>۳</sup>

۱. نگاه کنید به: دوتی و اشیکت، «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» (Duthie and Specht, "DDR").

۲. کمیسیون حقیقت و آشتی، کودکان، ۱۰۷.

۳. همان.

## ۶. اصلاحات نهادی

یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی عدالت در دوره‌ی گذار، اصلاحات نهادی است که به فرایند بازنگری و بازسازی نهادهای کشور می‌پردازد تا به حقوق بشر احترام بگذارند، حاکمیت قانون را حفظ کنند و به عناصر سازنده‌ی خود پاسخ‌گو باشند. بحث درباره‌ی اصلاحات نهادی، به‌عنوان بخشی از عدالت در دوره‌ی گذار، به‌طور کلی به نهادهای دولتی عامل در نقض حقوق بشر هم‌چون پلیس، ارتش و قوه قضاییه توجه دارد. برنامه‌های «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» جزء مهمی از اصلاحات بخش امنیتی و نیز اصلاحات نهادی به‌طور کلی هستند.<sup>۱</sup> در بحث زیر، نمونه‌هایی از تجربه‌ی «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» عرضه شده است. فرایند «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری»، به‌عنوان اولین گام در اصلاح بخش امنیتی، در ترسیم خطوط روشن بین غیرنظامیان و نظامیان و به این ترتیب ایجاد بنیادی برای صلح پایدار، گامی کلیدی به‌شمار می‌رود.

اصلاح بخش امنیتی تأثیر مستقیمی بر کودکانی دارد که با گروه‌ها یا نیروهای مسلح در ارتباط بوده‌اند: «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح». تجربه‌ی به‌دست آمده از برنامه‌های «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» درس‌های مفیدی درباره‌ی ضرورت حساسیت در هنگام کنش با کودکان قربانی شده و برنامه‌ریزی برای

۱. برای بحثی درباره‌ی عناصر مختلف اصلاحات نهادی، از جمله «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری»، نگاه کنید به مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی، «اصلاحات نهادی» (ICTJ, "Institutional Reform"). برای بحثی درباره‌ی ارتباط بین «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» و عدالت در دوره‌ی گذار، نگاه کنید به پاتل، دِ گرایف و والدورف، *خلع سلاح گذشته* (Patel, de Greiff, and Waldorf, *Disarming the Past*).

آن‌ها به دست می‌دهد.<sup>۱</sup>

نمونه‌ای چشمگیر در نپال یافت می‌شود که فرایند «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» به «رَد صلاحیت» اشخاصی که در زمان پیوستن به گروه‌های مسلح نوجوان بوده‌اند، منجر شده است. از آنجا که بین زمان تشخیص ۲۹۷۳ تن به‌عنوان نوجوان در سال ۲۰۰۷ و تکمیل شدن ترخیص رسمی این گروه در سال ۲۰۱۰، تأخیری دو ساله بود، ۸۳ درصد آن‌ها در زمان ترخیص دیگر نوجوان نبودند.<sup>۲</sup> بسیاری از آن‌ها، از هر دو جنسیت، امیدوار بودند در ارتش نپال بازپذیرفته شوند و شغلی را در بخش امنیتی ادامه دهند. باوجوداین، صلاحیت آن‌ها رَد شد و آن‌ها به‌طور نظام‌مند از خدمت در ارتش محروم شدند. این موضوع در دو سطح مشکل‌ساز است: اول، انتخاب واژه‌ی «رَد صلاحیت» و معادل آن به زبان نپالی اشاره به نوعی سوءرفتار یا بی‌کفایتی داشت. دوم و مهم‌تر، رَد صلاحیت نظام‌مند و خودکار «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» به معنای «قربانی شدن دوگانه‌ی» این اشخاص است. حقوق آن‌ها به‌عنوان کودکان قربانی سربازگیری غیرقانونی نقض شده است؛ و اکنون علیه آن‌ها به علت ارتباط با گروه‌های مسلح در کودکی تبعیض اعمال می‌شود. به این ترتیب، موقعیت آن‌ها به‌عنوان قربانی جرم بین‌المللی همان دلیلی است که اکنون باعث رَد آن‌هاست و در نتیجه مورد تبعیض ناعادلانه قرار می‌گیرند. یکی از اشخاص دارای ارتباط نزدیک با این فرایند که در نپال مورد مصاحبه قرار گرفت، این موضوع را تشخیص داد: «بازنده‌گان اصلی در این فرایند نوجوانان شناخته‌شده هستند. گویا روش ما در این موضوع مشکلات بیش‌تری از راه‌حل‌ها ایجاد کرده است.»<sup>۳</sup>

در نتیجه‌ی سرخورده‌گی اخیر در زمینه‌ی رَد صلاحیت خودکار افراد سربازگیری شده در نوجوانی، بعضی از جوانان گروه‌های جدید فشار تشکیل داده‌اند و در بعضی موارد حمله‌های خشونت‌آمیزی را دامن زده‌اند (به‌ویژه به دفتر سازمان ملل در مناطق روستایی

۱. در مورد «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح»، درست‌تر این است که به جای واژه‌ی «پایان بسیج نظامی» از واژه‌ی «ترخیص» استفاده کنیم، زیرا بسیاری از آن‌ها همیشه مسلح نیستند و نمی‌توان از لحاظ فنی به بسیج نظامی آن‌ها پایان داد، چون در وهله‌ی اول سربازگیری آن‌ها به‌عنوان سرباز غیرقانونی بوده است.

۲. مصاحبه با دفتر کمیساری عالی پناهنده‌گان سازمان ملل و یونسف، فوریه ۲۰۱۱.

۳. مصاحبه با منبع ناشناس E؛ نپال، ۹ فوریه ۲۰۱۱.



کشور). هم‌چنان‌که در این نمونه تأکید شد، اصلاح بخش امنیتی باید به دغدغه‌ها و خواست‌های کودکان و جوانان توجه کند تا گذار در حد امکان آرام انجام‌گیرد. جوانان سرخورده، اگر بیرون از معادله بمانند، می‌توانند فرایند شکننده‌ی صلح را بی‌ثبات کنند.

کارکرد مهم و ثبت‌شده‌ی «خلع‌سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» اهمیت توجه جنسیتی صریح به نیازهای «بین‌بخشی» دختران، با حساسیت ویژه به شرایط و عوامل فرهنگی را نشان می‌دهد. برنامه‌های «خلع‌سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» مدتی طولانی جنگ‌جویان را مرد فرض کرده‌اند. این غفلت بارها به کنار گذاشتن جنگ‌جویان زن، نبود امکانات بهداشتی و مراقبت بهداشتی متناسب با جنسیت در اردوگاه‌های «خلع‌سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری»، تبعیض در توزیع مزایای «خلع‌سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» و حتا رد صلاحیت برای برنامه‌هایی مثل کارآموزی - که اغلب برای مردان تنظیم می‌شود - شده است.<sup>۱</sup> در جمهوری دموکراتیک کنگو، برنامه‌ی «خلع‌سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» سال ۲۰۰۴ بدون توجه مشخص به دختران، بیش از ۱۵۰۰۰ جنگ‌جواز جمله ۴۵۲۵ کودک راترخیص کرد.<sup>۲</sup> با وجود این‌که در مصاحبه با کودکان ترخیص‌شده از گروه‌های مسلح آشکار شد که ۴۰-۳۰ درصد از کودکان در واحدهای آن‌ها دختر بودند، فقط ۵ درصد کودکانی که از طریق فرایند رسمی «خلع‌سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» گذشتند دختر بودند.<sup>۳</sup> بیش‌تر کسانی که فرایند «خلع‌سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» را دور زدند و «خودشان مرخص شدند» دختران بودند. در نتیجه، آن‌ها هیچ کمکی برای بازگشت به خانه و پیدا کردن راه بازگشت به زنده‌گی غیرنظامی دریافت نکردند.<sup>۴</sup> توضیحات احتمالی درباره‌ی «خودترخیصی» جنگ‌جویان دختر از این قرار است: پیش‌داوری درباره‌ی برنامه‌ی «خلع‌سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری»، ترس دختران از ننگ ارتباط با گروه‌های مسلح و نگاه فرماندهان به دختران به عنوان «زن» یا اموال متعلق به افسران «شوهر» و نه

۱. آندرلینی و کاناوی، «خلع‌سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری»، ۴.

۲. مصاحبه با منبع ناشناس F؛ جمهوری دموکراتیک کنگو، ۲۶ آپریل ۲۰۱۰. بردآوردهای محلی حکایت از این دارند که در حدود ۱۵۰۰۰ کودک نزد گروه‌های مختلف خدمت کرده‌اند.

۳. ورهی، «دست‌یافتن به دختران» («Verhey, "Reaching the Girls"»)، ۶.

۴. مصاحبه با کارکنان حمایتی مؤسسه‌ی سیو د چیلدرن یو ک (SAVE the Children, UK)، بونیا، ۲۳ آپریل ۲۰۱۰.

کودکانی که بایستی ترخیص شوند.<sup>۱</sup>

تحقیق ما در ایتوری آشکار نشان داد که مشکلات تمام «کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح» در بازپذیری در جوامع خود در مورد دختران تشدید می‌شود.<sup>۲</sup> این مشکلات در وهله‌ی اول از انتظارات فرهنگی از موقعیت دختر در جامعه به‌عنوان وابسته به پدر و مادر یا خانواده‌ی شوهرش ناشی می‌شود. اگر دختری این انتظارات را برآورده نکند، با مشکلات و اتهام «تعلق» به نهادی خارجی روبرو می‌شود.<sup>۳</sup> دخترانی که در گروه‌های مسلح و ادار به همسری مردان می‌شدند، در نتیجه دچار بیگانگی از خانواده می‌شدند. به گفته‌ی یکی از جنگ‌جویان پیشین، «پدر و مادری وجود دارند که نمی‌خواهند کسی بداند که دختران شان سرباز بوده‌اند. بسیاری از این دختران کشته شدند، عده‌ای دیگر به فحشا و الکل گرفتار شدند. در ارتش، آن‌ها همسریا هم‌خوابه‌ی فرماندهان بودند. بعضی از آن‌ها با بچه به خانواده بازگشتند.»<sup>۴</sup> جوامع محلی نسبت به دختران مرتبط با گروه‌های مسلح پیش‌داوری‌هایی داشتند، از جمله این‌که آن‌ها حتما مبتلا به بیماری‌های جنسی هستند، که به اصطلاح شوهرانی که پشت سر گذاشته‌اند ممکن است در پی آن‌ها بیایند و علیه جامعه‌ی محلی دست به خشونت بزنند، و این دختران ممکن است رفتار جنسی «نامناسبی» را در دختران دیگر جامعه‌ی محلی بیانگیزند. دخترانی که با فرزندان خود به خانواده بازمی‌گشتند غیرقابل ازدواج و یا «بی‌ارزش» یا باری بر خانواده‌شان تلقی می‌شدند.<sup>۵</sup> علاوه بر این، شمار چشم‌گیری از دختران را گروه‌های مسلح دشمن - و نه گروه‌های مسلح محلی - ربوده بودند و این موضوع نظریه‌ی «خدمت به دشمن» را تقویت می‌کرد.<sup>۶</sup> رهیافت‌های عدالت در دوره‌ی گذار باید توجه ویژه‌ای به دختران نشان دهند تا نسبت به نقش خاص فرهنگی منسوب به زنان و دختران و پیامدهای ناشی از این هنجارها حساس باشند، اما در عین حال باید مطمئن شوند که تبعیض غیرقانونی را تحکیم نمی‌کنند. در فرایندهای «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری» که مؤلفه‌ای اساسی در اصلاحات نهادی است،

۱. ورهی، «دست‌یافتن به دختران»، ۱۲.

۲. مصاحبه با کارکنان حمایتی مؤسسه‌ی سیو یو ک (SAVE UK)، بونیا، ۲۳ آپریل ۲۰۱۰.

۳. مصاحبه با نماینده‌ی جامعه‌ی انگیتی ایتوری، جمهوری دموکراتیک کنگو، ۲۵ آپریل ۲۰۱۰.

۴. مصاحبه با جنگ‌جوی بزرگ‌سال پیشین (FPRI)، بونیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، ۲۴ آپریل ۲۰۱۰.

۵. با وجود این‌که آمار در دست نیست، «سیو یو ک» بر این روندها نظارت دارد.

۶. مصاحبه با یونسف، کینشازا، جمهوری دموکراتیک کنگو، ۲۰ آپریل ۲۰۱۰.

درس‌هایی است که می‌توان در گستره‌ی وسیع‌تری از اقدامات عدالت در دوره‌ی گذار به کار گرفت. حتا زمانی که برنامه‌ریزی دارای توجه جنسیتی است، دختران نباید در مقوله‌ی زنان حل شوند؛ به همین ترتیب، پسران را نباید با مردان یک‌جا قرار داد. برای نمونه، فرایند ترخیص زیر‌هدایت سازمان ملل در نپال توجه جنسیتی داشت، ولی بین زنان و دختران تفاوتی قائل نمی‌شد. برنامه‌هایی وجود داشته‌اند که برای زنان طراحی شده بودند - مثل مراکز مراقبت از کودک در اردوگاه‌ها و کارآموزی در بخش بهداشت - و دختران می‌توانستند از آن‌ها بهره ببرند، اما بعضی از نیازهای مشخص آن‌ها برآورده نمی‌شد.

فعالان عدالت در دوره‌ی گذار، فراتر از توجه به نهادهایی هم‌چون بخش‌های امنیت و قضایی از جمله «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری»، باید توجه خود را به اصلاح بخش آموزش و به‌ویژه اصلاح برنامه‌ی درسی برگردانند.<sup>۱</sup> مدارس در بسیاری از شرایط به‌عنوان محل تبلیغات به کار گرفته شده‌اند.<sup>۲</sup> مدارس و مؤسسه‌های آموزشی در جاهایی مثل قبرس، جمهوری مقدونیه‌ی یوگسلاوی سابق و آفریقای جنوبی برای تداوم روایت‌های تاریخی سهیم در جدایی نژادی و بی‌اعتمادی به کار گرفته شده‌اند. باوجوداین، در دوره‌های گذار، این مؤسسه‌ها و کارکنان آن‌ها از توانایی تبدیل به کانال‌هایی برای بررسی انتقادی گذشته و ایجاد حس اعتماد تازه‌ی مدنی برخوردارند. تا به امروز، مواردی از ارتباط مستقیم بین اقدامات عدالت در دوره‌ی گذار و کلاس تاریخ وجود داشته، اما «مدارس راهی برای خروج از دو تنگنای رویاروی نهادهایی مثل کمیسیون‌های حقیقت‌پیش‌پا می‌گذارند، یعنی چگونه بایستی فعالیت را فراتر از نخبه‌گان روشنفکر و به‌طور معمول شهری برد و چگونه بایستی به این فعالیت فراتر از نشست کمیسیون زنده‌گی بخشید. مدارس نه‌تنها راه‌های برقراری عدالت و آشتی «پایین به بالا» را در همراهی با فرایندهای معمول‌تر «بالا به پایین» ارائه می‌کنند، بل که طیفی گسترده از فعالان، آموزگاران، دانش‌آموزان، پدران و مادران و مسئولان مدرسه را در

۱. کل ملاحظه کرده که بخش آموزش «گرچه اغلب در هنگام طرح موضوع "دیگر هرگز" مورد استناد قرار می‌گیرد، به‌طور عمده از گفتمان عدالت در دوره‌ی گذار غایب بوده است. چه نظام آموزش به‌طور کلی و چه آموزش تاریخ - هم آن چه تدریس می‌شود و هم روش تدریس - در میان نهادهایی که عدالت در دوره‌ی گذار قصد اصلاح آن‌ها را دارد مد نظر قرار نگرفته‌اند». کل، «عدالت در دوره‌ی گذار» (Cole, "Transitional Justice").

۲. یونیسف، آموزش زیر حمله ۲۰۱۰ (UNESCO, Education under Attack 2010).

سطح‌های محلی، استانی و ملی دربر می‌گیرند.<sup>۱</sup> درحقیقت، کار با مدارس و از طریق آن‌ها، راهی مستقیم و کارآمد برای به‌شراکت گذاشتن اطلاعات و ایجاد علاقه به فرایند مشخص عدالت در دوره‌ی گذار است، هم‌چنان‌که درسی پیرایون و کامبوج دیده شده است.

پس از پایان یافتن سازوکار مشخص عدالت در دوره‌ی گذار، درهم‌آمیزی یافته‌ها و درس‌های آن با برنامه‌ی درسی تازه و تربیت معلم راه‌های مؤثری برای تضمین پایداری میراث و نتایج محسوس عدالت در دوره‌ی گذار است. چندین کمیسیون حقیقت، اصلاح مؤسسه‌های آموزشی را توصیه کرده‌اند، اما این توصیه‌ها اغلب به اجرا درنیامده‌اند. فعالیت در بخش آموزش فرایندی پیچیده و بلندمدت است. این فرایند اغلب سیاسی شده و در مقابل تغییرمقاوم است. مشکلات زیادی در کار هستند، اما اگر موفقیت به دست آید، تأثیر آن می‌تواند بسیار پُردامنه باشد. هم‌چنان‌که الیزابت آ. کُل و کارِن مورفی ملاحظه کرده‌اند، «نظام‌های آموزشی مبتنی بر آموزش تاریخ، برای بازسازی و آشتی اجتماعی، بناکردن دموکراسی و بازیابی اقتصادی حیاتی هستند.<sup>۲</sup> کنش‌گران عدالت در دوره‌ی گذار باید ملاحظات مربوط به اصلاح آموزش را از همان ابتدا در فعالیت‌شان بگنجانند؛ این کار شاید بهترین راه برای اطمینان از انتشار یافته‌های اصلی و تشویق آموزش از گذشته باشد که در تحقق هدف «دیگرهرگز» عدالت در دوره‌ی گذار کلیدی است.

۱. کُل و مورفی، «اصلاح آموزش تاریخ» (Cole and Murphy, "History Education Reform").  
۳۳۵.

۲. همان، ۳۳۶.

## ۷. مسایل فراگیر

### دست یافتن به کودکان

برنامه‌ای مؤثر برای دستیابی به مخاطب بخشی کلیدی از فرایند موفقِ عدالت در دوره‌ی گذار است، هم از لحاظ اطلاع‌رسانی و مشارکت دادن گروه‌های محلی متأثر در فرایند عدالت در دوره‌ی گذار و هم از لحاظ تضمین حقانیت و تأثیر پایدار آن. دستیابی به مخاطب، در سطح فنی، به ابزار مورد استفاده در عدالت در دوره‌ی گذار برای «ساختن کانال‌های مستقیم ارتباط بین اقدامات و گروه‌های محلی متأثر برای افزایش آگاهی از فرایند عدالت و ترویج فهم از اقدامات» اشاره دارد.<sup>۱</sup> این کانال‌های مستقیم ارتباط باید بین (و در میان) طرف‌های اصلی ذینفع در فرایند، از جمله کودکان و جوانان، برقرار شود. توجه ویژه‌ای باید به کودکان و جوانان بشود، چون آن‌ها ممکن است در یافتن فضای امن برای ابراز احساسات یا نظریات‌شان درباره‌ی گذشته دچار مشکل شوند.<sup>۲</sup> آن‌ها طرف‌های ذینفعی با نظریگانه درباره‌ی رویدادها هستند و از طریق مشورت مؤثر می‌توانند در جای مناسب برای تدوین راه‌های فعال مشارکت و کمک به هدف‌های فرایند عدالت در دوره‌ی گذار قرارگیرند.<sup>۳</sup> در نگاهی آینده‌نگر، شرکت دادن کودکان و جوانان، به‌ویژه از طریق بخش آموزش، الزامی است تا بتوانند به ساختن میراث تازه‌ای از احترام به حقوق بشر کمک کنند.

۱. رامیرز - بارات، *ایجاد تأثیر* (Ramirez-Barat, Making an Impact)، ۷.

۲. رامیرز - بارات، *ایجاد تأثیر*، ۲۶.

۳. برای راهنمایی درباره‌ی فرایندهای مشورت، نگاه کنید به: *ابزار حاکمیت قانون*، دفتر کمیساریای عالی پناهنده‌گان سازمان ملل.

برای این‌که به کودکان و جوانان دست بیابیم، طراحی برنامه‌ها و فعالیت‌های جالب، مربوط و متناسب با سن و عرضه‌ی محیطی پذیرا برای کنش با عدالت در دوره‌ی گذار (مطابق با بهترین علائق کودک) مهم است. به‌طور مطلوب، رهیافت‌های مربوط به دست‌یابی به مخاطبان کودک و جوان را در مراحل برنامه‌ریزی سازوکار عدالت در دوره‌ی گذار باید هر چه زودتر در پیش گرفت. پس از تکمیل اقدام عدالت در دوره‌ی گذار، برقراری ارتباط با سازمان‌هایی که با کودکان و جوانان فعالیت می‌کنند و نیز بخش آموزش رسمی برای این‌که از کار و یافته‌های عدالت در دوره‌ی گذار بیاموزند، مهم است.

براساس چهار تحقیق انجام شده، کودکان به‌طور عمده از سازوکارهای عدالت در دوره‌ی گذار برقرار شده در کشورشان و توان این سازوکارها برای ایشان ناآگاه می‌مانند. طی مشاوره‌هایی که مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی در ایتوری انجام داد، بیش‌تر کودکانی که پاسخ دادند از وجود سازوکارهای عدالت در دوره‌ی گذار یا بحث‌های مربوط به آن ناآگاه بودند: از جمله از دادگاه بین‌المللی جزایی، پیگرد توماس لوبانگا و دستگیری‌های دیگر و پیگردهای دادگاه بین‌المللی جزایی. این دانش محدود را باید در چارچوب مشخص دید: این موضوع خاص کودکان نیست، به‌ویژه در جایی مثل جمهوری دموکراتیک کنگو - که هم‌چنان‌که بررسی دیگری پیش‌تر نشان داده - که این‌گونه سازوکارها اولویت مردمی نیست که هنوز برای بقای روزانه مبارزه می‌کنند.<sup>۱</sup> باوجود این، در جاهایی که قربانیان کودک و جوان بزرگ‌سال خود را قربانی نینند - یا قربانی تلقی نشوند - نبود اطلاعات و آگاهی از حق درخواست غرامت یا دسترسی به فرایندهای عدالت در دوره‌ی گذار مانع مهمی است.<sup>۲</sup> این مانع می‌تواند تأثیر احتمالی و حقانیت فرایند عدالت را محدود کند و تأثیر زیان‌باری بر مشارکت قربانی و دسترسی او به مزایا بگذارد.

در طراحی برنامه‌ای برای دست‌یابی به مخاطب، فاصله سنی نیز باید به‌دقت مد نظر قرارگیرد. با توجه به اغتشاشی که ممکن است در مورد کسانی رخ دهد که در زمان تأمین غرامت دیگر کودک نیستند و کسانی که نمی‌دانند واجد شرایط دریافت غرامت

۱. وینک و دیگران، زندگی در ترس (Vinck et al., Living with Fear), ۲۰۰۸.

۲. برای نمونه، در کلمبیا، شماری از جنگ‌جویان پیشین -- قربانیان سربازگیری غیرقانونی در نوجوانی -- نمی‌دانستند که واجد شرایط دریافت غرامت هستند. زمانی که مهلت به پایان رسید، فقط شمار کمی از آن‌ها درخواست مزایای مربوط را کرده بودند.

هستند، در تلاش برای دست یافتن به قربانیان باید به‌طور روشن توضیح داد که سن وقوع تعدی عامل تعیین‌کننده برای شایسته‌گی است. در برنامه‌ی تأمین غرامت در سی‌پرا لیون، تلاش شد هرگونه اغتشاشی درباره‌ی تفاوت سن با افزودن هفت سالی که از زمان درگیری گذشته بود به محدوده‌ی معمول سن ۱۸ سال برای کودکی برطرف شود و به این ترتیب تمام کسانی که در آن زمان ۲۵ سال داشتند واجد شرایط درخواست غرامت برای قربانیان کودک شدند.

در لیبِریا، به علت نبود دست‌رسی کافی به مخاطب پیش از آغاز کار کمیسیون حقیقت و آشتی، بسیاری از کودکان تمایلی به شرکت در نشست‌ها نداشتند، چون احساس می‌کردند که «وقتی برای سخن گفتن بیایند، خود را به خطر می‌اندازند؛ بدین ترتیب، پدران و مادران اجازه نمی‌دهند آن‌ها به کمیسیون حقیقت و آشتی بروند.»<sup>۱</sup> در واکنش به این ترس و اطلاع غلط، کمیسیون حقیقت و آشتی برای برگزاری کارگاه‌های افزایش آگاهی در سراسر کشور به نهادهای حمایت از کودکان پیوست. کمیسیون حقیقت و آشتی در همکاری با نهادهای حمایت از کودکان توانست با تکیه بر اعتمادی که این نهادها از پیش در جوامع محلی از آن برخوردار بودند، در مورد کمیسیون حقیقت و آشتی توضیح دهد، خیال‌بافی‌ها درباره‌ی هدف آن را برطرف کند و بر مزایای احتمالی مشارکت تأکید کند. این کارگاه‌ها بخشی اساسی از فرایند ایجاد اعتماد نزد کودکان و خانواده‌های آن‌ها بود که پیش‌شرط اساسی مشارکت کودکان در کمیسیون حقیقت و آشتی است.

زمانی که کمیسیون حقیقت کار خود را به پایان می‌رساند، گستره‌ی مخاطبان مورد هدف آن برای پخش گسترده ترشهادت‌ها، بازتاب‌ها و درس‌هایی که کمیسیون دریافت و در گزارش خود خلاصه کرده حیاتی است. بیش‌تر لیبِریایی‌ها، از جمله بسیاری که مستقیم در فرایند کمیسیون حقیقت و آشتی شرکت داشتند، هم‌چون نهادهای حمایت از کودکان، اعضای پارلمان کودکان، و نهادهای دیگر به علت شماره‌گان محدود چاپی و بدی امکانات اینترنتی، گزارش‌نهایی کمیسیون حقیقت و آشتی را دریافت نکرده‌اند. طی ارزیابی ما، به نظر می‌رسید بیش‌تر مسئولان ارشد دولتی که در زمینه‌های مربوط به

۱. دغدغه‌ها و ترس‌های مربوط به فرایند کمیسیون حقیقت و آشتی که کودکان شرکت‌کننده در نشست کودکان کمیسیون حقیقت و آشتی در گبارگنا، استان بُنگ، ۲۴ مه ۲۰۰۸، بیان کرده‌اند. به نقل از کودکان، ۱۳، کمیسیون حقیقت و آشتی لیبِریا.

کودکان دارای مسوئلیت هستند، گزارش کمیسیون حقیقت و آشتی را نخوانده یا حتا ندیده بودند. اعضای نهادهای حمایت از کودکان هم همین‌طور. در حقیقت، از میان تمام مصاحبه‌هایی که برای ارزیابی در لیبریا انجام شد، تنها یک تن نسخه‌ای از گزارش را داشت.<sup>۱</sup> چند تن از مصاحبه‌شونده‌گان بر استفاده‌ی احتمالی از گزارش به‌عنوان وسیله‌ای برای حساس کردن نسل جوان به درگیری‌های گذشته و اهمیت پخش گزارش با استفاده از زیرساخت موجود - از جمله مجمع‌های پارلمان کودکان در محل، مدارس، کتاب‌خانه‌ها، نهادهای حمایت از کودکان، کمیته‌های محلی رفاه کودک و باشگاه‌های کودکان و جوانان - تأکید کردند.

بخشی از مشکل در لیبریا نبود گستره‌ی مؤثر مخاطبان در پی تکمیل کار کمیسیون حقیقت و آشتی است. اما این واقعیت که گزارش نهایی (هم‌چون بیش‌تر گزارش‌های کمیسیون‌های حقیقت) سندی بسیار مفصل است، این مسأله را پیچیده‌تر می‌کند. سازوکارهای عدالت در دوره‌ی گذار باید برای ایجاد مصالحی که به‌سادگی در اختیار طیفی از مخاطبان، از جمله نسل‌های جوان، باشد سرمایه‌گذاری کنند، هم مصالحی که به عموم مردم درباره‌ی فرایند آگاهی دهد و هم مصالحی که یافته‌های اصلی عدالت در دوره‌ی گذار را پالایش کند. برای نمونه، می‌توان نگارش مصور گزارش نهایی کمیسیون حقیقت و آشتی را تهیه کرد، مشابه کاری که در تیمور شرقی انجام شد. یا نگارشی کودک‌پسند تهیه کرد، مثل کاری که در سی‌یرا لیون انجام شد.

تهیه‌ی مطالب کودک‌پسند را نبایستی باری با هزینه‌ی اضافی، بل‌که جنبه‌ای کلیدی از برقراری ارتباط با کل مردم تلقی کرد. مطالب واضح و همه‌فهم می‌توانند به نیازهای مخاطبان چندگانه پاسخ دهند. ارتباط نباید فقط به شکل نوشته محدود شود، بل‌که باید رسانه‌های دیگر هم چون تئاتر، فیلم و هنر را مد نظر قرار دهد. درباره‌ی راه‌های تعدیل مطالب بایستی به دقت اندیشید تا این مطالب فقط با تغییرات جزئی - مثل افزودن راهنمای معلم به نسخه‌ی مصور، یادداشتی برای پدران و مادران یا تشویق جوانی برای بحث درباره‌ی گزارشی کودک‌پسند با برادران و خواهران جوان‌تر یا دوستان خود - در اختیار مخاطبان مختلف قرارگیرد. علاوه بر در نظر داشتن مؤثرترین رسانه برای دست یافتن به هر بخشی از مردم، ضروری است که برنامه‌ی دستیابی به مخاطب کانال‌های

۱. مصاحبه با مسوول دولتی، دفتر صلح‌سازی، لیبریا، مارچ ۲۰۱۰.



ارتباطی مناسب - رادیو، مدارس و غیره - را در نظر داشته باشد. برای نمونه، پسری که اکنون سرپرست خانواده است و بنابراین نمی‌تواند به مدرسه برود از طریق برنامه‌ای برای دستیابی به مخاطب که فقط مدارس را در نظر دارد، قابل دسترسی نیست.

تقاضا برای مطالب مربوط به دست‌یابی به مخاطبان کودک مشکل دست‌یافتن به این گروه ناهمگون را پیش می‌آورد. در نپال که تلاش‌هایی برای مشارکت دادن کودکان در مشاوره‌ی مربوط به پیش‌نویس لایحه کمیسیون حقیقت‌انجام شده، کسانی که طرف مصاحبه بودند بر نبود مطالب کودک‌پسند تأکید کردند. مقوله‌ی کودک‌طیفی گسترده از تفاوت‌های مربوط به بلوغ و توانایی هضم مفاهیم پیچیده را دربر می‌گیرد. به بیان نماینده‌ی یکی از نهادهای حمایت از کودکان، این مطالب باید کسانی را نیز در نظر بگیرد که در نتیجه‌ی درگیری «با تلقین زودهنگام بالغ شدند»<sup>۱</sup> در گذشته، نهادهای حمایت از کودکان مواردی را یافته‌اند که تصویرها کودک‌پسند بودند ولی متن نبود. این یکی از زمینه‌های اصلی است که هم‌کاری فعالان عدالت در دوره‌ی گذار با نهادهای حمایت از کودکان دارای تخصص مشخص در راه‌بردهای کودک‌پسند دست‌یابی به مخاطب به پرکردن شکاف کمک می‌کند.

مشارکت دادن کودکان و جوانان در طراحی مطالب و کاوش در رسانه‌های خلاق هم‌چون هنر، فیلم و شنیداری برای تماس با جوان‌ترها مهم است. باوجوداین، در نظر گرفتن چارچوب و چیزهای مناسب و مؤثر مهم است. مثال این موضوع در رویدادی به چشم می‌خورد که دادگاه بین‌المللی جزایی در دهکده بگورو در ایتوری، صفحه‌نمایش عظیمی برپا کرد تا محاکمه‌ی لوبانگا را پخش کند. ولی مردم بیش‌تر شیفته‌ی فناوری و تصویرهایی از دادگاه بسیار مجهز اروپایی بودند تا این محاکمه.<sup>۲</sup>

سازوکارهای عدالت در دوره‌ی گذار از طریق هم‌کاری نزدیک از ابتدا با نهادهای حمایت از کودکان - با مرتبط کردن شبکه‌های‌شان، پخش پیام‌ها از طریق کانال‌های ارتباطی‌شان و دریافت اطلاعات آن‌ها درباره‌ی مطالب - می‌توانند برنامه‌ی مؤثرتری برای دست‌یابی به مخاطب ایجاد کنند که مشارکت و مالکیت عمومی بر فرایند عدالت

۱. مصاحبه با منبع ناشناس B، نپال، ۷ جولای ۲۰۱۰.

۲. اظهاراتی که درباره‌ی سلامتی ظاهری و لباس‌های شیک لوبانگا اتفاقی به گوش خورده است. به علاوه، کمتر بیننده‌ای می‌توانست زبان پیچیده‌ی حقوقی فرانسوی در محاکمه را دنبال کند. مصاحبه با بخش حقوق بشر، هیأت سازمان ملل برای ایجاد ثبات در جمهوری دموکراتیک کنگو، ۲۸ آپریل ۲۰۱۰.

را به نحوی ترویج کند که به بنا کردنِ حقانیت و تأثیر بلندمدت آن بیانجامد، به‌ویژه در میان کسانی که در کودکی قربانی شده‌اند.

## هم‌کاری میان‌بخشی

مصاحبه‌هایی که انجام شد به روشنی مشخص کرد که در همه‌ی شرایط، هم‌کاری بین نهادهای حمایت از کودکان و فعالان عدالت در دوره‌ی گذار را می‌توان بهبود بخشید و این بهبود از طریق حمایت از کودکان در چارچوب عدالت در دوره‌ی گذار باعث مشارکت افزوده می‌شود. این مسأله، اغلب بیش از این‌که به هماهنگی ربط داشته باشد به کنش متقابل ربط دارد: فعالان عدالت در دوره‌ی گذار و نهادهای حمایت از کودکان به علت کمبود زمان، منابع یا علاقه خیلی کم با یک‌دیگر دیدار می‌کنند. هر دو گروه ناهمگون و متشکل از سازمان‌های محلی و بین‌المللی، سازمان‌های مستقل و غیرجانبدار و سازمان‌های دیگر با انگیزه سیاسی هستند. مشکلات مربوط به هم‌کاری در اثر اختلاف‌های متصور در وظایف دو نوع نهاد تشدید می‌شود. هر گروه از فعالان اولویت‌های متفاوتی دارند. فعالان عدالت در دوره‌ی گذار کمتر درک می‌کنند که کودکان گروهی مهم از طرف‌های ذینفع هستند که حقوق و نیازهای مشخص دارند. از نظر نهادهای حمایت از کودکان، عدالت در دوره‌ی گذار موضوعی میان‌مدت تا بلندمدت است که اغلب از نیازهای فوری انسانی کودکان، مثل نیازهای غذایی یا دسترسی به بهداشت، کمتر فوریت دارد.

اما هزینه‌ی گفتگوی از دست‌رفته و هماهنگی ناکافی زیاد است. نمونه‌ی به‌ویژه غم‌انگیز آن در کلمبیا یافت می‌شود که، هم‌چنان‌که در بالا ملاحظه شد، تحقیق ما نشان داد که بسیاری از کودکان که شایستگی دریافت غرامت را داشتند به موقع درخواست مزایا نکردند. فعالان عدالت در دوره‌ی گذار و نهادهای حمایت از کودکان در کلمبیا در این قصور مسؤلیت مشترکی دارند، اما قربانیان کودک که امکان مهم دریافت غرامت را از دست داده‌اند زیان خواهند دید.

خوشبختانه، نمونه‌های موفق هماهنگی بین نهادهای حمایت از کودکان و فعالان عدالت در دوره‌ی گذار نیز وجود دارد. در لیبیا، در حدود ۳۰ مددکار اجتماعی که در استخدام نهادهای حمایت از کودکان بودند با کمیسیون حقیقت و آشتی از نزدیک و

به‌عنوان بخشی از آن برای حمایت از رهیافت حساس به کودک آن هم‌کاری کردند. این روش برای استفاده از تخصص محلی، افزایش و توسعه‌ی آن تخصص و تأمین پایداری آن مؤثر بود.

برای ایجاد هماهنگی بیشتر، مشکل این‌جاست که نهادهای حمایت از کودکان اجازه‌ی ارائه‌ی اطلاعات داشته باشند اما به نحوی که کمسیون حقیقت و آشتی مسؤلیت رهبری را حفظ کند. مشارکت نهادهای حمایت از کودکان نباید به کنار رفتن فعالان عدالت در دوره‌ی گذار بیانجامد و تمامی فعالیت مربوط به قربانیان کودک را در دست نهادهای حمایت از کودکان قرار دهد. به‌طور مطلوب، سازوکار عدالت در دوره‌ی گذار باید نهادهای حمایت از کودکان را مشارکت دهد، ولی تمامی مسؤلیت مربوط به کودکان و جوانان را به آن‌ها محول نکند. در لیبیا، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان گفتند که کمسیون حقیقت و آشتی در عمل مسایل کودکان را به نهادهای حمایت از کودکان واگذار کرد و به این ترتیب این مسایل در حاشیه قرار گرفتند. هدف باید آسان‌تر کردن هم‌کاری بدون واگذاری بیش از حد مسؤلیت یا دست شستن از آن باشد.

هم‌کاری مؤثر بین دو گروه می‌تواند بحث درباره‌ی مسایل اصلی در دستور کار عدالت در دوره‌ی گذار را آسان‌تر کند و به تدوین توصیه‌های بهینه کمک کند. در چارچوب عدالت در دوره‌ی گذار، هم‌کاری نهادهای حمایت از کودکان پُرارزش است، نه تنها به‌عنوان خدمات‌دهنده بل که برای این‌که با دانش، ارتباط‌ها و تخصص خود بر سیاست‌ها تأثیر بگذارند و به گذار شکل دهند. برای دست‌یافتن به این هدف، ارائه‌ی آموزش عدالت در دوره‌ی گذار به نهادهای حمایت از کودکان مهم است تا این مسایل را فرا بگیرند و به کارشان ربط دهند. به همین ترتیب، فعالان عدالت در دوره‌ی گذار به اطلاعات بیش‌تر درباره‌ی حقوق کودکان و راهنمایی درباره‌ی روش ثبت جرایم علیه کودکان و توانایی بخشیدن به کسانی که بیش از همه قربانی نقض حقوق شده‌اند، نیاز دارند.

## ۸. ملاحظات پایانی

گستره‌ی جرایمی که زیر پوشش عدالت در دوره‌ی گذار قرار دارد همیشه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر کودکان تأثیر می‌گذارد. با وجود این، گستره‌ی کامل موارد نقض جدی حقوق که به کودکان مربوط می‌شود، از جمله آواره‌گی، سربازگیری غیرقانونی، برده‌گی و خشونت جنسی همواره در فرایند عدالت در دوره‌ی گذار مد نظر قرار نمی‌گیرد. با حرکت عدالت در دوره‌ی گذار به سوی سازگاری با ماهیت روبه‌تغییر درگیری و خشونت سیاسی و نیز تغییر هرّم سنی در بسیاری از کشورها، کارورزان عدالت در دوره‌ی گذار باید کودکان و جوانان را به‌عنوان یکی از ملاحظات - یا دورنماهای - کلیدی خود در نظر بگیرند که تحلیل آن‌ها از وضعیت و تصمیم‌های بعدی درباره‌ی ویژگی‌های عدالت در دوره‌ی گذار را غنی می‌سازد. اگر کودکان به‌طور مستقیم متأثر شده‌اند، در این صورت اقدامات مربوط به عدالت در دوره‌ی گذار باید وظایف و رویه‌هایی را در دست بگیرد که امکان بررسی تعدی‌ها علیه کودکان، تحلیل پیامدهای پایدار این تعدی‌ها و تعیین جبران مؤثر را فراهم سازد.

حتا در مواردی که کودکان به‌طور مستقیم یا شدید متأثر نشده‌اند، با وجود این ضروری است که در اقدامات مربوط به عدالت در دوره‌ی گذار ربط‌هایی به کودکان و جوانان برقرار شود تا آن‌ها را در فرایند مشارکت دهد و از نتایج آن مطلع سازد. در بسیاری از شرایطی که عدالت در دوره‌ی گذار عمل می‌کند، اشخاص زیر ۲۵ سال بیش از نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند. این واقعیت‌های جمعیتی اهمیت تدوین تلاش‌های هدف‌مند دست‌یابی به مخاطب برای رسیدگی به این بخش چشم‌گیر از مردم را نشان می‌دهند. در میان امکانات موجود برای پخش نتایج سازوکارهای عدالت در دوره‌ی

گذار و اجرای توصیه‌های آن‌ها، مدارس و نظام آموزش رسانه ممتازی است.

پیرو این دو هدف، توجه به تعدی‌های علیه کودکان و تضمین این‌که کودکان و جوانان بیش‌تر اطلاع یابند و در ابتکارهای عدالت در دوره‌ی گذار مشارکت کنند، هم‌کاری بین کارورزان عدالت در دوره‌ی گذار و نهادهای حمایت از کودکان بایستی توسعه یابد. سازوکارهای عدالت در دوره‌ی گذار را می‌توان بین نهادهای حمایت از کودکان و سازمان‌های غیردولتی دیگر که با کودکان در تماس هستند هماهنگ کرد تا کمک آن‌ها در دست‌یابی مشخص به مخاطبان کودک کسب شود. به این ترتیب، اطلاعات را می‌توان پخش کرد و سازمان‌ها نیز می‌توانند از کودکان در تلاش برای دسترسی به سازوکار مشخص عدالت در دوره‌ی گذار حمایت کنند، چه این سازوکار کمیسیون حقیقت باشد چه برنامه‌ی تأمین‌گراست و چه فرایند قضایی. هدف‌های هر یک از این دورشته - عدالت در دوره‌ی گذار و حمایت از کودکان - را که به‌طور عمده در دو دنیای جداگانه عمل کرده‌اند، می‌توان به‌طور متقابل با هماهنگ کردن تلاش‌های آن‌ها و کمک گرفتن از تخصص هر یک تقویت کرد.

تا به امروز افراد زیر ۱۸ سال کانون توجه فعالیت درباره‌ی کودکان و عدالت در دوره‌ی گذار بوده‌اند. اما، تحقیق ما نشان می‌دهد که با توجه به فاصله‌ی زمانی بین وقوع تعدی‌ها و برقراری سازوکارهای عدالت در دوره‌ی گذار، در زمانی که این فرایند به اجرا در می‌آید، کسانی که در کودکی قربانی شده‌اند دیگر مشمول تعریف حقوقی کودک نمی‌شوند. در نتیجه، گروه مهمی از جوانان از شکاف‌های این برنامه بیرون می‌افتند و توجه مورد نیازشان را دریافت نمی‌کنند. یکی از اولویت‌ها در حرکت به جلو باید توجه به کودکان و جوانان، از جمله کسانی که در زمان وقوع نقض حقوق کودک بوده‌اند، در فرایند عدالت در دوره‌ی گذار باشد. جوانان بخش نیرومندی از جامعه را دربر می‌گیرند که از توان حمایت و تقویت حاکمیت قانون و صلح پایدار، یا تخریب آن، برخوردار است. هدف عدالت در دوره‌ی گذار تسریع تغییر اجتماعی به دور از معافیت از مجازات و به سوی فرهنگ دموکراسی و احترام به حقوق بشر است. عاملان اصلی آن کودکان و جوانان هستند. نه تنها احتمال این‌که آن‌ها در روش‌های شان جا افتاده باشند، کمتر است بل‌که آن‌ها با کمک به تحکیم صلحی پایدار بیش‌تر از همه سود خواهند برد.

چشم‌انداز، نیازها و حقوق کودکان باید نگاهی را تشکیل دهد که از طریق آن عدالت در

دوره‌ی گذار را تحلیل و هدف‌ها، ویژه‌گی‌ها، خروجی‌ها و نتایج آن را تعریف کنیم. در نهایت، توصیه‌ی اصلی ما این است که کسانی که در طراحی و اجرای عدالت در دوره‌ی گذار شرکت دارند سؤال‌های تازه‌ای را درباره‌ی نحوه تأثیر تعدی‌ها بر کودکان و جوانان و مشارکت آن‌ها در تعدی‌ها بپرسند و راه‌های خلاق‌تری را برای ممکن ساختن مشارکت آن‌ها در فرایند عدالت در دوره‌ی گذار بیابند. با پرسیدن این سؤال‌ها، ضروری است گروه‌هایی از طرف‌های ذینفع را که پیش‌تر نادیده مانده‌اند، از جمله کودکان و جوانان، نهادهای حمایت از کودکان، معلمان و بخش آموزش را در بحث وارد کنیم. کودکان و جوانان نیاز دارند گذشته را بفهمند تا نقش سازنده‌تری در ساختن آینده بازی کنند.

## پیوست

## درگیری و فرایندهای عدالت در دوره‌ی گذار در کلمبیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، لیبیا و نپال

کشور	درگیری	فرایند عدالت در دوره‌ی گذار
کلمبیا	۱۹۶۴ تاکنون در دهه‌ی ۱۹۶۰، چندین سازمان چریکی با برنامه‌ی چپ (از جمله ارتش آزادی‌بخش ملی، ارتش آزادی‌بخش خلق و فارک) برای مقابله با دولت تشکیل شدند. گروه‌های «دفاع» غیرنظامی (شبه نظامیان) که ابتدا با رضایت دولت برای مقابله با چریک‌ها تشکیل شدند، به تدریج در سطح محلی قدرت کسب کردند و از این قدرت برای سرکوب اعتراض محلی، آواره کردن در حدود ۳ میلیون نفر از زمین‌های شان و گستردن تجارت غیرقانونی مواد مخدر استفاده کردند. در سال ۱۹۹۷، این گروه‌های شبه نظامی سازمانی چتری به نام نیروهای متحد دفاع از خود کلمبیا (AUC) تشکیل دادند. این نیروهای مسلح در بیش از ۳۰ سال گذشته بر سر قدرت و منابع در کلمبیا و نیز تجارت پرسود مواد مخدر جنگیده‌اند. تمامی این گروه‌ها و نیز دولت کلمبیا مرتکب نقض فاحش حقوق بشر شده‌اند.	<ul style="list-style-type: none"> <li>• پارلمان کلمبیا قانون عدالت و صلح را در سال ۲۰۰۵ تصویب کرد که امکان صدور حکم‌های کم‌تری برای رهبران شبه نظامی را فراهم می‌کند به شرط این‌که سلاح بر زمین بگذارند، اعتراف کنند و اموال دزدی را بازگردانند.</li> <li>• بر اساس قانون عدالت و صلح، کمیسیون غرامت و آشتی (CNRR) با اختیار هشت ساله تشکیل شد. اما، اجرای آن ناکارآمد بوده و اقدامات آن تعدی‌های انجام شده پس از تصویب آن یا قربانیان عاملان دولتی را پوشش نمی‌دهند. قانونی جامع‌تری برای تأمین غرامت در سال ۲۰۱۱ به تصویب رسید.</li> <li>• بخش تحقیقاتی کمیسیون غرامت و آشتی به نام کمیسیون «حافظه‌ی تاریخی» (HM) وظیفه دارد گزارشی عمومی درباره‌ی آرمان‌های گروه‌های مسلح تهیه کند.</li> </ul>
جمهوری دموکراتیک کنگو	۱۹۹۶ تاکنون درگیری این کشور (پیش‌تر با نام زئیر) را از سال ۱۹۹۶ ویران کرده است. از سال ۲۰۰۳، این درگیری در شرق کشور متمرکز است. ترکیب پیچیده‌ای از تنش‌های قومی، جدال بر سر قدرت سیاسی در سطح منطقه‌ای و ملی و کنترل منابع طبیعی به این درگیری دامن می‌زند. درگیری در فاصله‌ی ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ که به مشارکت نظامی حداقل هفت کشور مختلف انجامید، مرگبارترین جنگ پس از جنگ جهانی دوم توصیف شده است.	<ul style="list-style-type: none"> <li>• کمیسیون حقیقت و آشتی در جمهوری دموکراتیک کنگو که از جولای ۲۰۰۳ تا فوریه ۲۰۰۷ فعال بود در تحقیق درباره‌ی فجایع یا برگزاری نشست‌های عمومی شکست خورد.</li> <li>• در حال حاضر، سه پیگرد قضایی در دادگاه بین‌المللی جزایی درباره‌ی جمهوری دموکراتیک کنگو در جریان است: توماس لوانگا، ژرمن کاتانگا، ماتیانگو جولو چویی.</li> <li>• در سال ۲۰۰۵، دیوان بین‌المللی دادگستری به اوگاندا دستور داد به خاطر نقض حقوق بشر ارتکابی طی جنگ به جمهوری دموکراتیک کنگو غرامت بپردازد.</li> </ul>

## درگیری و فرایندهای عدالت در دوره‌ی گذار در کلمبیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، لیبیا و نپال

کشور	درگیری	فرایند عدالت در دوره‌ی گذار
لیبیا	۱۹۸۹ تا ۲۰۰۳ به تناوب در دسامبر ۱۹۸۹، جبهه‌ی ملی میهنی لیبیا (NPL) به رهبری چارلز تایلور از شرق وارد لیبیا شد. با پیش‌روی آن به سوی پایتخت، خشونت به تشکیل گروه‌های مسلح تازه و نیز مداخله‌ی نیروهای حافظ صلح که همیشه بی طرف نبودند، دامن زد. تا سال ۱۹۹۵، جنگ داخلی گسترش یافته و هفت جناح اصلی را درگیر کرده بود که همه‌ی آن‌ها مرتکب نقض حقوق بشر شدند. در فاصله‌ی ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ سکونی در زدوخورد به وجود آمد. تایلور در سال ۱۹۹۷ به ریاست جمهوری انتخاب شد و تا ۱۹۹۹ در دوره‌ای از ثبات نسبی حکومت کرد. جنگ در جولای ۱۹۹۹ از سر گرفته شد و تا امضای قرارداد جامع صلح در ۲۰۰۳ ادامه یافت.	<ul style="list-style-type: none"> <li>بخش ۶ قرارداد جامع صلح تشکیل کمیسیون حقیقت و آشتی را مقرر کرد که در سال ۲۰۰۵ تشکیل شد و در سال ۲۰۰۶ اقدامات خود را آغاز و در جون ۲۰۰۹ گزارش خود را منتشر کرد.</li> <li>کمیسیون حقیقت و آشتی توصیه‌هایی در مورد تأمین غرامت، و گستره‌ای از اقدامات شامل حمایت بهداشتی، کمک مادی و آموزش را پیشنهاد کرد.</li> <li>چارلز تایلور به ۱۱ اتهام جنایت‌های جنگی و جنایت‌های علیه بشریت در دادگاه ویژه‌ی سی‌پرایون مورد محاکمه است. محاکمه ۱۱ مارچ ۲۰۱۱ به پایان رسید و اکنون در جریان صدور رأی است.</li> <li>هیأت سازمان ملل در لیبیا راه‌پدی برای «خلع سلاح، پایان بسیج نظامی، بازپروری و بازپذیری» جنگ جویان پیشین را در هماهنگی با کمیسیون ملی خلع سلاح، پایان بسیج نظامی، بازپروری و بازپذیری تدوین کرد. مرحله‌ی خلع سلاح در نوامبر ۲۰۰۴ به پایان رسید و تا پایان وظیفه کمیسیون در اپریل ۲۰۰۹ به مرحله‌ی بازپذیری و بازپروری گذر کرد.</li> </ul>
نپال	۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ مائوئیست‌ها بر اساس خواست‌های اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۹۹۶ «جنگ خلقی» را علیه پادشاهی مشروطه اعلام کردند. نقض حقوق بشر که هر دو طرف مرتکب شدند طی یک دهه تا امضای توافق جامع صلح در سال ۲۰۰۶ که مائوئیست‌ها را وارد دولت نپال کرد، شدت یافت. در سال ۲۰۰۸، نپال نظام پادشاهی را ملغا کرد و جمهوری دموکراتیک فدرال شد.	<ul style="list-style-type: none"> <li>در جولای ۲۰۰۷، وزارت صلح و بازسازی قانونی را برای تشکیل کمیسیون حقیقت و آشتی در نپال پیشنهاد کرد. این وزارت‌خانه دو سال در سطح کشور مشورت‌هایی را درباره‌ی لایحه کمیسیون حقیقت و آشتی انجام داد. لایحه در فوریه ۲۰۱۰ پس از تأیید کابینه به پارلمان ارائه شد و اکنون دوباره در مجلس مؤسسان نپال مورد بحث و بررسی است.<sup>۲</sup></li> <li>در پیش‌نویس لایحه‌ی تشکیل کمیسیون ناپدیدشده‌گی که در نوامبر ۲۰۰۸ ارائه شد، ناپدیدشدن قهری جرم تلقی شده و تشکیل کمیسیون تحقیق برای رسیدگی به ناپدیدشدن‌های قهری طی درگیری مسلحانه پیش‌بینی شده است. این لایحه در پارلمان در دست بررسی است. کابینه در فوریه ۲۰۰۸ تصمیم گرفت، طبق مقررات توافق جامع صلح و توافق ۲۳ نکته‌ای بعدی، به‌طور موقت به خانواده‌های درگذشته‌گان و ناپدیدشده‌گان کمک برساند.</li> </ul>

۱. چارلز تایلور در ماه مه ۲۰۱۲ به ۵۰ سال زندان محکوم شد. - مترجم.

۲. این قانون در سال ۲۰۱۴ تصویب و کمیسیون در تاریخ ۱۰ فوریه ۲۰۱۵ تشکیل شد. - مترجم.



## برخی واژه‌ها

institutional reform	اصلاحات نهادی
reintegration	بازپذیری
rehabilitation	بازپروری
demobilization	پایان بسیج نظامی
continuum	پیوستار
truth-seeking	حقیقت‌یابی
disarmament	خلع سلاح
conflict	درگیری / منازعه
child-sensitive approach	رهیافت حساس به‌کودک
recruitment	سربازگیری
Transitional Justice	عدالت در دوره‌ی گذار / عدالت انتقالی
criminal justice	عدالت کیفری
reparation	غرامت
victim-centered	قربانی محور
Truth Commission	کمیسیون حقیقت
Truth and Reconciliation Commission	کمیسیون حقیقت و آشتی
child-friendly	کودک‌پسند
lynch	لینچ، اعدام بدون رعایت موازین قضایی
systematic	نظام‌مند

## فهرست حروف اختصاری در متن اصلی

AUC United Self-Defense Forces of Colombia	نیروهای متحد دفاع از خود کلمبیا
CAAFAG Children Associated with Armed Forces and Armed Groups	کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح
CDO Chief District Officer	رئیس بخش
CNRR Reparations and Reconciliation Commission (Colombia)	کمیسیون غرامت و آشتی کلمبیا
CODA Comité para la Dejeción de las Armas	کمیته‌ی خلع سلاح
CPA Child-Protection Agency	نهاد حمایت از کودکان
CPN Child Protection Network	شبکه‌ی حمایت از کودکان
CRC Convention on the Rights of the Child	کنوانسیون حقوق کودک
CVR Peruvian Truth and Reconciliation Commission	کمیسیون حقیقت و آشتی پرو
DDR Disarmament, Demobilization, and Reintegration	خلع سلاح، پایان بسیج نظامی و بازپذیری
DRC Democratic Republic of the Congo	جمهوری دموکراتیک کنگو
FARC Revolutionary Armed Forces of Colombia	نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا
FARDC National Army of the Democratic Republic of the Congo	ارتش ملی جمهوری دموکراتیک کنگو
FS Fundación Social	بنیاد اجتماعی
ICBF Colombian Family Welfare Institute	مؤسسه‌ی رفاه خانواده کلمبیا
ICC International Criminal Court	دادگاه بین‌المللی جزایی
JPL Justice and Peace Law (Colombia)	قانون عدالت و صلح (کلمبیا)
MH Memoria Histórica	حافظه‌ی تاریخی
MOU Memorandum of Understanding	تفاهم‌نامه
MONUSCO United Nations Organization Stabilization Mission in the Democratic Republic of the Congo	هیأت سازمان ملل برای ایجاد ثبات در جمهوری دموکراتیک کنگو

MoPR Ministry of Peace and Reconstruction (Nepal)	وزارت صلح و بازسازی (نپال)
NR Nepalese Rupee	روپیه‌ی نپال
NPLF National Patriotic Front of Liberia (NPFL)	جبهه‌ی میهنی ملی لیبریا
TJ Transitional Justice	عدالت در دوره‌ی گذار
TRC Truth and Reconciliation Commission	کمیسیون حقیقت و آشتی
TC Truth Commission	کمیسیون حقیقت
UPC Union of Congolese Patriots	اتحادیه‌ی میهن‌پرستان کنگویی

## کتاب شناسی

Anderlini, Sanam Naraghi and Camille Pampell Conaway. "Disarmament, Demobilisation and Reintegration." In *Inclusive Security, Sustainable Peace: A Toolkit for Advocacy and Action*. London and New York: International Alert and Women Waging Peace, 2004.

Aptel, Cecile. "Children and Accountability for International Crimes: The Contribution of International Criminal Courts." Innocenti Working Paper 2010-20, UNICEF Innocent Research Centre, August 2010. [www.unicef-irc.org/publications/pdf/iwp\\_2010\\_20.pdf](http://www.unicef-irc.org/publications/pdf/iwp_2010_20.pdf) (accessed Feb. 15, 2010).

Arthur, Paige. "How Transitions Reshaped Human Rights: A Conceptual History of Transitional Justice." *Human Rights Quarterly*, Volume 31, Number 2, May 2009, pp. 321–67.

Begg, Kristen. "ICC to Monitor Colombia's 'False Positive' Cases." *Colombia Reports*, May 3, 2010. <http://colombia-areports.com/colombia-news/news/9489-icc-to-monitor-colombias-false-positive-cases.html>.

Breaking the Grip? Obstacles to Justice for Paramilitary Mafias in Colombia. New York: Human Rights Watch, 2008. [www.hrw.org/en/reports/2008/10/16/breaking-grip-0](http://www.hrw.org/en/reports/2008/10/16/breaking-grip-0) (accessed Feb. 15, 2011).

Children, the Conflict and the TRC Children Agenda, vol. 3, title II. Monrovia: Republic of Liberia Truth and Reconciliation Commission,

2009. [http://trcofliberia.org/resources/reports/final/volume-three-2\\_layout-1.pdf](http://trcofliberia.org/resources/reports/final/volume-three-2_layout-1.pdf).

Children and Truth Commissions. UNICEF Innocenti Research Centre and International Center for Transitional Justice: Florence, 2010. <http://ictj.org/sites/default/files/ICTJ-Global-Children-Truth-2010-English.pdf>.

Cole, Elizabeth A. "Transitional Justice and the Reform of History Education." *International Journal of Transitional Justice* 1, no. 1 (2007): 115–37.

Cole, Elizabeth A. and Karen Murphy. "History Education Reform, Transitional Justice, and Transformation of Identities." In *Identities in Transition*, edited by Paige Arthur. New York: Cambridge University Press, 2011.

Comisión Nacional de Reparación y Reconciliación, Área de Memoria Histórica. Trujillo. Una Tragedia que no cesa. Primer Gran Informe de Memoria Histórica de la Comisión Nacional de Reparación y Reconciliación. Bogotá: Editorial Planeta, 2008.

———. La Masacre de el Salado. Esa Guerra no era nuestra. Segundo Gran Informe del Grupo de Memoria Histórica de la Comisión Nacional de Reparación y Reconciliación. Bogotá: Editorial Taurus y Fundación Semana, 2009.

———. Bahía Portete: Mujeres Wayuu en la mira. Bogotá: Editorial Taurus y Fundación Semana, 2010.

———. Bojayá: La guerra sin límites. Bogotá: Editorial Taurus y Fundación Semana, 2010.

Committee on the Rights of the Child. "Summary Record of the 1384th Meeting, Second Report of the Democratic Republic of the Congo." UN Doc. CRC/C/SR.1384. Jan. 21, 2009.

Conflict Barometer 2010. Heidelberg: Heidelberg Institute for International Conflict Research, 2011. [www.hiik.de/en/konfliktbarometer/index.html](http://www.hiik.de/en/konfliktbarometer/index.html).

Consolidated Final Report, vol. 2. Monrovia: Republic of Liberia Truth and Reconciliation Commission, 2009. [http://trcofliberia.org/resources/reports/final/volume-two\\_layout-1.pdf](http://trcofliberia.org/resources/reports/final/volume-two_layout-1.pdf).

Constitutional Court of Colombia. Sentencia C-203 de 2005.

Corte Suprema de Justicia, Sala de Casación Penal. Decisión del 24 de febrero de 2010. Magistrado Ponente: José Leonidas Bustos, Feb. 24, 2010.

Convention on the Rights of the Child, Nov. 20, 1989, 1577 U.N.T.S 3.

De Greiff, Pablo. *The Handbook of Reparations*. New York: Oxford University Press, 2006.

Democratic Republic of the Congo. Child Protection Act. Loi 09/001, Dec. 10, 2009.

Duthie, Roger and Irma Specht. "DDR, Transitional Justice, and the Reintegration of Former Child Combatants." In *Disarming the Past: Transitional Justice and Ex-Combatants*, edited by Ana Cutter Patel, Pablo De Greiff, and Lars Waldorf. New York: Social Science Research Council. [www.ssrc.org/workspace/images/crm/new\\_publication\\_3/{465ede38-0c0d-df11-9d32-001cc477ec70}.pdf](http://www.ssrc.org/workspace/images/crm/new_publication_3/{465ede38-0c0d-df11-9d32-001cc477ec70}.pdf) (accessed Feb. 15, 2011).

Education Under Attack 2010. UNESCO: Paris, 2010. [unesdoc.unesco.org/images/0018/001868/186809e.pdf](http://unesdoc.unesco.org/images/0018/001868/186809e.pdf).

El delito invisible: criterios para la investigación del delito del reclutamiento ilícito de niños y niñas en Colombia. Bogotá: Coalición contra la vinculación de niños, niñas y jóvenes al conflicto armado en Colombia y Comisión Colombiana de Juristas, 2009. [www2.gtz.de/dokumente/bib/gtz2010-0525es-delito-invisible.pdf](http://www2.gtz.de/dokumente/bib/gtz2010-0525es-delito-invisible.pdf) (accessed Feb. 15, 2011).

El Tiempo. "Condena a Tirofijo por Menores," June 5, 2003. <http://www.eltiempo.com/archivo/documento/MAM-1000744>.

———. "Por reclutar menores jefe guerrillero fue sentenciado a

más de 4 años,” July 5, 2011. [http://www.eltiempo.com/justicia/ARTICULO-WEB-NEW\\_NOTA\\_INTE-RIOR-9810268.html](http://www.eltiempo.com/justicia/ARTICULO-WEB-NEW_NOTA_INTE-RIOR-9810268.html).

Goldblatt, Beth. “Evaluating the Gender Content of Reparations: Lessons from South Africa.” In *What Happened to the Women? Gender and Reparations for Human Rights Violations*, edited by Ruth Rubio-Marín. New York: Social Science Research Council, 2006.

Hayner, Priscilla. *Unspeakable Truths: Confronting State Terror and Atrocity*. New York: Routledge, 2001.

Human Rights Council. “Second Joint Report of Seven United Nations Experts on the Situation in the Democratic Republic of the Congo.” UN Doc. A/HRC/13/63. March 8, 2010.

———. “Combined Report of Seven Thematic Special Procedures on Technical Assistance to the Government of the Democratic Republic of the Congo and Urgent Examination of the Situation in the East of the Country.” UN Doc. A/HRC/10/59. March 5, 2009.

International Center for Transitional Justice. “Canada.” International Center for Transitional Justice. [www.ictj.org/en/where/region2/513.html](http://www.ictj.org/en/where/region2/513.html) (accessed Feb. 15, 2011).

———. “Institutional Reform.” International Center for Transitional Justice. <http://ictj.org/our-work/transitional-justice-issues/institutional-reform> (accessed July 20, 2011).

———. “What Is Transitional Justice?” International Center for Transitional Justice. [www.ictj.org/en/tj/](http://www.ictj.org/en/tj/) (accessed Feb. 15, 2011).

Ituri: “Civilians Still the First Victims”: Permanence of Sexual Violence and Impact of Military Operations. Geneva: Medecins sans Frontieres, 2007. <http://www.doctorswith-outborders.org/publications/reports/2007/Ituri-Civilians-Still-the-First-Victims.pdf>.

Ituri: “Covered in Blood”: Ethnically Targeted Violence In Northeastern DR Congo. New York: Human Rights Watch, 2003. <http://www.hrw.org/en/reports/2003/07/07/covered-blood> (accessed Feb. 15, 2011).

James-Allen, Paul, Aaron Weah, and Lizzie Goodfriend. *Beyond the Truth and Reconciliation Commission: Transitional Justice Options in Liberia*. New York: ICTJ, May 2010. <http://ictj.org/publication/beyond-truth-and-reconciliation-commission-transitional-justice-options-liberia>.

Leibig, Abigail. "Girl Child Soldiers in Northern Uganda: Do Current Legal Frameworks Offer Sufficient Protection?" *Northwestern Journal of International Human Rights* 3, no. 5 (April 8, 2005). [www.law.northwestern.edu/journals/jihr/v3/6/](http://www.law.northwestern.edu/journals/jihr/v3/6/) (accessed Feb. 15, 2011).

Leon, Luis Gonzalez. Memorando No. 003. February, 19, 2010. On file with the authors.

Machel, Graça. "Foreword." In *Children and Transitional Justice: Truth-Telling, Accountability and Reconciliation*, edited by Sharanjeet Parmar, Mindy Jane Roseman, Saudamini Siegrist, and Theo Sawa. Cambridge, MA: Human Rights Program at Harvard Law School, 2010.

Magarrell, Lisa. "Reparations in Theory and Practice." *Reparative Justice Series*, International Center for Transitional Justice, October 2007. [www.ictj.org/static/Reparations/0710.Reparations.pdf](http://www.ictj.org/static/Reparations/0710.Reparations.pdf) (accessed Feb. 15, 2011).

Mazurana, Dyan and Kristopher Carlson. "Reparations as a Means for Recognizing and Addressing Crimes and Grave Rights Violations against Girls and Boys during Situations of Armed Conflict and under Authoritarian and Dictatorial Regimes." In *The Gender of Reparations: Unsettling Sexual Hierarchies While Redressing Human Rights Violations*, edited by Ruth Rubio-Marin, pp. 162–214. New York: Cambridge University Press, 2009.

McKay, Susan, Malia Robinson, Maria Gonsalves, and Miranda Worthen. "Girls Formerly Associated with Fighting Forces and Their Children: Returned and Neglected." *Coalition to Stop the Use of Child Soldiers*, London, 2006. [uwacadweb.uwyo.edu/MCKAY/Documents/2006%20-%20McKay%20et%20al%20-%20girl%20](http://uwacadweb.uwyo.edu/MCKAY/Documents/2006%20-%20McKay%20et%20al%20-%20girl%20)



mothers.pdf (accessed Feb. 15, 2011).

Memoria Histórica. “Narrativas y voces del conflicto: Programa de investigación.” Comisión Nacional de Reparación y Reconciliación. [memoriahistorica-cnrr.org.co/arch\\_plan/narrativas\\_voces\\_conflicto\\_29-7-08.pdf](http://memoriahistorica-cnrr.org.co/arch_plan/narrativas_voces_conflicto_29-7-08.pdf) (accessed Feb. 15, 2011).

— — — . “Ruta del trabajo de investigación Grupo de Memoria Histórica: Junio del 2010–Agosto del 2012.” Comisión Nacional de Reparación y Reconciliación. [http://memoriahistorica-cnrr.org.co/arch\\_plan/Ruta\\_tra-bajo\\_MH.pdf](http://memoriahistorica-cnrr.org.co/arch_plan/Ruta_tra-bajo_MH.pdf) (accessed July 19, 2011).

Ministerio del Interior y de Justicia. Decreto Numero 1290, Por el Cual Se Crea El Programa de Reparacion Individual por Via Administrativa Para las Victimas de los Grupos Armados Organizados al Margen de la Ley, Artículo Cinco. April 22, 2008. [http://www.redepaz.org.co/IMG/pdf/Decreto\\_1290\\_del\\_22\\_de\\_Abril\\_2008.pdf](http://www.redepaz.org.co/IMG/pdf/Decreto_1290_del_22_de_Abril_2008.pdf) (accessed March 1, 2011).

Nairobi Declaration on Women’s and Girls’ Right to a Remedy and Reparation. Issued at the International Meeting on Women’s and Girls’ Right to a Remedy and Reparation, Nairobi, Kenya, March 19–21, 2007. [http://www.womensrightscoalition.org/site/reparation/signature\\_en.php](http://www.womensrightscoalition.org/site/reparation/signature_en.php) (accessed Feb. 15, 2011).

Nepal. Children’s Act 1992(B.S. 2048). <http://lawcommission.gov.np/index.php/ne/acts-english/doc/5/raw>.

— — — . Civil Code.

— — — . “Guidelines for Providing Relief to Beneficiary of Deceased Person.” Cabinet decision, October 5, 2008.

— — — . “Guidelines for Providing Relief to the Beneficiary of Disappeared Person.” Cabinet decision, January 12, 2009.

— — — . “Measures for Financial Support and Relief for Conflict Victims.” Cabinet decision, April 25, 2008.

— — — . MulukiAin 2020 (General Code 1963).

— — — . “National Plan of Action for the Rehabilitation and Reintegration of Conflict Affected Children.” Approved by Nepal Government, Council of Ministers, December 29, 2010.

Oficina Alto Comisionado para la Paz. Ley de Justicia y Paz. [http://colombiaemb.org/docs/Peace%20and%20Justice/justicia\\_paz.pdf](http://colombiaemb.org/docs/Peace%20and%20Justice/justicia_paz.pdf) (accessed Feb. 15, 2011).

Olson, Krisjon Rae. “Children in the Grey Spaces Between War and Peace: The Uncertain Truth of Memory Acts.” In *Children and Youth on the Front Line: Ethnography, Armed Conflict and Displacement*, edited by Jo Boyden and Joy-anna de Berry. Oxford: Berghahn Books, 2004.

Parmar, Sharanjeet, Mindy Jane Roseman, Saudamini Siegrist, and Theo Sowa, eds. *Children and Transitional Justice: Truth-Telling, Accountability and Reconciliation*. Cambridge, MA: Human Rights Program at Harvard Law School, 2010.

Ana Cutter Patel, Pablo de Greiff and Lars Waldorf, eds. *Disarming the Past: Transitional Justice and Ex-Combatants*. New York: Social Science Research Council, 2010. <http://ictj.org/publication/disarming-past-transitional-justice-and-ex-combatants>.

“President Song Met with Juan Manuel Santos, President of Colombia.” International Criminal Court, press release, Dec. 8, 2010. <http://www.icc-cpi.int/menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/press%20releases%20%282010%29/pr611> (accessed March 1, 2011).

R. Charli Carpenter, ed. *Born of War: Protecting Children of Violence Survivors in Conflict Zones*. Bloomfield, CT: Kumarian Press, 2007.

Rajani, Rakesh. “The Participation Rights of Adolescents: A Strategic Approach.” UNICEF Working Paper, document no. UNICEF/PD/05-01, 2001. [http://www.unicef.org/adolescence/files/Participation\\_Rights\\_of\\_Adolescents\\_Rajani\\_2001.pdf](http://www.unicef.org/adolescence/files/Participation_Rights_of_Adolescents_Rajani_2001.pdf).

Ramirez-Barat, Clara. *Making an Impact: Guidelines on Designing*

and Implementing Outreach Programs for Transitional Justice. New York: International Center for Transitional Justice, January 2011. [www.ictj.org/static/Publications/ICTJ\\_MakingAnImpact\\_pb2011.pdf](http://www.ictj.org/static/Publications/ICTJ_MakingAnImpact_pb2011.pdf) (accessed Feb. 15, 2011).

Republic of Colombia. Law 599/2000. Ley no. 599, Código Penal [Colombia], 599, July 24, 2000.

Republic of Colombia. Law 975/2005. Ley no. 975 por la cual se dictan disposiciones para la reincorporación de miembros de grupos armados organizados al margen de la ley, que contribuyan de manera efectiva a la consecución de la paz nacional y se dictan otras disposiciones para acuerdos humanitarios [Colombia], 975, July 25, 2005.

Republic of Liberia. Act to Establish the Truth and Reconciliation Commission of Liberia, art. VII, sec. 26(O), June 10, 2005. Enacted June 10, 2005, by the National Transitional Legislative Assembly.

Rule-of-Law Tools for Post-Conflict States: Reparations Programmes. New York and Geneva: Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 2008.

Sommers, Marc. Youth: Care and Protection of Children in Emergencies: A Field Guide. Westport, CT: Save the Children USA, 2001. <http://resourcecentre.savethechildren.se/content/library/documents/youth-care-protection-children-emergencies-field-guide>.

Sowa, Theo. "Children and the Liberian Truth and Reconciliation Commission." In Children and Transitional Justice: Truth-Telling, Accountability and Reconciliation, edited by Sharanjeet Parmar, Mindy Jane Roseman, Saudamini Siegrist, and Theo Sowa. Cambridge, MA: Human Rights Program at Harvard Law School, 2010.

Tapias, Camila de Gamboa. "The Colombian Government's Formulas for Peace with the AUC: An Interpretation from the Perspective of Political Realism." In Contested Transitions: Dilemmas of Transitional

Justice in Colombia and Comparative Experience, edited by Michael Reed and Amanda Lyons. Bogota: ICTJ, 2010. [es.ictj.org/images/content/2/4/2485.pdf](http://es.ictj.org/images/content/2/4/2485.pdf).

Thaindian News. "UN Urges Nepal to End Social Inequality." Aug. 17, 2009. [www.thaindian.com/newsportal/politics/un-urges-nepal-to-end-social-inequality\\_100233880.html](http://www.thaindian.com/newsportal/politics/un-urges-nepal-to-end-social-inequality_100233880.html) (accessed Feb. 15, 2011).

The Disarmament, Demobilization and Reintegration of Children Associated with the Fighting Forces: Lessons Learned in Sierra Leone, 1998–2002. Dakar: UNICEF 2005. [www.unicef.org/wcaro/WCARO\\_SL\\_Pub\\_LesLearntChildSoldiers.pdf](http://www.unicef.org/wcaro/WCARO_SL_Pub_LesLearntChildSoldiers.pdf) (accessed Feb. 15, 2011).

The Indian Residential Schools Settlement Agreement's Common Experience Payment and Healing: A Qualitative Study Exploring Impacts on Recipients. Ottawa: Aboriginal Health Foundation, 2010. [www.ahf.ca/publications/research-series](http://www.ahf.ca/publications/research-series) (accessed Feb. 15, 2011).

THINK. "Reparation in the Context of Children." Submission to CPA Taskforce on Children's Participation in the TRC Process. Undated thematic paper. On file with the authors.

UNESCO's Contribution: Empowering Youth Through National Policies. UNESCO: Paris, 2004. [http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL\\_ID=37525&URL\\_DO=DO\\_TOPIC&URL\\_SECTION=201.html](http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=37525&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html).

UNICEF. "Anthony Lake, Sworn in as Executive Director, Brings a Wealth of Experience to UNICEF." UNICEF. [www.unicef.org/about/who/index\\_53462.html](http://www.unicef.org/about/who/index_53462.html) (accessed Feb. 15, 2011).

United Nations General Assembly. "Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law." December 16, 2005. Resolution 60/147. [www2.ohchr.org/english/law/remedy.htm](http://www2.ohchr.org/english/law/remedy.htm) (accessed Feb. 15, 2011).

United Nations Mission in Nepal. "Arms Monitoring." United Nations Mission in Nepal. <http://www.unmin.org.np/?d=activities&p=arms> (accessed Feb. 15, 2011).

United Nations Population Division. "World Populations Prospects: 2008 Revision." United Nations. [esa.un.org/ UNPP/](http://esa.un.org/UNPP/) (accessed Feb. 15, 2011).

United Nations Secretary-General. Implementation of the World Programme of Action for Youth: Progress and Constraints with Respect to the Well-Being of Youth and Their Role in Civil Society. UN Doc. A/64/61-E/2009/3. Oct. 30, 2008. <http://www.un.org/esa/socdev/unyin/documents/a6461.pdf>.

———. The Rule of Law and Transitional Justice in Conflict and Post-Conflict Societies. UN Doc. S/2004/616. Aug. 23, 2004.

United Nations Security Council. "Report of the Secretary-General on Children and Armed Conflict in Colombia. UN Doc. S/2009/434. Aug. 28, 2009.

Verhey, Beth. "Reaching the Girls: Study on Girls Associated with Armed Forces and Groups in the Democratic Republic of Congo." Save the Children UK and the NGO Group: CARE, IFESH and IRC, November 2004. [www.crin.org/docs/Reaching\\_the\\_girls.pdf](http://www.crin.org/docs/Reaching_the_girls.pdf) (accessed Feb. 15, 2011).

Vinck, Patrick, Phuong Pham, Suliman Baldo, and Rachel Shigekane. Living with Fear: A Population-based Survey on Attitudes about Peace, Justice, and Social Reconstruction in Eastern Democratic Republic of Congo. New York: International Center for Transitional Justice, August 2008. <http://ictj.org/sites/default/files/ICTJ-DRC-Attitudes-Justice-2008-English.pdf>.

World Bank. "Gross National Income Per Capita 2009, Atlas Method and PPP." World Development Indicators Database, Sept. 27, 2010. [siteresources.worldbank.org/ DATASTATISTICS/Resources/GNIPC.pdf](http://siteresources.worldbank.org/DATASTATISTICS/Resources/GNIPC.pdf) (accessed Feb. 15, 2010).

# **Through a New Lens: A Child-Sensitive Approach to Transitional Justice**

August 2011

Cécile Aptel and Virginie Ladisch

International Center for Transitional Justice

**Translator (Persian):** Khalil Rostamkhani

**Proof-reading:** Shourangiz Dadashi

**Cover Painting:** Lionel Rigault

**Cover design & layout:** Rooholamin Amini

**Publisher:** Armanshahr Publishing

**Print-run:** 500 copies

**Second edition:** 2021

All rights reserved for the publisher.

This publication has been produced with the financial assistance of the International Civil Society Action Network (ICAN). The responsibility for the publication lies with Armanshahr Foundation and for the contents with their writers. The contents can in no way be assumed to reflect the views of the aforementioned institutions.

# Through a New Lens: A Child-Sensitive Approach to Transitional Justice

Cécile Aptel and Virginie Ladisch  
Translator (Persian): Khalil Rostamkhani